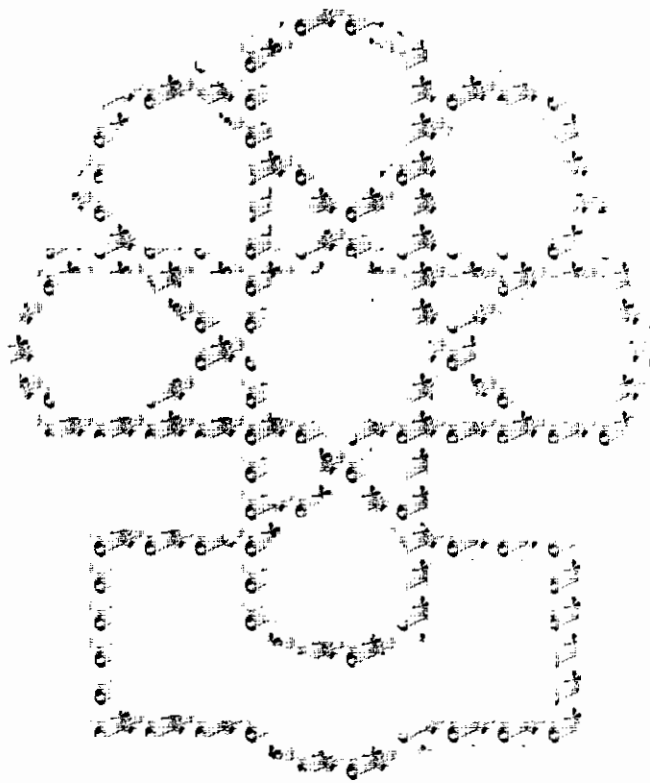


# نظام تأمین اجتماعی (۱)



معاونت پژوهشی  
اردیبهشت ۱۳۷۹

کار: گروه تحقیق  
مسئول گروه: دکتر جمشید پژویان

کد گزارش: ۲۸۰۵۵۴۵

بسمه تعالی

نظام تأمین اجتماعی (۱)

کد گزارش: ۲۸۰۵۵۴۵

## فهرست مطالب

|    |  |
|----|--|
| ۲  | پیشگفتار   |
| ۵  | مقدمه  |
| ۵  | اقتصاد - دیروز و امروز                             |
| ۶  | دولت و زندگی اقتصادی                               |
| ۸  | کشورهای در حال توسعه درون خانواده بزرگ جهانی       |
| ۹  | اصول و اسباب لازم برای رشد اقتصادی                 |
| ۱۹ | <b>فصل اول - جمعیت</b>                             |
| ۲۰ | ۱-۱- ساختار سنی جمعیت ایران                        |
| ۲۱ | ۱-۲- ساختار جنسی جمعیت ایران                       |
| ۲۲ | ۱-۳- ساختار آموزشی جمعیت ایران                     |
| ۲۲ | ۱-۴- توزیع منطقه‌ای جمعیت ایران                    |
| ۲۳ | ۱-۵- توزیع استانی جمعیت کشور                       |
| ۲۴ | ۱-۶- جمعیت فعال                                    |
| ۲۹ | ۱-۷- ترکیب جنسی جمعیت فعال                         |
| ۳۰ | ۱-۸- توزیع منطقه‌ای جمعیت فعال                     |
| ۳۱ | ۱-۹- جمعیت شاغل                                    |
| ۳۴ | ۱-۱۰- تحریک اشتغال در مناطق شهری و روستایی         |
| ۳۵ | ۱-۱۱- بیکاری                                       |
| ۳۷ | ۱-۱۲- تحولات اشتغال در استان‌ها                    |
| ۳۸ | ۱-۱۳- سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در اشتغال کشور     |
| ۴۰ | <b>فصل دوم - عشایر (جمعیت فعال، اشتغال و سواد)</b> |
| ۵۳ | فهرست منابع  |

در کشور ما یا هر کشور در حال توسعه دیگری، کم و بیش از نظریه‌های جدید و ابزار و وسایل علوم مختلف بهره‌برداری می‌شود. در ایران نیز از اتومبیل‌های تکنیکی و خودکار مشابه کشور سازنده آن استفاده می‌کنیم، کامپیوترهای با سرعت زیاد و مشخصات پیچیده را به کار می‌اندازیم و از نرم‌افزارهای مختلف بهره‌برداری می‌نماییم و عملکرد آن بسیار شبیه آن است که در کشورهای صنعتی و سازنده آن رخ می‌دهد. ترکیب مواد شیمیایی نتایج فرمولی مشابهی در ایران می‌دهند و درصد افرادی که در ایران از مصرف یک داروی جدید در بهبود بیماری خود جواب مثبت می‌گیرند نیز مشابه کشور سازنده آن دارو است. ولی نباید فراموش شود که این تشابه را نمی‌توان به انطباق کامل تعبیر نمود، چون به هر حال بستر و فضایی که تکنولوژی‌ها و ابزار، داروها و عمل‌های جراحی در آن اجرا می‌شوند نیز در فرایند مورد نظر مؤثر هستند. استفاده از تلفن برای دریافت و ارسال پیام ما به وسیله کامپیوتر نه تنها به تکنولوژی ارتباطات بستگی دارد بلکه، به فرهنگ و عادات مردم در اشغال و استفاده از مسیرهای ارتباطی که متأثر از نوع ضرورت ارتباطها، اشغال بی‌مورد، گفتگوی طولانی و حتی مزاحمت‌های تلفنی است نیز مرتبط می‌شود. نتیجه عمل جراحی با استفاده از جراحان و ابزار و دستگاه‌های یکسان، به پرستاری، وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت مجموعه کادر بیمارستان غیر از مهارت آنها نیز بستگی دارد.

وقتی که انتقال و استفاده از نظریه‌های اقتصادی مطرح می‌شود، این بستر و فضای اجرای آن آنچنان نقش مهمی پیدا می‌کند که گاه عامل اصلی در دریافت نتایج و پی‌آمدها خواهند بود. اگر تحقیقات عمدتاً در علوم دیگر در جهت کشف و اختراع جدید یا شبیه‌سازی از تکنیک و نظریه‌های موجود صورت می‌گیرند، در زمینه‌های اقتصادی این تحقیقات بیشتر برای شناخت بستر و فضای حاضر و بررسی نتیجه اجرای نظریه‌ها و سیاست‌ها در آن انجام می‌پذیرند. لذا تحقیقات در علم اقتصاد از اهمیت خاصی برخوردار است. اجرای سیاست اقتصادی یا پذیرش نظریه‌ها و راه‌حل‌های اقتصادی بدون انجام تحقیقات و مطالعات لازم می‌تواند منتهی به نتایجی شود که کاملاً معکوس آن چیزی است که مورد نظر بوده است.

از آنجا که متغیرهای غیرکنترلی بسیاری در فرایند اقتصادی عمل می‌کنند و چون بسیاری از مطالعات اقتصادی متکی به نمونه‌گیری آماری و اطلاعات کیفی هستند، تعدد و تکرار تحقیقات کاملاً قابل توجیه می‌شوند. پیگیری و انجام مجدد یک موضوع تحقیقاتی گاه یک ضرورت خواهد بود. در گذشته جامعه ایران تحقیقات و مطالعات اقتصادی یک کالای لوکس محسوب شده و در صورت وجود منابع کم اهمیت یا افزایش قابل توجه در درآمدها به این مهم پرداخته می‌شد. هر چند که در شرایط موجود نیز هنوز ضرورت تحقیقات اقتصادی برای عموم به خوبی درک نشده است. ولی به هر حال عده‌ای هستند که متوجه این مهم و نیاز جامعه به استفاده از نظریه‌های کاربردی اقتصاد می‌باشند.

یکی از مهم‌ترین نکات کلیدی در استفاده از ابزار سیاست‌های اقتصادی فراهم نمودن بستر لازم برای پیاده کردن و اجرای سیاست‌هاست. بستر محکم و قابل اعتماد می‌توان جذب فشارها و رها شدن‌ها را داشته باشد از طریق یک سیستم مالیاتی کارآمد و مناسب و یک سیستم تأمین اجتماعی فراگیر. مؤثر و حمایت‌کننده ممکن می‌شود. در اجرای هر سیاست‌گذاری کلان اقتصادی امکان آسیب‌پذیری گروهی در مقابل ثروت اندوختی عده‌ای دیگر وجود دارد. هر چند که در یک مدل کارآمد ایستا حرکت از یک تعادل به تعادل

دیگر، بدون توجه به دوره انتقال، باید منتهی به بهبود سریع اقتصادی شود، ولی به هر حال نه تنها خراب شدن شرایط توزیعی می‌تواند وضعیت گروهی را نامطمئن و نامناسب نماید، بلکه در دوران انتقال که ممکن است دوره‌ای طولانی باشد، احتمال هرگونه صدمه اقتصادی برای عده‌ای و منافع بادآورده برای گروه دیگری وجود دارد.

هر چند که هر دو موضوع مالیات‌ها و تأمین اجتماعی پیچیدگی و گستردگی خاص خود را دارند و هر دو از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند، ولی به علت زمینه کمتر در مطالعات یک سیستم تأمین اجتماعی در ایران و تعدد متولیان این نظام، به نظر می‌رسد که تحقیقات در این زمینه باید فایده‌نهایی بیشتری را داشته باشد. به خصوص در جامعه اقتصادی ایران که سابقه‌ای از یک نگرش جامع و هدفمند به سیستم تأمین اجتماعی را نمی‌توان یافت. انجام تحقیقات در زمینه تأمین اجتماعی می‌تواند حداقل بعضی از واقعیت‌ها را آشکار نماید. اما در این مجموعه اقتصادی که برحسب گفتار قبل مطالعات و تحقیقات اقتصادی محدود و پراکنده هستند، منابع مطالعات خیلی کم و اطلاعات و آمار نیز از تباطؤ جزئی با استفاده کنندگان دارند. اقدام به اجرای یک طرح گسترده و به خصوص در مورد تأمین اجتماعی قطعاً با مشکلاتی مواجه خواهد شد. در مرحله نخست بدون حمایت معنوی و مادی نمی‌توان حتی مطالعه را آغاز نمود، توجه خاص آقای دکتر جواد اردشیر لاریجانی، آقای مهندس مرتضی نبوی و آقای مهندس محمد حسین ملایری در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به مشکل اول این هدف پاسخ مثبت داد. به هر حال نباید تلاش‌های اولیه آقای ماشاالله... نژاد را در تنظیم فرم پیشنهاد طرح و پیگیری در جهت تأمین مالی آن نادیده گرفت.

از حدود اواخر دهه شصت که من مطالعات تحقیقاتی خود را بیشتر در زمینه مسائل اقتصاد فقر و رفاه متمرکز کرده و مبادرت به اجرای چندین طرح نمودم. همواره از بهترین و کارآمدترین همکاران جوان برخوردار بودم، اینها از جمله بهترین توشه‌های زندگی دانشگاهی من بوده‌اند. در اجرای این طرح به خصوص با توجه به مشکلات عدیده‌ای که در مسیر راه قرار گرفته و قوت اجرای طرح را متأثر نموده، اگر همکاری، صداقت و کارآمدی کارشناسان و مشاوران این تحقیق نمی‌بود، قطعاً در مراحل اولیه طرح متوقف می‌شد. در فرایند انجام این مهم همکارانی که با علاقه و با استفاده از کلیه توان خویش مؤثر بودند و با تشکر خاص از کارشناسان ثابت گروه تحقیق، به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

#### خانم‌ها

- ۱- نارسیس امین رشتی
- ۲- سمن الفتی
- ۳- صدف پژوهان
- ۴- مهنوش عبدا... میلانی
- ۵- زهرا کریمی موتاری
- ۶- نازی محمدزاده اصل
- ۷- فاطمه (مرجان) نظیفی

#### آقایان

- ۱- دکتر جاوید بهرامی
- ۲- دکتر علیرضا صدر منوچهری نائینی

۳- تیمور محمدی

۴- صداقت فر (کارشناس ارشد کامپیوتر)

کلیه مراحل اولیه تایپ و تکثیر به عهده آقای مسعود جعفرزاده بوده و بالاخره آنچه که در مقابل است به مدیریت چاپ و تولید آقای عبدالرضا فاضلی صورت گرفته است. در اجرای این تحقیق از مشاوره گروهی از اساتید به مدیریت آقای دکتر احمد توکلی و همچنین به طور مستقل از نظرات آقای دکتر حمید ناظمان بهره گرفته شد. به هر حال کلیه اشتباهات و ایرادها متوجه من خواهد بود.

جمشید پژوهان

بهار ۱۳۷۹

## اقتصاد - دیروز و امروز

هر اجتماعی باید در مورد نحوه تخصیص منابع خود تصمیم بگیرد. آیا باید نفت را در قیمت‌های موجود از دل زمین خارج نموده و به فروش برسانیم؟ یا بهتر است که فعلاً آن را در قعر مخازن زیرزمینی حفظ کنیم. منابع عظیم مس در خاک این کشور وجود دارد و کارخانه‌ای نیز به ذوب آن اشتغال دارد. چرا به جای احداث کارخانه، سنگ مس را صادر نکنیم. آیا در شرایطی که امکان ایجاد کارگاه‌ها یا کارخانجات تولید در و پنجره چوبی یا قفسه آشپزخانه و پارکت وجود دارد، به جای صادرات این کالاها مبادرت به صدور چوب و تخته می‌کنیم. بدون بررسی و مطالعه نزدیک واقعاً نمی‌توان به این سؤال پاسخ داد. بعضی‌ها پاسخ به بسیاری از این گونه سؤال‌ها یا سؤال‌هایی که تخصیص منابع را در بر می‌گیرد را در گرو مکانیسم بازار قرار می‌دهند و سیاست‌گذاری‌های دولت را در حداقل مقدار در نظر دارند. در حالی که گروهی که به تدریج از تعداد آنها کم می‌شود نقش دولت را بسیار اساسی تر مطرح می‌نمایند.

به نظر می‌رسد که حساسیت عمده در سؤال‌های فوق به گسترش روابط اقتصادی بین جوامع مختلف باز می‌گردد و این مهم که در دنیای امروز نسبت به قرون گذشته روابط اقتصادی بین جوامع توسعه چشمگیری داشته است. به عبارت دیگر چون دولت‌ها با ایجاد مرزبندی و کنترل آن جابه‌جایی کالاها و منابع را نظارت می‌کنند، بدون شک حضور آنها در این تصمیم‌ها مطرح می‌شود. ولی در گذشته دورتر که بشر در محدوده‌های کوچک‌تری به تولید و مبادله اشتغال داشته، نقشی برای دولت در نظر گرفته نمی‌شده است. اصولاً انسان از هزاران و شاید میلیون‌ها سال قبل مبادرت به تخصیص منابع نموده و آنرا با نیازهای خود تطبیق می‌داده است.

در دورانی که زندگی انسان‌ها به شکار، به چوپانی و کشاورزی می‌گذشته است، افراد براساس نیازهای (تقاضای) خود و خانواده مبادرت به تولید می‌نمود و مسئله مبادله در حد جزئی مطرح بوده و تقریباً نقشی در تصمیم‌گیری خانوارها در تنوع و شاید مقدار تولید نداشته است. در واقع با وجود آن که قوانین اقتصادی مربوط به تقاضا و عرضه در همه ادوار زندگی اقتصادی بشر مطرح بوده، ولی نیازی به طرح قانون‌مندی‌های اقتصادی و طرح نظریه‌ها وجود نداشته است، چون انسان عمدتاً شکار را برای سیری شکم خود و خانواده و استفاده پوست آن برای پوشش انجام می‌داده و همچنین تربیت احشام و تولید گندم، جو و دیگر محصولات کشاورزی را نیز به همین منظور انجام می‌داده است. اما از زمانی که فعالیت و تولید صنعتی آغاز شد تصویر فعالیت‌های اقتصادی تغییر اساسی نمود. کسی که در یک فعالیت اقتصادی صنعتی مبادرت به تولید سوزن، ظروف فلزی، دیگ بخار و غیره می‌نمود فقط یا اصولاً برای رفع نیاز مصرفی خود تولید نمی‌کرد. او برای فروش کالا در بازار فعالیت می‌نمود و در نتیجه مهم بود که بداند چه مقدار باید تولید کند، قیمت‌ها در آینده چه خواهد بود و مصرف‌کنندگان (متقاضیان) چه می‌خواهند و در چه قیمت‌هایی.

اکثریت انسان‌های دنیای شکار، چوپانی و کشاورزی با کالاهای محدودی روبه‌رو بودند که عمدتاً برای سیری شکم او مفید بود. در نتیجه نیاز و توجه به مال‌اندوزی و افزودن به آن متقاضیان کمتری داشت، توزیع - درآمدها و ثروت‌ها نزدیک‌تر بوده و بالاخره هرکسی (غیر از افراد معلول و از کار افتاده) توان رفع نیازهای اولیه خود را می‌داشت. نیازمندان نیز به وسیله خانوار و قبیله تأمین شده و کمتر کسی از گرسنگی

رنج می‌برد. ورود به دنیای صنعتی تنوع کالاها، تولید برای سود، زندگی شهرنشینی، نیاز به انبوه نمودن سرمایه به وسیله سرمایه‌داران شرایط دیگری را در روند اقتصادی زندگی بشر مطرح نمود. در کنار به وجود آمدن قانون‌مندی‌های اقتصادی در این زمینه و بهینه نمودن تخصیص منابع و افزایش کارایی در تولید، مسئله فقر، ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه خود را آشکارتر نمود.

از دیدگاه مارکس که در اوج فقر عامل کار و روند انباشت سرمایه صحبت می‌نمود این حرکت یک سویی منجر به طغیان طبقه‌ای از جامعه علیه سرمایه‌داران می‌شد و در نهایت نوید یک جامعه بدون طبقه را می‌داد که در آن توزیع درآمد بسیار مناسب بوده و فقر مطرح نمی‌شد. این سنتز منعکس‌کننده ناتوانی سیستم اقتصادی در تأمین امنیت لازم برای افراد بود. به عبارت دیگر مجموعه تصمیم‌گیری که می‌توانست به تخصیص بهتر منابع از طریق مکانیسم بازار منتهی شود، مشکل توزیع، رفاه و فقر را نمی‌توانست حل نماید. آنچه که مارکس نادیده گرفت تأثیر دخالت دولت، دیدگاه بلندمدت سرمایه‌داران و سیاست‌گذارهای اقتصادی در کاهش فشارهای رفاهی و فقر در دوران عبور از مراحل اولیه سرمایه‌داری به مراحل بعدی بود. از زمان ظهور اولین طلیعه‌های مقاومت و اعتراض از سوی گروهی که شرایط رفاهی خود را نامتناسب دیده و فقر را احساس می‌نمودند، راه‌کارهایی به وسیله سیاست‌گذاران و حکمرانان فراهم شد. اگر در دورانی این مهم به خاطر مقابله با کمونیزم و حرکت کارگری صورت می‌گرفت امروزه سیاستی متکی به خواسته و رأی اکثریت جامعه است. دخالت و مدیریت اقتصادی دولتی در تخصیص منابع در دنیای امروز متکی به طرح نظریه‌های مثبت<sup>۱</sup> اقتصاد و از طریق راه‌کارهای اقتصاد دستوری<sup>۲</sup> است. در حالی که مسائل رفاه و اقتصاد رفاه یک بحث غالباً دستوری می‌باشد.

با بازگشت به سؤال‌های اولیه و قبول ضرورت برای مطالعه و بررسی قبلی در جهت ارائه پاسخ و راه کار، به خوبی آشکار است که روش بررسی و قرار گرفتن در مقام پاسخ به چگونگی تخصیص منابع متکی به نظریه‌های اقتصادی است که قضاوت‌های ارزشی آن جزئی و قابل گذشت است. اما در جایگاه رفیع ناهنجاری‌های رفاهی و مسائل توزیع درآمد و فقر نیاز به پذیرش بعضی از تعاریف و ارزش‌گذاری‌های غیر مثبت است.

## دولت و زندگی اقتصادی

در یک قرن پیش بخش عمده انسان‌ها حتی در کشورهای پیشرفته آن روز در روستا زندگی می‌کردند و احتمالاً ارتباط بین یک روستایی و دولت بسیار محدود بوده و از ارائه بعضی از کالاهای عمومی مثل قانون، امنیت نسبی و شاید بعضی دیگر از خدمات عمومی کلاسیک تجاوز نمی‌نمود. این شرایط با جزئی تفاوت‌هایی برای شهروندانی که بخش کوچک‌تر جامعه را تشکیل می‌دادند نیز وجود داشته است. البته سوی دیگر این رابطه نیز جمع‌آوری بعضی از مالیات‌ها به وسیله دولت از افراد جامعه بوده است.

امروزه فعالیت دولتی به صورتی قابل توجه گسترش یافته است. روستاییان و شهروندانی که اکنون بخش غالب جامعه را تشکیل می‌دهند، فرزندان خود را به مدارس دولتی می‌فرستند. از بهداشت و خدمات درمانی ارائه شده به وسیله دولت در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها سود می‌برند. از برنامه‌های متنوع و گسترده رادیو و تلویزیون استفاده می‌کنند، پارانه دریافت می‌نمایند و از قیمت‌های کنترل شده پایین برای بعضی از

1 Positive Economy.

2 Normative Economy.

نهادها بهره می‌برند و در دهه یک کشور دولت خود را با دولت‌های دیگر مقایسه کرده و در صورت دریافت حمایت و امنیت کمتر از سوی دولت خود انتقاد نموده و گاه در مقام دخالت و تعویض دولت بر می‌آیند.

قرن بیستم تنها شاهد تحولات و تغییرات فاحش در تکنولوژی و نوآوری نبوده است، توسعه فعالیت‌ها و بسط وظایف دولت‌ها، که عمدتاً ناشی از دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای مختلف بوده نیز، از مشخصه‌های عمده این قرن است. نهادینه شدن دگرگونی‌های سیاسی در جوامع غربی و در نتیجه ظهور دولت‌های رفاه‌طلب، حاکم بر جهانی، انقلاب کمونیستی، بحران بزرگ ۱۹۳۰، جنگ دوم جهانی و توسعه دنیای کمونیست، نوگرایی جهانی غرب، شرق و جهان سوم، بحران‌های انرژی و بالاخره فروپاشی جهان کمونیست و بسیاری دیگر از وقایع جهانی و منطقه‌ای باعث ایجاد تحول در نگرش مردم و انتظارات آنها از دولت‌های خود و شاید مجموعه جهان شد.

در کنار وقایع سیاسی و اجتماعی فوق‌جهان شاهد تحولات قابل توجهی در نظریه‌ها و روابط اقتصادی درون کشورها و بین جوامع مختلف بوده و هست. توجه و پذیرش نظریه‌های اقتصادی کینز که او به علت وقوع بحران بزرگ ۱۹۲۹-۱۹۳۳ آن را مطرح نموده و از زمان خاتمه جنگ جهانی دوم به بعد سرلوحه سیاست‌گذاری‌های اقتصاد قرار گرفت و سپس بازگشت نسبی از دیدگاه کینزین‌ها به کلاسیک‌های جدید از دهه آخر قرن گذشته را می‌توان مهم‌ترین تحولات در دیدگاه‌های اقتصادی تلقی نمود. تا چه حد پذیرش نظریه کینزین‌ها به سبب وقوع کرایانه بودن این نظریات در مقابل نظریه‌های کلاسیک‌ها مربوط بوده یا چه مقدار قبولی آن دوران سیاسی داشته و متأثر از گسترش نفوذ و سلطه کمونیست‌ها است یا بازگشت نسبی به دیدگاه کلاسیک‌ها به چه مقدار از آزمون نظریه‌های مختلف کینزین و کلاسیکی اثر پذیرفته و چه حدی فروپاشی کمونیست و شکست دیدگاه اقتصاد دولتی در آن نفوذ داشته است را مورد بحث قرار نمی‌دهیم. بلکه این مهم است که در فرایند وقوع این تحولات دقت و صحت نظریه‌ها چه کینزین و چه کلاسیکی در حال افزایش بوده و جنبه تکنیکی و کاربردی آنها مرتب بیشتر شده است. به همین علت فصل مشترک بین نظریه‌های نئوکلاسیکی<sup>۱</sup> یا کلاسیک‌های جدید<sup>۲</sup> با نئوکینزین<sup>۳</sup>‌ها بیشتر از توافق در نظریات کینزین‌ها با کلاسیک است.

طی قرن بیستم در کنار پیشرفت علوم دیگر، نه کمتر، در کاربردی شدن و دقت نظریه‌های اقتصادی تحول عمده‌ای ایجاد شد. اگر در اوایل دهه ۳۰ میلادی یک بحران منجر به فاجعه‌ای جهانی به علت رکود بسیار شدید، بیکاری گسترده و بالاخره فروپاشی اقتصاد بسیاری از کشورها شد، در دهه‌های آخر قرن بیستم با وجود اقتصادی که به مراتب وسیع‌تر، پیچیده‌تر از اقتصاد دهه ۳۰ بوده چنان واقعه‌ای تکرار نشد. در واقع اقتصاددانان در همان دوران موفق شدند تورم را که یکی از مهم‌ترین ناهنجاری‌های اقتصادی از پس از جنگ دوم جهانی تا دهه هشتاد میلادی بود را مهار نمایند. به صورتی که در کشورهای صنعتی امروز چیزی به عنوان مشکل تورم وجود ندارد. بدون شک این دستاوردها ناشی از حضور و اجرای سیاست‌های اقتصادی از سوی دولت‌ها در کشورهای توسعه یافته و صنعتی است.

موفقیت دولت در جهان صنعتی به کنترل و مهار تورم تنظیم یک رشد پایدار و ایجاد اشتغال مناسب

1. Neo Classics.
2. New Classics.
3. Neo Kegnzians.



منحصر نمی‌شود. این حکومت‌ها به دولت‌های رفاه‌طلب مشهور هستند چون در زمینه‌های بهبود سطح رفاه عمومی، کاهش یا حتی محو فقر و همچنین بهبود در توزیع درآمد نیز موفق بوده‌اند. براساس گزارش توسعه جهانی از بانک جهانی<sup>۱</sup> و با توجه به یک شاخص فقر<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۷ هیچ یک از کشورهایی که تحت عنوان صاحبان درآمد بالا معرفی می‌شوند (۲۶ کشور) و حدود  $\frac{۲}{۳}$  کشورهایی که به نام صاحبان درآمد متوسط بالا خوانده می‌شوند فاقد فقیر بودند، در حالی که براساس همین شاخص بعضی از کشورهای با درآمد پایین و حتی با درآمد متوسط تا حد ۸۷ درصد<sup>۳</sup> فقیر دارند. در همین گزارش امید به زندگی برای کشورهای غنی به طور متوسط ۷۷ سال ثبت شده است و این شاخص برای بخشی دیگر از جهان حدود ۵۴ سال است. ارقام فوق ضمن تصویر نمودن شرایط مناسب برای کشورهای توسعه یافته و غنی، وضعیت نامطلوب بخش دیگری از جهان را نیز نشان می‌دهد.

در این گذار رشد و توسعه برای کشورهای توسعه یافته و غنی، نصیب کشورهای در حال توسعه یا فقیر و متوسط جهان چه بوده است؟ بدون شک و بانگامی به بعضی از شاخص‌ها از سرریز توسعه در کشورهای صنعتی و پیشرفته بعضی منافع نیز متوجه این جوامع شده و ضمن بهبود در سطح بهداشت، آموزش و بعضی دیگر از خدمات امید به زندگی نیز در این کشورها افزایش یافته و در واقع مثلاً در دهه هفتاد میلادی رقم ۵۴ سال امید برای زندگی در دسترس بسیاری از کشورهای در حال توسعه قرار نداشته است. آیا بهبود مطلق در شرایط این گونه جوامع که نتیجه پیشرفت علم و تکنولوژی کشورهای توسعه یافته است را می‌توان به حساب موقعیت دولت‌ها در کشورهای فقیر گذاشت. به عبارت دیگر همزمان با تحول در فعالیت‌ها و نگرش دولت‌های کشورهای پیشرفته دولت‌های جوامع در حال توسعه چه می‌کردند.

طی قرن بیستم میلادی جوامع در حال توسعه آنقدر درگیر مسائل و برخوردهای سیاسی و قدرت‌طلبی بودند که فرصتی جهت بازنگری در برنامه‌های اقتصادی و پیگیری اهداف رشد و توسعه اقتصادی را نداشتند. در واقع برای اجرای برنامه‌های بلندمدت نیاز به فراهم بودن بستر لازم و یک دولت بلندنگر است. در حالی که در مرحله نخست به علت بی‌ثباتی‌ها و درگیری‌های سیاسی عمده دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه دید کوتاه مدت داشته و اصولاً حکومت خود را پایدار نمی‌بینند. عدم وجود بستر مناسب و فراهم، نادیده گرفتن خواسته‌ها و رفاه اکثریت جامعه به وسیله دولت‌ها، نبود ابزار مناسب سیاست‌گذاری اقتصادی و بالاخره کوتاه یا نزدیک‌بینی دولت‌های کشورهای در حال توسعه و فقیر آنان را طی قرن بیستم به طور نسبی در شرایطی بدتر نسبت به جوامع توسعه یافته و غنی قرار داده است.

### کشورهای در حال توسعه درون خانواده بزرگ جهانی

دیدگاه خانواده بزرگ جهانی که جهت جلوگیری از وقوع مجدد جنگ اول جهانی تشکیل جامعه مللی را موجب شده بود، پس از وقوع جنگ دوم که تشکیلات اولیه را ناموفق نشان داد با ساخت و ساز تازه‌ای سازمان ملل متحد را ایجاد نمود. به تدریج بدنه این سازمان جهت توسعه جهانی آموزش و بهداشت، بهبود رفاه کودکان، حمایت از فقرا و زنان و... گسترش یافت. همچنین دو شاخه اقتصادی بانک جهانی<sup>۴</sup> و صندوق

1. World Development Report 1997. "The State in a Changing World", of Ford University Press. P.P(214-5)

۲ درصد افرادی که بر اساس نرخ برابری PPP با کمتر از یک دلار روزانه سر می‌کنند.

3. Guinea-Bissau.

4. World Bank.

پول بین المللی نیز برای تنظیم اقتصاد و تجارت جهانی به وجود آمدند. در کنار وظایفی که این دو سازمان برای کمک اقتصادی به اعضای خود دارند، بخش های خاصی را جهت حمایت و کمک بیشتر به کشورهای در حال توسعه به وجود آورده اند. مثلاً بانک جهانی از دو شاخه، بانک جهانی برای توسعه و تجدید ساختار (IBRD) و سازمان توسعه جهانی (IDA) تشکیل شده است. این دو تشکیلات اقدام به دادن وام به کشورهای عضو در جهت ارتقای شرایط اقتصادی و زندگی رفاهی آنها می کنند. IBRD وام خود را در اختیار کشورهای معتبر و برای سرمایه گذاری در زمینه های پر بازده قرار می دهد و ریسک عدم برگشت این وام ها بسیار کم است. البته کشورهای فقیر دسترسی چندانی به این وام ها ندارند.

بانک جهانی در کنار وام هایی که در اختیار اعضای خود می گذارد اقدام به یاری برای ارتقای بهره وری تولیدی کشورهای عضو را نیز در دستور کار خود دارد، که نگاه اولیه آن متوجه کشورهای در حال توسعه می شود. علاوه بر این سازمان توسعه جهانی (IDA) که در سال ۱۹۶۰ تأسیس شد عمدتاً یاری خود را متوجه کشورهای فقیر تر عضو می کند که دسترسی به اعتبارات (IBRD) ندارند و این وام فقط در اختیار دولت ها قرار می گیرد. صندوق بین المللی پول (IMF) که برای تسهیل در نقدینگی جهانی به وجود آمد عمدتاً وام های کوتاه مدت در اختیار کشورهای عضو قرار داده و در جهت تنظیم و کنترل وضعیت اقتصاد کشورها به آنها تسویه می دهد.

هر چند که در مجموع سازمان های جهانی وابسته به سازمان ملل بعضی از کمک ها و یاری ها را برای کشورهای در حال توسعه فراهم نموده اند، ولی تصور این که این مجموعه هم قصد و هم توانایی هدایت کشورهای در حال توسعه و فقیر را از مراحل مختلف رشد و توسعه دارند، باطل است. اگر نپذیریم که این سازمان ها کاملاً به وسیله کشورهای توسعه یافته و قوی جهان برنامه ریزی و هدایت می شوند، نمی توانیم نفوذ آنها را نادیده بگیریم. از سوی دیگر جدا از بعضی از کمک های موردی یا خاص از سوی مؤسسات وابسته به سازمان ملل که متوجه کشورها و جوامع مصیبت دیده و شدیداً فقیر می شود. کشورهایی از وام های بلندمدت بهره می گیرند که یا توانایی باز پس دادن آن را داشته باشند یا به وسیله قدرت های بزرگ یا سهامداران بزرگ بانک جهانی حمایت شده باشند. حکومت های کشورهای در حال توسعه حتی نمی توانند به توصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در جهت ارتقای شرایط اقتصادی خود اعتماد و اتکا نمایند. این نه به خاطر خبث طینت مسئولان این سازمان ها، بلکه به واسطه نسخه های عمومی و کلی است که به وسیله به خصوصی در سازمان اقتصادی فوق ارائه می شوند. چنانچه قبلاً اشاره شد اجرای سیاست های اقتصادی نیازمند آماده سازی و شناخت بستر لازم آن در هر جامعه است که از طریق مطالعات نزدیک و گسترده ممکن می شود. این مهم به وسیله حکومت ها و دولت های محلی قابل انجام است و اگر نه دیگران هر چقدر نیز نیت و قصد کمک داشته باشند نمی توانند به اندازه خود ما دلسوز و علاقه مند باشند.

### اصول و اسباب لازم برای رشد اقتصادی

برای فراهم نمودن بستر لازم یا اصول و زیرساخت های ضروری جهت رشد و توسعه اقتصادی نکات مهمی مطرح است که از جمله شرح پنج پیش نیاز یا بستر برای انجام این مهم می باشد. اینها عبارتند از:

۱- قانون گرایی و وجود قوانین:

۲- فضای اقتصادی لازم، منجمله اقتصاد کلان باثبات؛

۳- سرمایه گذاری نیروی انسانی و زیرساخت‌ها؛

۴- حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر و سیستم تأمین اجتماعی؛

۵- حمایت و نگهداری از منابع طبیعی.

هر چند که شناخت اصول فوق برای توسعه اقتصادی و اجتماعی از دیر زمان وجود داشته است. اما دیدگاه‌های جدیدی در رابطه با نحوه همکاری دولت و بخش خصوصی در جهت حصول به این موارد مطرح است. در زمان حال بهتر قابل تشخیص است که دولت و بازار به صورت مکمل یکدیگر عمل می‌نمایند تا جانشینی همدیگر. هر چند که بعضی از کشورهای جهان در حال توسعه مثل کشورهای شرق آسیا یا شیلی و بوتسوانا<sup>۱</sup> در این زمینه، یعنی فراهم کردن اصول و پیش‌نیازهای بالا موفق بوده‌اند. ولی بسیاری دیگر از این کشورها دست آورد قابل توجهی در این زمینه نداشتند.

#### قانون‌گرایی و وجود قوانین

در رأس این امور حق مالکیت است که شناخت و اعتبار آن بستگی به فراهم شدن چندزمینه دارد. نخست حمایت در مقابل دزدی، خشونت و کلاهبرداری است، در حالی که بی‌ثباتی در تصمیم‌های دولت، عدم شفافیت و در نتیجه قابلیت طرح انواع تفاسیر برای قوانین و دیگر نااطمینانی‌ها از سوی حکومت نیز مانع بزرگی در جهت شناخت حق مالکیت و قانون‌گرایی تلقی می‌شود. بدون شک باید به موارد فوق وجود دستگاه قضائی یا قضاوت سالم و منصفانه رانیز به موارد بالا اضافه نمود. قطعاً «بدون قانونی» یک مانع اصلی در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی برای هر جامعه‌ای است که متأسفانه در عمده کشورهای در حال توسعه زمینه آن وجود دارد. هیچ انسان عاقلی نه سرمایه فیزیکی و نه انسانی خود را در جامعه بدون قانون و با ریسک بالا نگهداری نمی‌کند.

هر چند برقراری قانون و قانون‌گرایی رفع تنگنای اصلی در راه توسعه و پیشرفت جوامع است، ولی در همین زمینه نیز این حرکت برای ایجاد حق مالکیت و رفع موانع کفایت نمی‌کند. فقدان اطلاعات یا عدم شفافیت آن می‌تواند مشکلات مشابهی با بدون قانونی را ایجاد نماید. مهم است که مردم بدانند که چگونه می‌توانند حقوق مالکیت خود را ثبت و اعمال نمایند، چه‌طور سود خود را جمع‌آوری نمایند و در مقابل تهدیدهایی که به حق مالکیت یا حقوق شخصی آنها می‌شود مقابله نمایند.

#### فضای مناسب و ثبات اقتصادی

حق مالکیت و اعمال آن لازمه اصلی فعالیت بنگاه‌های اقتصادی است، ولی کفایت برای حضور سرمایه‌گذاران خصوصی و توسعه تولید اقتصادی با فراهم شدن ثبات و سیاست‌گذاری‌های مؤثر اقتصادی ممکن می‌شود. استفاده غلط و نامناسب از ابزار اقتصادی، عدم آگاهی مقامات اقتصادی از نبض بازار، دخالت‌های ناخواسته و دخالت در روند قیمت‌ها و دیگر اختلال‌های مقامات دولتی در اقتصاد می‌تواند مشابه عدم وجود قانون مانع رشد و توسعه باشد. بازار یا سرمایه‌گذار بخش خصوصی علاوه بر وجود قانون و قانون‌گرایی نیازمند امنیت اقتصادی نیز است. یک بنگاه اقتصادی برای محاسبه سودانتظاری خود نیازمند تشخیص متغیرهای اقتصادی براساس عملکرد اقتصاد می‌باشد نه دخالت‌ها و کنترل‌های غیرقابل پیشگویی.

1. Botswana

یکی از مهم ترین سیاست‌هایی که سرمایه‌گذاران و بنگاه‌ها را متأثر می‌کند سیستم و قوانین مالیاتی است. عدم شفافیت قوانین و نااطمینانی از تشخیص مقدار مالیات مشابه وجود پایه‌ها و نرخ‌های مالیاتی ناکارآمد در تولید و توسعه اقتصادی مؤثر است. کشورهای در حال توسعه، در سال‌های اخیر، تغییراتی مؤثر در نرخ‌ها و پایه‌های مالیاتی خود داده و بسیاری از آنها متوجه حساسیت و اهمیت این مهم در تصمیمات اقتصادی سگانه‌ها، جبهه‌جایی منابع و توزیع درآمد شده‌اند. از جمله تحولاتی که کشورهای مختلف جهان از جمله جوامع در حال توسعه در سیستم مالیاتی خود داده‌اند، پذیرش مالیات بر ارزش افزوده است.

در دهه ۶۰ میلادی فقط ۱۰ کشور که عمدتاً اروپایی بودند، مالیات بر ارزش افزوده را تجربه می‌کردند. در حالی که به ترتیب در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ میلادی حدود ۳۰، ۵۰ و ۹۰ کشور این سیستم مالیاتی را پذیرفتند که بخش قابل توجهی از این کشورها را جوامع در حال توسعه تشکیل می‌دهد. به هر حال نباید این دور را توسعه داده که مشکل مجموعه نظام اقتصادی یک کشور با اعمال مالیات بر ارزش افزوده حل می‌شود یا حتی برای همه نظام‌های مالیاتی این نوع مالیات مطلوب می‌باشد. بلکه نکته مهم اقدام کشورهای در حال توسعه در جهت بهتر کردن نظام مالیاتی خود است که بعضی‌ها از این مهم غافل هستند.

بدیهی است که مجموعه سازوکارهای اقتصاد کلان در سیستم مالیاتی خلاصه نمی‌شود و مسائل مثل تورم، نرخ ارز و اشتغال و غیره نیز موضوع سیاست‌های اقتصاد کلان می‌باشند. به خصوص در تنظیم روابط تجاری خارجی با دیدگاه اقتصاد بین‌الملل نظام ارزی کشور اهمیت بسیار پیدا می‌کند. سرمایه‌گذار خارجی، صادرکننده داخلی نسبت به نرخ ارز خارجی و سیاست‌های مربوط به آن بسیار حساس هستند و تصمیم‌گیری در این مورد نیز از نکات مؤثر در توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه است.

#### سرمایه‌گذاری روی تروت انسانی و زیرساخت‌های اقتصادی

هر چند که اتکا به مکانیسم و فعالیت بازار معمولاً بهترین و کارآمدترین روش تهیه کالاها و خدمات برای جامعه و تخصیص منابع است. ولی این نکته در همه بازارها و برای کلیه کالاها و خدمات صدق نمی‌کند. بازار گاه کمتر و گاه بیشتر از سطح بهینه کالاها و خدمات را ارائه می‌نماید. کالاها و خدماتی که قاعدتاً کمتر از مقدار کارآمد تولید می‌شوند شامل، کالاهای استفاده جمعی (باشگاهی)، کالاهای عمومی و کالاها و خدماتی هستند که مصرف و تولید آنها همراه با پی‌آمد مثبت اقتصادی است، در حالی که کالاها و خدماتی که پی‌آمد غیراقتصادی یا منفی دارند معمولاً بیشتر از سطح بهینه تولید می‌شوند.

جلوگیری از آلودگی هوا، فراهم نمودن آب سالم، ارائه انرژی مناسب، ارتباطات کافی و گسترده و برای همه افراد از مواردی است که فایده نسبی بیشتر آن متوجه گروه فقیر جامعه می‌باشد. سرمایه‌گذاری عمومی دولت در زمینه‌های آموزش و بهداشت و ایجاد امنیت غذایی از مسائل عمده و ضروری برای توسعه اقتصادی است که مجموعه جامعه و به خصوص اقشار آسیب‌پذیر را متفع می‌نماید. به هر حال این مهم که در بعضی از موارد و بازارها فعالیت بخش خصوصی در جهت حداکثر نمودن سود شخصی تخصیص بهینه را به همراه ندارد. این معنی را نمی‌دهد که هرگونه تخصیص منابعی که به وسیله دولت صورت بگیرد کارآمد بوده و بالاترین بازده را خواهد داشت. دولت نیز باید براساس مدل‌هایی که سود را حداکثر می‌کند عمل نماید. ولی در نوع هدف دولت سود مجموع سود داخلی و خارجی یا سود اجتماعی (فایده اجتماعی) است که باید حداکثر شود.

ارائه کالاها و خدمات و عرضه آن برای عموم به وسیله دولت تضمینی بر توزیع برابر یا مناسب آن بین افراد و خانوار هانیست. مثلاً افراد ثروتمند نسبت به گروه فقیر بیشتر از جاده‌ها و بزرگراه‌ها بهره می‌برند. در حالی که جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیر بیشتر به نفع خانوارهای فقیر است که خود امکان استفاده از درمانگاه‌های خصوصی و واکسینه شدن را کمتر دارند. از سوی دیگر گاه توزیع کالاها و خدمات بین گروه‌های مختلف از نظر جنسیت و سن نیز تفاوت دارد. منافع پارک‌ها بیشتر متوجه کودکان و افراد کهنسال جامعه است و در بسیاری از کشورها پسرها بیشتر از دخترها از خدمات آموزشی بهره می‌برند. در اواخر دهه ۹۰ میلادی حدود ۱۳۰ میلیون بچه واجد شرایط ورود به مدرسه در آفریقا از رفتن به دبستان محروم بودند<sup>۱</sup> که ۶۰ درصد آنها را دختران تشکیل می‌دادند. در کت - دی - آویور<sup>۲</sup> از بودجه آموزشی متوجه پسران است، وضع مشابهی در پاکستان و تعداد قابل توجه دیگری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نحوه تخصیص منابع بین انواع فعالیت‌ها و وظایف دولت غیر کارآمد و نامناسب است. مثلاً تخصیص بودجه بین بخش‌های دفاع، شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و خدمات عمومی می‌تواند نامناسب باشد. در این کشورها گاه سهم قابل توجهی از منابع متوجه بنگاه‌ها یا شرکت‌های دولتی می‌شود، در حالی که وظایف این بنگاه‌ها یا شرکت‌ها را بخش خصوصی به نحو مؤثرتری می‌تواند انجام دهد. مثلاً دولت ترکیه بابت مالکیت و اداره یک معدن زغال بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۶ حدود ۳/۵ میلیارد دلار زیان را تحمل نمود. یک مراجعه به تراز شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت در ایران تصویر بهتری را نخواهد داد.

اگر شرایط بازارها و چگونگی تولید و مصرف بعضی از کالاها و خدمات نیاز به دخالت دولت را در جهت ارتقای رفاه جامعه و تخصیص بهتر منابع می‌طلبد، ولی در مقابل حضور و فعالیت‌های اقتصادی دولت نیز می‌تواند کارایی را کاهش داده و حتی شرایط را نامناسب‌تر از گذشته نماید. برای حصول به یک نرخ رشد و توسعه مناسب بدون ایجاد کارایی در فعالیت‌های دولت زیاد به جلو نخواهیم رفت.

#### تأمین اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب پذیر

گفته می‌شود که رشد و توسعه سریع و سرمایه‌گذاری روی مردم در بلندمدت فقر را کاهش داده و منجر به افزایش رفاه جامعه به طور کلی می‌شود. به هر حال بدون عبور از دوره‌های کوتاه مدت، یک دوره بلندمدت را طی نمی‌کنیم. بدون توجه به منافع که نصیب کل کشور می‌شود، بعضی‌ها از قافله رشد به کلی عقب می‌مانند و گروهی نیز به علت بعضی از آسیب‌ها یا نارسایی‌های موقت توان همراهی و همگامی را نخواهند داشت. این وقایع خود می‌توانند نقش کند کننده و حتی ترمز کننده‌ای در فرایند رشد و توسعه داشته باشند. در نتیجه یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها و تلاش‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه این مهم می‌باشد. نکته قابل توجه در مقوله تأمین اجتماعی و حمایت از گروه‌های فقیر و آسیب پذیر این است که این مسئله فقط به کشورهای در حال توسعه مربوط نبوده بلکه کشورهای توسعه یافته نیز به آن سرگرم هستند. اگر برای کشورهای در حال توسعه پرداختن به تأمین اجتماعی و اقشار آسیب پذیر برای طی کردن مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی ضروری است، برای کشورهای توسعه یافته این تبدیل به خواسته اکثریت جامعه شده و برای حفظ دولت و حکومت ضرورت پیدا می‌کند.

طیف متنوعی از روش‌ها و اندازه‌های حمایتی مطرح است که می‌توان آنها را در جدول شماره ۱ خلاصه کرد.

1. World Development Report 1997 PP. 52-3.

2. Côte d'Ivoire.

جدول ۱- شکل های تأمین اجتماعی

| نوع برنامه       | توضیح  | گسترده‌گی استفاده  | نکات مهم آن   |
|------------------|--|--|---|
| بازنشستگی        | شکل کمی آن به صورت بیمه اجتماعی و صندوق های آتی است که متوجه شخص بازنشسته می شود.            | این شکل تأمین اجتماعی تقریباً در کشورهای بلوک شرق سابق و بعضی دیگر از کشورهای در حال توسعه سراسری است. در کشورهای صحرایی آفریقا بسیار کم و در امریکای جنوبی در حد متوسط تا بالا است. شکل غالب آن به صورت PAYG است. | بسیمه های بازنشستگی در کشورهای با جمعیت مسن که بار گروه فعال را زیاد می کند با اشکالاتی برخورد کرده است. در عمده کشورهای جهان در شکل آن تجدید نظر می شود. |
| کمک به خانواده   | در این مورد بعضی از کمک ها به خانواده یا بعضی از اعضای خانواده تعلق می گیرد.                 | سه عنوان بخشی از برنامه تأمین اجتماعی در کشورهای با درآمد متوسط تا درآمد بالا وجود دارد. در کشورهای در حال انتقال نیز وجود دارد.   | در بعضی از نقاط جهان مثل آسیای مرکزی بین بعد خانوار و فقر ارتباط دیده شده ولی در نقاط دیگر مثل اروپای شرقی این ارتباط وجود ندارد.                         |
| کمک نقدی اجتماعی | کمک ها و انتقال های نقدی اجتماعی است که متوجه گروه آسیب پذیر می شود.                         | این شکل تأمین اجتماعی در آفریقا و امریکای جنوبی وجود نداشته، در آسیا به ندرت دیده می شود و همچنین در کشورهای در حال انتقال نیز کم است.   | برای کشورهایی که در صد فقر آن کمک است قابلیت اجرا دارد.   |
| پارانه خوراکی    | جیره هایی از مواد غذایی و قیمت گذاری پایین مواد غذایی است که به صورت های مختلف توزیع می شود. | پارانه عمومی در قیمت ها شکل غالب در خاورمیانه و آفریقا است. جیره بندی مقداری در آسیای جنوبی و غذا در مقابل کار شکلی غالب در امریکای جنوبی است. اصولاً کشورها به سوی پذیرش سیستم کوپن غذایی حرکت می کنند.           | این نوع کمک های باز هزینه بسیار بالا بر دوش دولت می گذارد در حالی که بازده آن پایین است. روش های هدفمند برای این منظور می تواند مفید باشد.                |

ادامه جدول ۱- شکل های تأمین اجتماعی

| نکات مهم آن  | گسترده‌گی استفاده  | توضیح  | نوع برنامه           |
|--|--|--|----------------------|
| این نوع کمک بیشتر متوجه جامعه شهرنشینی شده و فقرای روستایی بهره چندانی از آن نمی‌توانند ببرند.   | این نوع از کمک اجتماعی عمدتاً در کشورهای در حال انتقال مشاهده می‌شود که به صورتی در حقوق افراد منظور می‌شود.   | در اختیار قرار دادن مسکن در مقابل کار، به صورت مجانی، یا در مقابل اجاره جزئی، کمک برای ساخت از شکل های کمک مسکن هستند.   | کمک مسکن             |
| این نوع یارانه که بر بنزین، نفت و گاز و تیل برقرار می‌شود عمدتاً متوجه گروه غیر فقیر شده و تخصیص مؤثر منابع را نیز به هم می‌زند.   | در کشورهای صادر کننده نفت و در حال انتقال وجود دارد.   | عمدتاً به صورت قیمت های کنترل شده و پایین می‌باشد.   | یارانه انرژی         |
| در جوامعی که پوشش بیمه‌ای و تأمین اجتماعی کم است می‌تواند مفید واقع شود. باید دستمزد پرداختی زیر دستمزد رسمی یا حداقل دستمزد باشد. دستمزد جنس نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که بیشتر مورد توجه زنان است. | مشکل استخدام تضمینی که تحت نام ماهاراشترا در هندوستان است و شکل های دیگری در افریقا، امریکای جنوبی وجود دارند که بیشتر با کمک و اهدای بین المللی تأمین مالی می‌شوند. | در این شکل از تأمین اجتماعی کسانی که نیاز به مایحتاج اولیه خود را دارند در یک فراخوان عمومی کار خود را در اختیار دولت قرار می‌دهند تا سبب ضروری کالاها را دریافت کنند. | کار در مقابل مایحتاج |
| در این برنامه یک مسئله مهم بازپرداخت وام است و تخمین برای دریافت وام، شکل بانک گرامین بعضی از مشکلات برنامه های اعتباری را حل نموده است.   | عمومیت دارد به خصوص در آفریقا، آسیای جنوبی و امریکای جنوبی شکل موفق آن در بنگلادش تحت نام گرامین بانک تجربه شده است.   | اعطای اعتبارات بدون بهره یا با بهره پایین تر از نرخ بازار برای فعالیت های تولیدی و به خصوص در بخش کشاورزی است.   | برنامه های اعتباری   |

به هر حال کلیه انواع برنامه‌های تأمین اجتماعی در دو طبقه‌بندی عمده خلاصه می‌شوند.

۱- بازنشستگی، حقوق بیکاری دیگر برنامه‌های بیمه‌های اجتماعی که متوجه کسانی است که به دلایل مختلف مثل سن، بحران اقتصادی ادواری، یا موارد دیگر برای دوره‌ای خارج سیستم تولید برای دریافت دستمزد قرار می‌گیرند.

۲- برنامه‌های کمک اجتماعی یا حمایتی که هدف آن کمک به فقیرترین اقشار جامعه است. کسانی که به زحمت توانایی تأمین مایحتاج خود را دارند.

کشورهای صنعتی که سیستم تأمین اجتماعی را به دنیا معرفی نمودند عمدتاً در دو دهه ۳۰ و ۴۰ میلادی یعنی به و سده بحران بزرگ و جنگ دوم جهانی به برنامه‌های پرداخت انتقالی مثل بازنشستگی، بیمه بیکاری و کمک‌دهی به خانواده روی آوردند. این برنامه‌ها به خصوص بازنشستگی، بخش قابل توجهی از منابع دولتی را به خود اختصاص می‌داد. به صورتی که در حال حاضر کشورهای ثروتمند و پیش قدم در امر تأمین اجتماعی مثل سوئد در حال تجدید نظر در برنامه‌های انتقالی خود هستند. مشروط به این که سطح حمایت کاهش نیابد.

صورت‌های موجود تأمین اجتماعی در اروپای مرکزی و شرقی و کشورهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی به علت انتقال از یک سیستم اقتصادی برنامه‌ریزی شده متمرکز به اقتصاد بازار تا حدودی متفاوت از دیگر کشورهای اروپایی است. چون این کشورها تحت نظام کمونیستی و سوسیالیستی طیف وسیعی از خدمات عمومی را برای کل جامعه ارائه می‌نمودند که از چهار جنبه متفاوت با آنچه که در کشورهای صنعتی اروپا وجود داشت بود. اولین تفاوت در عدم وجود بیمه‌بیکاری در این کشورها مشاهده می‌شود. این مسئله به علت این که در کشورهای بلوک شرق قرار بر اشتغال کامل بوده کاملاً قابل درک است. دومین نکته در توجه برنامه‌های تأمین اجتماعی به سوی افراد مسن و ناتوان از کار کردن قرار می‌گیرد، سومین تمایز سیستم تأمین اجتماعی کشورهای فوق نسبت به اروپای غیر کمونیستی در آن زمان در نزول برنامه‌های حمایتی در سطح بنگاه‌ها بوده و بالاخره پرداخت‌های جنسی بخش غالب کمک‌های سیستم کمونیستی و سوسیالیستی را تشکیل می‌داده‌اند.

پس از فروپاشی نظام کمونیستی کشورهای بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی سابق در یافتند که ادامه سیستم حمایتی گذشته برای آنها بسیار پرهزینه و شاید غیر قابل اجرا باشد. تلاش در تغییر و بازنگری سیستم گذشته در این جوامع آغاز شده و راه طولانی را تا تطبیق با وضعیت جدید باید طی نمایند. این کشورها دهه آخر قرن گذشته را در شرایط لرزانی طی نموده و بسیاری از آنها هنوز به یک تعادلی نسبی نرسیده‌اند.

برخلاف کشورهای اروپایی که یک سیستم تأمین اجتماعی گسترده و فراگیر دارند، اکثریت قریب به اتفاق کشورهای در حال توسعه به صورت غیر کافی و بخشی سیستم تأمین اجتماعی خود را اجرا می‌کنند. در عمده این کشورها بیمه‌های اجتماعی که عمدتاً به صورت بازنشستگی و حمایت خانواده است شامل کارکنان رسمی و دولتی می‌شود. اندازه این حمایت از نظر تعداد به سهم این کارکنان نسبت به کل جامعه بستگی دارد و از نظر مقدار با درآمد سرانه آن کشور نیز مربوط می‌شود. مثلاً در کشورهای افریقایی صحرانشین حدود ۶ درصد عامل کار زیر پوشش بیمه‌های اجتماعی هستند در حالی که در آسیا و امریکای جنوبی به ترتیب ۲۳ و ۳۸ درصد از نیروی کار تحت حمایت بیمه‌ای هستند. بیمه بیکاری در کشورهای در



حال توسعه بسیار کم بوده و در صورت وجود به طور ناقص عمل می‌کنند. در این کشورها بالاخره دولت پا به میان می‌گذارد و با استخدام عده‌ای از فشار بیکاری می‌کاهد، البته بدون آن‌که به نتایج آن فکر کرده باشد. به‌طور کلی گذشته کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که آنها در اجرای بیمه‌های اجتماعی و همچنین سیستم حمایتی موفقیت نداشته‌اند. بدیهی است که بخشی از این عدم موفقیت به کمبود منابع و نبود بیمه‌های خصوصی باز می‌گردد، ولی بدون شک ناکارآمد بودن مجموعه نظام تأمین اجتماعی در این کشورها از نظر ساختار و قوانین در کنار سیستم اجرائی سهم عمده‌ای در این عدم موفقیت داشته‌اند. در اینجا نیز مثل عمده موارد گذشته دیدگاه دولتمردان و مسئولینی که نزدیک بین و کوتاه‌نگر هستند نقش مهمی داشته است.

### حفاظت و حمایت از منابع طبیعی

مسئله حفظ محیط زیست و نگرش به توسعه پایدار به‌خصوص در دهه آخر قرن بیستم نمایشی از طرح یک مانع از سوی کشورهای توسعه یافته برای کشورهای در حال توسعه بوده، در حالی که اصولاً یک بحث مهم و پراهمیت در جهت حصول به یک توسعه پایدار و بین نسل‌ها است.

در اینجا این مهم که کشورهای توسعه یافته بدون محدودیت در زمینه محیط زیست و حفظ منابع برای نسل‌های آتی به اهداف خود رسیده و حال محدودیت‌هایی برای جوامع در حال توسعه ایجاد می‌کنند مطرح نیست. نکته اساسی این است که در حال حاضر زندگی طبیعی جهان در خطر است و در نظر گرفتن این سهم در برنامه توسعه اقتصادی یک ضرورت است.

### تأمین اجتماعی در ایران

مجموعه نظام تأمین اجتماعی در ایران چندان متفاوت از سیستم تأمین اجتماعی کشورهای در حال توسعه نیست. از مجموعه برنامه‌هایی که در جدول شماره ۱ ثبت شده است غیر از برنامه خوراک در مقابل کار تقریباً دیگر موارد کم و بیش در سیستم تأمین اجتماعی ما وجود دارد. به هر حال وجود این برنامه‌ها به معنی امنیت اقتصادی گسترده و بالا در این جامعه نیست. برعکس این مجموعه برنامه‌های متنوع مقدار اتلاف منابع را بیشتر نموده و امکان برقراری یک نظام مؤثر تأمین اجتماعی را مشکل‌تر کرده است.

در جامعه ایران نیز بیمه بازنشستگی، بیکاری و کمک‌های به خانوار بخشی بوده و عمدتاً متوجه کارکنان رسمی و دولتی می‌شود. بخش قابل توجهی از سیستم حمایتی در جمهوری اسلامی ایران پس از آغاز جنگ به اجرا درآمده‌اند که از جمله آنها برنامه یارانه کالاهای اساسی است. مشابه کشورهای دیگر جهان در حال توسعه در مقابل سیستم بیمه‌های اجتماعی که بخشی بوده و جامعیت ندارد. برنامه‌های حمایتی عمدتاً به صورت باز اجرا شده و غیر هدفمند عمل می‌کنند. بعضی از سازمان‌های حمایتی که به قصد حمایت هدفمند ایجاد شده‌اند به علت نبود اطلاعات و برنامه به صورت ناقص و اصولاً با روش خیریه‌ای برنامه‌های حمایتی خود را اصلاح ریزی می‌نمایند.

عده و حدود یک برنامه جامع تأمین اجتماعی مسئله اصلی نظام تأمین اجتماعی در کشورهای در حال توسعه منجمه در ایران است. طراحی یک سیستم جامع برای پوشش بیمه‌ای و حمایتی در یک جامعه بدون وجود اطلاعات و آمار و مطالعات و تحقیقات وسیع عملی نیست. چنانچه قبلاً اشاره شد اصولاً تحقیقات و مطالعات اقتصادی و اجتماعی در این کشورها کالای لوکس تلقی شده و علاوه بر آن به هر دلیل که هست

۱. اغلب برنامه‌ها برای توسعه شده‌اند و عمدتاً به اجرا درآمده است.

سیاست‌گذاران در کشورهای در حال توسعه چشم به کارشناسان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی برای انجام مضامین و طراحی سیستم‌های حمایتی خود دارند. این نکته که سازمان‌های مذکور بادر اختیار داشتن یک مجموعه کارشناسی و امکانات مختلف اطلاعاتی و تجربه گسترده می‌توانند کمک مؤثری در مشاوره برای انجام چنین مهمی باشند شکی نیست. ولی نباید ناگفته ماند که بالاخره انجام و اجرای این مهم به عهده خود کشورهای در حال توسعه است و چه بهتر که خود نیز اقدام مستقل در جمع‌آوری اطلاعات و آمار و اجرای تحقیقات لازم بنمایند.

برحسب سه هدفی که در تحقیق و مطالعه طراحی شده است. از آنجا که ادبیات مطالعات اقتصادی در زمینه یک سیستم تأمین اجتماعی جامع در ایران غنی نبوده و در واقع حداقل در آغاز طراحی و اجرای این مطالعه برکنده و غیرقابل توجه بوده مابین عمده این تحقیق را متوجه شناخت برنامه‌های موجود. شرایط اقتصادی و نحوه توزیع درآمد و فقر جامعه و زیرگروه‌های آن قرار داده و سپس به بررسی و تجزیه و تحلیل متغیرهای کلان و خرد در این زمینه پرداخته و بالاخره پیشنهادها و توصیه‌هایی که می‌تواند در انجام این مهم و تحقیقات بعدی مفید باشند را ارائه می‌کنیم.

نخست یک تصویر کلی از شاخص‌های جمعیتی را به همراه این مقدمه در کتاب اول مطرح می‌نماییم. در بحث جمعیت قصد این است که تصویری از وضعیت جمعیت، جمعیت فعال، جمعیت شاغل، شرایط بیکاری و سهم بخش‌های اقتصادی در اشتغال ارائه شود. در کنار مسائل جمعیتی در شهر و روستا نکته مهم جمعیت روستایی نیز وجود دارد. در کتاب اول به انعکاس اطلاعاتی در مورد عشایر و جمعیت عشایری نیز مبادرت می‌شود.

به هر حال در شرایط موجود یک مجموعه از برنامه‌های تأمین اجتماعی در جامعه اجرا می‌شود که آشنایی با آن و تعیین نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها بسیار مفید و راه‌گشا هستند. بررسی عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مسئول در تأمین اجتماعی و به خصوص ارزیابی وضع موجود برنامه‌های حمایتی می‌توانند اطلاعات مفیدی را فراهم نمایند. یک سؤال مهم این است که تا چه حد مجموعه سیستم بیمه‌ای، حمایتی و شرایط موجود بهداشت و درمان در حمایت اقتصادی خانوار مفید واقع شده است. کتاب دوم در این تحقیق سعی در پرداختن به این موضوع را دارد.

در مجموعه سوم مطالعه که کتاب سوم را تشکیل می‌دهد به بحث توزیع درآمد و فقر جامعه می‌پردازیم. شناخت از وضعیت موجود توزیع درآمد و فقر یک تصویر مهم از شرایط جامعه را منعکس می‌کند. در این فرایند بررسی در مورد عوامل مؤثر بر توزیع درآمد و همچنین فقر می‌تواند متغیرهای خرد و کلانی را مطرح کند که در سیاست‌گذاری‌های یک نظام تأمین اجتماعی بسیار مفید باشند. یک پیش‌گویی از آنچه باید در آینده، براساس شرایط موجود، در زمینه فقر و توزیع درآمد مورد انتظار باشد، تصویری مناسب برای سیاست‌گذاری برنامه‌های تأمین اجتماعی محسوب می‌شود.

در ادبیات اقتصادی مربوط به هزینه‌های تأمین اجتماعی، مسئله یا سؤال مهمی در زمینه آثار این هزینه‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی و نحوه توزیع درآمد در جامعه مورد نظر، مطرح است. تأمین اجتماعی چگونه پس‌انداز جامعه و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را متأثر می‌کند؟ چه آثاری بر توزیع درآمد دارد؟ اثر بودجه‌ای و بخشی هزینه‌های تأمین اجتماعی چگونه است؟ هر چند پاسخ به این سؤال‌ها یک مجموعه تحقیقات وسیعی را طلب می‌کند، ولی در مطالعه جامع یک نظام تأمین اجتماعی نیاز به پاسخ‌های مناسب در

بر زمینه‌ها احساس می‌شود. سند ضروری یا کالاهای اساسی در سهم هزینه‌ای خانوارهای فقیر نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. خانوارهای نیازمند بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف هزینه روی تعداد محدودی از کالاهای اساسی و ضروری می‌نمایند. در نتیجه تغییرات در قیمت این کالاها آثار بسیار مهمی در رفاه قشر آسیب‌پذیر دارد. بررسی این آثار فقط در یک مدل سیستمی از توابع تقاضا در چارچوب مطالعات اقتصاد خرد ممکن است. این مجموعه در کتاب چهارم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چه کسانی، کدام گروه‌ها یا اقشار جامعه بیشترین آسیب‌پذیری را تجربه می‌کنند؟ در عمده برنامه‌های حمایتی که بخش قابل توجهی از نظام جامع تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهند، سؤال اساسی تشخیص نیازمندان یا گروه فقیر است. دستیابی به اطلاعات قابل اثبات در مورد گروه فقیر مراحل اجرای برنامه حمایتی یک سیستم تأمین اجتماعی را تسهیل نموده و هزینه اجرا را به مقدار قابل توجهی کاهش می‌دهد. بعضی از گروه‌ها براساس تجربه جوامع مختلف آسیب‌پذیر به نظر می‌رسند. آیا این اقشار در همه جوامع نیازمند محسوب می‌شوند؟ یا به عبارت دیگر طبقه‌بندی گروه‌هایی که به طور غالب فقرا را در بر می‌گیرند در همه جا یکسان است. در کتاب پنجم سعی در بررسی شرایط اقتصادی و فقر عمده‌زیرگروه‌های جامعه شهری و روستایی شده است.

یک سیستم جامع تأمین اجتماعی دارای چه چارچوب و ساختاری است. هر یک از بخش‌های بیمه‌ای و حمایتی چگونه باید عمل کنند. آیا در طراحی سیستم‌های بیمه‌ای و حمایتی بین شهر و روستا تفاوت‌هایی وجود دارد؟ یک نکته مهم در سیستم تأمین اجتماعی بحث بیمه بیکاری است. در اینجا در کنار ضرورت پوشش چنین بیمه‌ای. مسئله اجتناب از کار نیز مطرح می‌شود. با توجه به این که هدف این طرح ارائه یک سیستم اجرایی تأمین اجتماعی نیست و در چارچوب مباحث نظری و ساختاری این نظام در کتاب ششم به بحث طراحی سیستم‌های بیمه‌ای و حمایتی برای شهر و روستا می‌پردازیم. در ادامه فصل‌های کتاب ششم به این نکته می‌پردازیم که، بالاخره بدون منابع مالی اجرای هیچ برنامه‌ای برای دولت ممکن نیست، به خصوص یک برنامه تأمین اجتماعی که نیازمند بودجه مناسب و اثبات می‌باشد. هر پیشنهادی که باعث افزایش درآمد از منابع درآمدی موجود برده یا محل درآمد جدیدی را معرفی کند. در این زمینه مفید خواهد بود. در هر جامعه‌ای مالیات‌ها به عنوان اولین، مهم‌ترین و مطمئن‌ترین محل درآمد برای دولت محسوب می‌شود. نظام مالیاتی ایران دارای مشخصه‌هایی برای خود است، که عمدتاً نشانه عدم کارایی ساختاری آن می‌باشد. در کتاب هفتم و آخرین بخش مطالعه به بهانه بررسی و پیشنهاد منابع لازم برای اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی، به یک بررسی اجمالی و طرح چند پیشنهاد برای نظام مالیاتی می‌پردازیم. مسئله مشارکت مردم، تشکیلات غیردولتی (NGO) نیز در این کتاب در مد نظر می‌باشد.

به هر حال و مضمناً این مجموعه به عنوان اولین مطالعه کلی در زمینه نظام تأمین اجتماعی دارای اشکال‌های زیادی است. امید است که بتواند هیچ طرح یا تحقیقی بدون اشکال و حتی اشتباه می‌باشد. مهم این است که تا چه حد توانسته در زمینه مورد مطالعه و تحقیق قدمی را به جلو برداشته باشد. ما امیدوار هستیم که با ارائه این مجموعه حداقل یک گام، مباحث نظام جامعه تأمین اجتماعی به جلو برده باشیم.

از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری شمسی جهت برآورد جمعیت ایران سرشماری‌های محدودی انجام شده است و نیمی نخستین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۳۵ صورت گرفته که براساس آن جمعیت ایران در حدود ۱۹ میلیون نفر برآورد گردیده است.

در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ به تدریج با تأمین آب آشامیدنی بهداشتی در بسیاری از مناطق شهری و کاهش مرگ و میر نوزادان، رشد جمعیت شتاب گرفت به نحوی که نرخ رشد جمعیت که در ابتدای قرن چهاردهم حدود ۱۴ درصد تخمین زده می‌شد، تا سال ۱۳۳۵ به ۲/۹ درصد افزایش یافت و با گسترش خدمات درمانی در بسیاری از نقاط روستایی، افزایش نرخ رشد تداوم یافت تا آن که در سال ۱۳۴۵ به ۳۱ درصد بالاترین میزان تا قبل از پیروزی انقلاب) بالغ گردید.

افزایش سریع جمعیت آثار گسترش امکانات زیربنایی را محدود می‌ساخت و چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای برای آینده کشور ترسیم می‌نمود. در سال ۱۳۵۲ نتیجه تحقیق گروهی از کارشناسان دفتر بین‌المللی کار که برای بررسی وضعیت اشتغال ایران در طول دهه‌های آینده مأموریت یافته بودند، انتشار یافت در این کتاب از جمله آمده است:

«پیش از پایان قرن بیستم و علی‌رغم هرگونه نتیجه‌ای که از برنامه‌های تنظیم خانواده حاصل شود، جمعیت ایران حداقل به ۶۰ میلیون نفر خواهد رسید... چنانچه برنامه‌های تنظیم خانواده در اولویت درجه اول قرار نگیرد و در چارچوب خدمات آموزشی در سطح ملی (از جمله در برنامه‌های سوادآموزی، بهداشت و خدمات رفاهی) انعکاس نیابند، کشور ایران در موقعیتی بحرانی قرار خواهد گرفت.»

برای پیشگیری از بروز شرایط دشوار ناشی از رشد سریع جمعیت، برنامه‌های کنترل جمعیت از اوایل سال‌های دهه ۱۳۵۰ با جدیت به مورد اجرا گذاشته شد. در نتیجه نرخ رشد جمعیت روندی نزولی به خود گرفت و به ۲/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ تنزل یافت.

در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، بنا به دلایلی توجه به سیاست‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده، تغییر در سن قانونی ازدواج و اجرای سیاست جیره‌بندی کالاهای مصرفی و اعمال سیاست‌های حمایت از اقشار کم‌درآمد، که تعداد افراد خانوار مبنای اصلی آن را تشکیل می‌داد، نرخ رشد جمعیت کشور به سرعت افزایش یافت. بر موارد فوق باید مهاجرت شمار کثیری از پناهندگان افغانی و عراقی را افزود. مجموعه این عوامل سبب گردید که میزان رشد جمعیت به نرخ بی‌سابقه ۳/۹ درصد بالغ گردد. (ذکر این نکته ضروری است که بسیاری از کارشناسان معتقدند که در سال ۱۳۶۵ به دلیل مشکلات ناشی از جنگ سرشماری جمعیت با زیاد شماری همراه بوده است. با این وجود رشد جمعیت کشور در طول سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب به نحو چشمگیری شتاب یافته بود.)

در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ جمعیت کشور، با افزایشی در حدود ۱۶ میلیون نفر، به بیش از ۴۹ میلیون نفر رسید. بسیاری از کارشناسان امور اقتصادی و جمعیت‌شناسان بر اثرات بحران برانگیز تداوم چنین نرخ رشدی تأکید نمودند. رشد جمعیت از رشد سرمایه‌گذاری در امکانات زیربنایی و رفاهی پیشی گرفته بود. تأمین امکانات آموزشی و بهداشتی، ایجاد شغل و مسکن مناسب برای شمار فزاینده جمعیت

حارج و نتوان اقتصادی کشور قرار داشت.

با آشکار شدن آثار منفی رشد سریع جمعیت، از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، سیاست‌های کنترل جمعیت به مورد اجرا گذاشته شد و نرخ رشد جمعیت مجدداً روندی نزولی یافته و در فاصله سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۰ به حدود ۲/۵ درصد رسید که علی‌رغم کاهش قابل توجه نسبت به نرخ رشد جمعیت طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵، در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان، نرخ رشد بالایی است. هنوز ایران یکی از بارآورترین کشورهای جهان است که روزانه حدود ۳۳۰۰ نفر به جمعیت آن افزوده می‌شود. در سال ۱۳۷۰ میانه سنی در کشور ما، کمتر از ۱۸ سال بوده است. (جداول شماره ۱-۱-۱ تا ۱-۱-۵)

در سال ۱۹۹۰، ایران با حدود ۵۵ میلیون نفر جمعیت یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان بوده است. شواهد موجود نشان می‌دهند که پیش‌بینی دفتر بین‌المللی کار در مورد بحران جمعیتی ایران در انتهای قرن بیستم، واقعیت یافته است. علی‌رغم کاهش شدید شمار موالید در سال‌های دهه ۱۳۷۰، تداوم تنزل نرخ رشد در اواخر این دهه و آغاز دهه ۱۳۸۰ غیرمحمتمل به نظر می‌رسد زیرا متولدین دوران رشد سریع جمعیت (سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۵) در این سال‌ها تشکیل خانواده می‌دهند. حتی با پذیرش فرض کاهش شمار فرزندان خانوارها، به دلیل رشد چشمگیر شمار خانوارها، تداوم مستمر کاهش نرخ رشد در سال‌های آینده محتمل به نظر نمی‌رسد. انتظار می‌رود از اواخر دهه ۱۳۸۰ نرخ رشد جمعیت کشور روند نزولی یکنواختی بیابد.<sup>۲</sup>

سازمان برنامه و بودجه، با تکیه بر فرض کاهش مداوم نرخ رشد جمعیت، برآورد نموده است که جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ به حدود ۹۲ میلیون نفر بالغ خواهد شد.<sup>۳</sup>

#### ۱-۱- ساختار سنی جمعیت ایران

جمعیت ایران، جمعیتی جوان است، زیرا نیمی از کل جمعیت در گروه‌های سنی کمتر از ۲۰ سال قرار دارند. در طول سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۰ جمعیت زیر ۱۵ سال کشور همواره بیش از ۴۲ درصد از کل جمعیت کشور را به خود اختصاص می‌داده است. در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵، عمدتاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی) با توجه به رشد سریع تعداد نوزادان، جمعیت کشور جوان‌تر شده و میانه سنی از ۱۷/۴ به ۱۷ سال تنزل یافته است. همان‌گونه که اشاره شد، با اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، رشد جمعیت روندی نزولی پیدا کرد و با کاهش شمار نوزادان، میانه جمعیت در سال ۱۳۷۰ به ۱۷/۶ افزایش یافت. با این وجود افراد کمتر از ۱۵ سال همچنان بیش از ۴۴ درصد کل جمعیت را به خود اختصاص می‌داده‌اند. که علت این نرخ بالا، رشد سریع جمعیت در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۵ بوده است. افرادی که در این دوره متولد شده‌اند، در سال ۱۳۷۰ کمتر از ۱۵ سال سن داشته‌اند.

سهیم جمعیت ۱۵-۶۴ ساله از کل جمعیت کشور، در طول دوره‌های سرشماری، هیچ‌گاه به ۵۴ درصد

<sup>۱</sup> در دائرةالمعارف بیه به نقل از American Geography آمده است که در سال ۱۹۹۰ ایران چهاردهمین کشور پرجمعیت جهان بوده است. ولی در منبع دیگر از ایران به عنوان بیست و یکمین کشور پرجمعیت جهان به برده شده است.

<sup>۲</sup> با توجه به این امر که متولدین سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۶۵ تا اواخر دهه ۱۳۶۰ به تدریج تشکیل خانواده خواهند داد، شمار خانوارها افزایش خواهد یافت و حتی اگر تعداد فرزندان خانوارها روندی کاهنده داشته باشد، به علت افزایش شمار خانوارها، رشد جمعیت نمی‌تواند روند نزولی خود را به طور یکساحت ادامه دهد. احتمالاً از اواخر دهه ۱۳۷۰ تا اواخر دهه ۱۳۸۰، نرخ رشد جمعیت -لاابز نرخ رشد کنونی (که کمتر از ۱/۵ درصد برآورد شده) خواهد بود و از اوایل سال‌های دهه ۱۳۹۰ مجدداً شروع به کاهش خواهد کرد.

<sup>۳</sup> نرخ رشد جمعیت دارای ممانت است که اصطلاحاً آن نیروی محرکه درونی جمعیت یا نیروی ماند جمعیت (population momentum) گفته می‌شود. اساس این ممانت، زمانی که خانوارها تقسیمه می‌گردند که شمار فرزندان خود را کاهش دهند، آثار نرخ بالای زاد و ولد در دوره‌های گذشته، بر معادله نرخ رشد جمعیت را بالا نگه خواهد داشت.

نرسیده است. جمعیت فعال کشور به طور عمده در این گروه سنی جای دارند. اگر در نظر داشته باشیم که بخش بزرگی از جمعیت واقع در این گروه سنی، خانه دار، محصل، بازنشسته و... می باشند، مشخص می گردد که بخش کوچکی از کل جمعیت فعال می باشند.

با توجه به بافت جوان جمعیت کشور، افراد ساخوردۀ بالای ۶۵ سال سهم بسیار ناچیزی در کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده اند. این نسبت با جوان تر شدن جمعیت کاهش یافته و از حدود ۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳-۴ درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته است. انتظار می رود که با کاهش نرخ زاد و ولد، در آینده سهم افراد ساخوردۀ از کل جمعیت کشور افزایش یابد.

مقایسه میان جمعیت مناطق شهری و روستایی کشور نشان می دهد که جمعیت روستایی همواره جوان تر از جمعیت شهری بوده است. با توجه به نرخ بالای زاد و ولد در روستاها و فرایند مهاجرت جمعیت فعال روستایی به شهرها، پایین بودن میانه جمعیت در این مناطق امری بدیهی است. در عین حال در طول سال های ۱۳۵۵-۱۳۶۵، نقش نرخ بالای رشد جمعیت در مناطق روستایی، در جوان تر شدن جمعیت کشور بسیار قابل توجه بوده است.

به طور طبیعی در مقابل هر ۱۰۰ نوزاد دختر، ۱۰۴ نوزاد پسر به دنیا می آید ولی این تفاوت به تدریج رو به کاهش می گذارد. به نحوی که انتظار می رود در میان بزرگسالان، جمعیت زنان و مردان متعادل گردد. آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران نشان می دهد که در گروه های سنی پایین تعداد مردان بیش از تعداد زنان می باشد. ولی در گروه های سنی بالا این شکاف کاهش می یابد.

## ۲-۱- ساختار جنسی جمعیت ایران

بررسی های به عمل آمده درباره ترکیب سنی جمعیت ایران طی سال های ۱۳۳۵-۱۳۷۰ نشان می دهد که جمعیت مردان به طور متوسط ۲۷ درصد بیش از جمعیت زنان بوده است. می توان بخشی از این تفاوت را ناشی از اختلاف طبیعی شمار نوزادان پسر و دختر دانست. ولی گاه نسبت جنسی جمعیت به بیش از ۱۰۷ (سال ۱۳۴۵) و در برخی از مقاطع سرشماری به بالاتر از ۱۰۶ (سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۰) رسیده است که از تفاوت طبیعی جمعیت زنان و مردان فراتر می رود و به همین دلیل احتمال توجه بیشتر به مردان در جامعه ایرانی را مطرح می سازد.

ترکیب سنی جمعیت در مناطق شهری نامتعادل تر از مناطق روستایی است. مهاجرت مردان از روستاها به شهرها، در پی یافتن کار و درآمد مناسب، سبب تفاوت بیشتر جمعیت مردان و زنان در شهرها گردیده است. پس از اجرای اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ و با شتاب رشد سرمایه گذاری های صنعتی در نیمه اول دهه ۱۳۵۰، بخش بزرگی از مردان روستایی به شهرها مهاجرت کردند و عدم تعادل شدیدی میان جمعیت مردان و زنان در مناطق شهری بروز نمود.

(ترکیب جنسی مناطق شهری در سال ۱۳۴۵ حدود ۱۰۸/۵ و در سال ۱۳۵۵، معادل ۱۰۹/۶ بوده است). این نسبت در سال ۱۳۶۵ تا حدی متعادل تر گردید. در سال ۱۳۷۰ ترکیب جنسی جمعیت در کل کشور ۱۰۶/۳، در مناطق شهری ۱۰۶/۷ و در روستاها ۱۰۵/۶ بوده است.<sup>۱</sup>

۱. ترکیب جنسی جمعیت در ایران به طور طبیعی ۱۰۴ پسر در مقابل ۱۰۰ دختر است. ترکیب جنسی بالا در شهرها نشان دهنده مهاجرت بخش بزرگی از مردان روستایی به مناطق شهری است.  
در مورد این که ترکیب جنسی کل جمعیت بالا است، احتمالات مختلفی مطرح می باشد. ←

### ۳-۱- ساختار آموزشی جمعیت ایران

وضعیت آموزشی جمعیت بالاتر از ۶ سال کشور در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۰ تحول چشمگیری داشته است. به نحوی که نسبت با سوادان در کل جمعیت بالای ۶ سال کشور از ۱۵/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۰ رسیده است. لازم به ذکر است که کل جمعیت بی‌سواد کشور در طول سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۶۵ به طور مطلق افزایش داشته و از حدود ۱۲/۲ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۱۴/۶ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است ولی این رقم در سال ۱۳۷۰ به حدود ۱۱/۹ میلیون نفر تنزل پیدا کرده است. نسبت افراد با سواد در میان مردان همواره بیش از زنان بوده است، این تفاوت در طول زمان تا حدی کاهش یافته است. در سال ۱۳۳۵ نرخ باسوادی در میان مردان بالای ۶ سال حدود ۲۲/۴ درصد بوده، در حالی که این نسبت برای زنان تنها ۸ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۰ این نرخ برای مردان به ۸۰/۶ درصد و در میان زنان به ۶۷/۱ درصد رسیده است که همچنان بیانگر تفاوت چشمگیر با سوادی میان مردان و زنان است. هر چند رشد باسوادی در میان زنان سریع‌تر از مردان بوده است، ولی این شتاب به نحوی نبوده است که بتواند شکاف اولیه را پر کند. شمار مطلق مردان بی‌سواد از سال ۱۳۴۵ روند نزولی به خود گرفته است. در حالی که شمار مطلق زنان بی‌سواد تا سال ۱۳۶۵ همچنان افزایش نشان می‌دهد و تنها در دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۰ تغییر روند یافته و حرکت نزولی خود را آغاز نموده است.<sup>۱</sup>

### ۴-۱- توزیع منطقه‌ای جمعیت ایران

روند رشد شهرنشینی در ایران، روندی صعودی و شتابنده بوده است. به نحوی که نسبت جمعیت مناطق شهری از حدود ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۵۷ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است. در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۰ در حدود ۱۰/۶ میلیون نفر به جمعیت روستاهای کشور اضافه شده، در حالی که در همین مدت جمعیت شهرها بیش از ۲۸/۸ میلیون نفر افزایش یافته است. به عبارت دیگر رشد جمعیت شهرها در این دوره ۲۷ برابر رشد جمعیت روستاها بوده است. در نتیجه جمعیت شهری کشور در این دوره به طور متوسط سالانه ۴/۹ درصد رشد کرده است که از رشد جمعیت کشور سالانه ۱۳/۳ درصد به مراتب بیشتر بوده است. در همین فاصله جمعیت روستاها سالانه حدود ۱/۷ درصد رشد کرده است که بسیار پایین‌تر از نرخ رشد طبیعی جمعیت مناطق روستایی است. این ارقام به وضوح نقش مهاجرت، در رشد سریع مناطق شهری و افزایش بطنی شمار جمعی روستاها، را نشان می‌دهد.

مهاجرت به مناطق شهری سبب گردیده که بیش از ۲۵ درصد از روستاهای کشور به کلی خالی از سکنه گردد. به علاوه حدود ۶۰ درصد از مناطق روستایی دارای جمعیتی کمتر از ۲۵ خانوار می‌باشد. براساس نتایج به دست آمده از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ به طور متوسط سالانه ۱۰۳۷۰۰ نفر از روستاها به مناطق شهری مهاجرت کرده‌اند. این رقم برای سال‌های

۱- بخش بزرگی از مهاجرین افغانی و عراقی را مردان تشکیل می‌دهد

۲- در کل مناطق کشور، به ویژه در روستاها، نسبت به سلامت مردان و پدران بیش از دختران و زنان توجه می‌شود.

۳- مهاجرت‌های آماری مست‌بالا رفتن ترکیب سنی جمعیت شده است

۱ وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش جهت تأمین نیروهای نیمه ماهر و ماهر مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی، دوره‌های مختلفی را برگزار می‌نمایند. درباره نتایج حاصل از برگزاری این دوره‌ها، تحقیقاتی به عمل آمده است براساس نتایج حاصل از این تحقیقات روشن گردیده که بخش بزرگی از فراغ‌التحصیلان دوره‌های فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش، پس از ورود به بازار کار، از رشته تحصیلی خود استفاده نمی‌کنند. گروهی از کارشناسان بحث را در کیفیت پایین این دوره‌ها و گروهی در درآمد بالای مشاغل متفرقه می‌دانند به نظر می‌رسد که دوره‌های کوتاه مدت آموزش فنی - حرفه‌ای وابسته به وزارت کار، در برآورده ساختن نیازهای بازار کار موفقیت بیشتری داشته است

۱۳۴۵-۱۳۵۵ به ۲۳۵۰۰۰ نفر - افزایش یافته است. پس از پیروزی انقلاب، به دلیل کاهش جاذبه‌های زندگی شهری در دوران جنگ تحمیلی، میزان مهاجرت سالانه به حدود ۱۰۳۸۰۰ نفر محدود گردید ولی پس از پایان جنگ محدوداً شتاب یافت و به سالانه ۱۸۰۰۰۰ نفر بالغ گردید.

هر چند در طول سال‌های دهه ۱۳۴۰ و نیمه اول دهه ۱۳۵۰ به دنبال اصلاحات ارضی و رشد سرمایه‌گذاری صنعتی در مناطق شهری کشور، فرایند مهاجرت، نیروی کار ساده و ارزان مورد نیاز بخش صنعت را تأمین می‌نمود ولی شکاف روز افزون میان سطح رفاه در مناطق شهری و روستایی، به جریان مهاجرت شتاب بیشتری بخشید و شرایط دشوار زندگی در روستاها به عوامل دافعه جدی، سبب تداوم مهاجرت به شهرها گردید. به نحوی که در دوران رکود فعالیت‌های صنعتی و بروز مشکل بیکاری در شهرهای بزرگ، جریان مهاجرت متوقف نگردید. توان محدود بخش کشاورزی برای تأمین زندگی جمعیت فزاینده روستاها، عامل مهمی در مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها بوده است. به همین جهت رشد شهرنشینی در ایران، نمی‌تواند ملاک مناسبی برای توسعه اقتصادی محسوب نمود.

پایین‌ترین نرخ رشد جمعیت روستایی (۱۵۷ درصد) به سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ مربوط می‌شود. در این دوره، از یک طرف روستاییان بی‌زمین و کم‌زمین پس از اصلاحات ارضی، به شهرها روی آوردند و از سوی دیگر با تأسیس صنایع و ایجاد فرصت‌های شغلی فزاینده در مناطق شهری، نیروی کار ساده مهاجر در صنایع و خدمات شهری جذب گردیدند. باید توجه داشت که در همین دوره سیاست‌های کنترل جمعیت به نحو گسترده‌ای در مناطق روستایی به مرحله اجرا گذاشته شد. به همین علت در این دوره نرخ رشد جمعیت شهری نیز کاهش داشته است.

در طول سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ نرخ رشد جمعیت روستایی و شهرنشینی، در مقایسه با سایر مقاطع سرشماری، در حداکثر خود بوده است. در این دوره جمعیت شهری به طور متوسط سالانه با نرخ ۵/۴۱ درصد و جمعیت روستایی با نرخ ۲/۲۷ درصد افزایش یافته است. همان‌گونه که اشاره شد، در این دوره (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) برای مدتی سیاست‌های کنترل جمعیت کنار گذاشته شد و جمعیت کشور با شتاب بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. با اعمال سیاست‌های تنظیم خانواده از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، نرخ رشد جمعیت در مناطق شهری و روستایی کاهش یافت. کاهش نرخ رشد جمعیت شهرنشینی سریع‌تر از جمعیت روستایی بوده است. به نحوی که نرخ رشد جمعیت مناطق شهری در فاصله سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۰ از ۵/۴۱ به ۴/۳ درصد کاهش یافت. در مناطق روستایی نیز این نرخ از ۲/۲۷ به ۲/۰۲ درصد رسید.

#### ۵-۱- توزیع استانی جمعیت کشور

در طول سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۰ همواره استان‌های تهران، خراسان، آذربایجان شرقی، مازندران، اصفهان، فارس و خوزستان از پرجمعیت‌ترین استان‌های کشور بوده‌اند. اطلاعات مربوط به سرشماری‌های سه دهه اخیر نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور در این استان‌ها ساکن بوده‌اند. سهم ۱۷ استان باقی مانده حدود ۴۰ درصد جمعیت بوده است. در سال ۱۳۷۰ حدود ۱۷/۸ درصد کل جمعیت کشور در استان تهران زندگی می‌کرده‌اند. طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۰ استان تهران با رشد متوسط سالانه ۲/۲ درصد، سریع‌ترین آهنگ رشد را در میان استان‌های کشور دارا بوده است. رشد سریع جمعیت شهر تهران و شهرک‌های اقماری آن نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد جمعیت استان تهران داشته است. به نحوی که جمعیت



شهر تهران از حدود ۱.۵ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵، به حدود ۵.۶ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است. به عبارت دیگر جمعیت شهر تهران در طول ۳۵ سال بیش از ۴ برابر شده است.<sup>۱</sup> پس از استان تهران، خراسان قرار دارد که جمعیت آن طی این دوره سالانه ۱.۳ درصد رشد کرده است. استان‌های ایلام، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد، یزد، بوشهر و چهارمحال و بختیاری طی این دوره از کم جمعیت‌ترین استان‌های کشور بوده‌اند. رشد جمعیت در استان ایلام نیز در اثر جنگ تحمیلی بسیار بطنی گردیده است.

استان‌های آذربایجان شرقی نیز از استان‌های مهاجر فرست کشور بوده است. به نحوی که طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۰، با کاهش سالانه‌ای در حدود ۱/۴ درصد مواجه بوده است. در سال ۱۳۷۰ سهم جمعیت ۴ استان پرجمعیت کشور (تهران، خراسان، آذربایجان شرقی و مازندران) حدود ۱۱/۵ برابر ۴ استان کم جمعیت کشور (ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، سمنان و یزد) بوده است. این آمار شدت نابرابری توزیع جمعیت کشور را به خوبی نشان می‌دهند.

#### ۱-۶- جمعیت فعال

در ایران جمعیت فعال درصد پایینی از کل جمعیت را تشکیل می‌دهد. در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۰ نرخ فعالیت روندی نزولی داشته و از ۳۲/۰۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به حدود ۲۶/۳۹ درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته است. (جدول شماره ۱-۶-۱)

با افزایش چشمگیر شمار دانش‌آموزان و دانشجویان در طول دهه‌های اخیر، بخش بزرگی از جمعیت بالاتر از ده سال خارج از بازار کار قرار گرفته‌اند.

همان‌گونه که در جدول شماره ۱-۷-۱ ملاحظه می‌شود، در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۶۵ نرخ رشد جمعیت فعال از نرخ رشد کل جمعیت کشور کمتر بوده است. زیرا از یک سو با افزایش چشمگیر شمار دانش‌آموزان و دانشجویان در طول دهه‌های اخیر، بخش بزرگی از جمعیت - کمتر از ده سال غیرفعال محسوب شده‌اند و از سوی دیگر به سبب افزایش چشمگیر مولید، سهم جمعیت زیر ده سال در کل جمعیت کشور فزونی یافته است. در عین حال شمار زنان شاغل در بخش صنایع روستایی بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵، کاهش شدیدی نشان می‌دهد که در تنزل نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت کشور و پایین آمدن نرخ رشد آن موثر بوده است. (کل جمعیت کشور در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۶۵ به طور متوسط سالانه ۳/۱۳ درصد رشد یافته در حالی که رشد سالانه جمعیت فعال ۲/۵۷ درصد بوده است.)

جدول شماره ۱-۸-۱ روند تغییرات بار تکفل را در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. ارقام جدول فوق‌الذکر نشان می‌دهند که از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۰ بار تکفل عمومی از ۲.۱ نفر به حدود ۲/۸ نفر افزایش یافته است. به عبارت دیگر در سال ۱۳۷۰ هر فرد فعال علاوه بر خود، تأمین زندگی ۲.۸ نفر دیگر را بر عهده دارد.

بدیهی است که روند نزولی نرخ فعالیت قابل دوام نخواهد بود. اولاً در اثر کاهش شمار مولید سهم

۱ آمار مربوط به رشد جمعیت استان و شهر تهران، براساس اطلاعات منتشره از سوی مرکز آمار ایران در منابع استحصاری‌های عمومی نفوس و مسکن و آمارگیری جاری جمعیت محاسبه شده است. در هر مقطع جمعیت استان تهران، براساس تعریف استاندارد ملی مربوطه از حدود استان و جمعیت شهر تهران، براساس تعریف شهرداری مربوطه از حدود شهر، برآورده گردیده است.  
۲ برای محاسبه بار تکفل، کل جمعیت غیرفعال بر کل جمعیت فعال تقسیم می‌شود.

جمعیت زیر ده سال از کل جمعیت کشور کنترل خواهد یافت. ثانیاً زنان تحصینکرده به نحو فرایندهای وارد بازار کار خواهند شد. ثالثاً، متولدین دوران رشد سریع جمعیت (سالهای ۱۳۵۸-۱۳۶۵) با وقفه‌ای ۱۵ تا ۲۰ ساله وارد بازار کار خواهند شد. بنابراین انتظار می‌رود که از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ رشد جمعیت فعال شتاب گیرد بر این اساس کشور تا اواخر دهه ۱۳۸۰ بارشد سریع عرضه نیروی کار مواجه خواهد بود.

جدول ۱-۱-۱- کل جمعیت ایران ۱۳۳۵-۱۳۷۵ (هزار نفر)

| گروه سنی     | ۱۳۳۵  | ۱۳۴۵  | ۱۳۵۵  | ۱۳۶۵  | ۱۳۷۰  | ۱۳۷۵  |
|--------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| ۰-۴          | ۳۳۴۸  | ۴۵۵۶  | ۵۴۳۰  | ۹۰۴۵  | ۸۱۴۱  | ۶۱۷۷  |
| ۵-۹          | ۶۱۳۳  | ۴۲۳۳  | ۵۲۷۷  | ۷۵۲۶  | ۹۰۳۶  | ۸۴۹۵  |
| ۱۰-۱۴        | ۱۱۳۲  | ۳۰۹۸  | ۴۳۰۳  | ۵۹۰۳  | ۷۵۴۷  | ۹۰۹۵  |
| ۱۵-۱۹        | ۱۴۲۱  | ۲۱۸۱  | ۳۶۰۰  | ۵۱۹۲  | ۵۹۰۹  | ۷۱۳۰  |
| ۲۰-۲۴        | ۱۴۹۷  | ۱۷۲۳  | ۲۷۹۲  | ۴۱۹۴  | ۴۹۴۷  | ۵۲۳۵  |
| ۲۵-۲۹        | ۱۵۱۸  | ۱۶۹۹  | ۲۱۱۲  | ۳۶۵۲  | ۴۰۰۵  | ۴۷۲۲  |
| ۳۰-۳۴        | ۱۳۸۶  | ۱۷۲۳  | ۱۷۰۷  | ۲۹۲۸  | ۳۵۰۴  | ۳۹۹۴  |
| ۳۵-۳۹        | ۱۰۸۵  | ۱۴۶۱  | ۱۶۲۱  | ۲۱۱۷  | ۲۸۶۷  | ۳۵۸۶  |
| ۴۰-۴۴        | ۱۶۳   | ۱۳۶۰  | ۱۶۶۰  | ۱۶۵۵  | ۲۰۳۸  | ۲۸۲۷  |
| ۴۵-۴۹        | ۱۶۱۱  | ۱۶۱۰  | ۱۳۸۹  | ۱۵۸۶  | ۱۵۷۸  | ۲۰۲۷  |
| ۵۰-۵۴        | ۶۶۹   | ۷۶۷   | ۱۳۲۹  | ۱۵۹۹  | ۱۵۷۱  | ۱۵۴۲  |
| ۵۵-۵۹        | ۵۵۵   | ۴۳۷   | ۷۰۴   | ۱۳۳۸  | ۱۴۴۳  | ۱۳۸۰  |
| ۶۰-۶۴        | ۴۳۲   | ۶۹۱   | ۵۸۴   | ۱۱۸۵  | ۱۳۰۲  | ۱۳۹۷  |
| ۶۵ به بالا   | ۷۵۸   | ۹۳۳   | ۱۱۸۶  | ۱۵۲۵  | ۱۹۴۹  | ۲۴۴۸  |
| جمع          | ۱۸۹۵۵ | ۲۵۷۸۹ | ۳۳۷۰۹ | ۴۹۴۴۵ | ۵۵۸۳۷ | ۶۰۰۵۵ |
| جمع ۱۵-۲۴    | ۲۹۱۸  | ۳۹۰۴  | ۶۳۹۲  | ۹۳۸۶  | ۱۰۸۵۶ | ۱۲۳۶۵ |
| نسبت ۱۵-۲۴   |       |       |       |       |       |       |
| به کل (درصد) | ۱۵/۳۸ | ۱۵/۱۳ | ۱۸/۹۵ | ۱۸/۹۷ | ۱۹/۴۴ | ۲۰/۵۸ |

ماخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰.

جدول ۱-۱-۲- جمعیت ایران بر حسب گروه‌های سنی و جنس ۱۳۵۵-۱۳۷۰ (هزار نفر)

| گروه سنی                | سال ۱۳۵۵ |       |       | سال ۱۳۶۵ |       |       | سال ۱۳۷۰ |       |       |
|-------------------------|----------|-------|-------|----------|-------|-------|----------|-------|-------|
|                         | کل       | مرد   | زن    | کل       | مرد   | زن    | کل       | مرد   | زن    |
| ۰-۴                     | ۵۴۳۰     | ۲۸۲۵  | ۲۶۰۵  | ۴۸۸۱     | ۲۴۶۴  | ۲۴۱۷  | ۴۱۵۶     | ۲۱۵۶  | ۲۹۸۵  |
| ۵-۹                     | ۵۲۷۷     | ۲۷۳۵  | ۲۷۴۲  | ۳۸۴۴     | ۲۰۳۰  | ۲۸۱۴  | ۴۶۱۲     | ۲۴۲۳  | ۴۴۲۳  |
| ۱۰-۱۴                   | ۴۳۰۳     | ۲۲۵۹  | ۲۰۴۴  | ۳۰۵۴     | ۱۶۰۰  | ۱۴۵۴  | ۳۹۰۱     | ۲۶۴۶  | ۳۶۴۶  |
| ۱۵-۱۹                   | ۳۶۰۰     | ۱۸۱۹  | ۱۷۸۲  | ۲۶۶۰     | ۱۳۰۰  | ۱۳۶۰  | ۳۰۵۸     | ۲۸۵۱  | ۳۸۵۱  |
| ۲۰-۲۴                   | ۲۷۹۲     | ۱۳۴۱  | ۱۴۵۱  | ۲۱۰۴     | ۱۰۰۰  | ۱۱۰۴  | ۲۵۲۰     | ۲۴۲۷  | ۳۴۲۷  |
| ۲۵-۲۹                   | ۲۱۱۲     | ۱۰۱۰  | ۱۱۰۱  | ۱۸۴۰     | ۸۰۰   | ۱۰۴۰  | ۲۰۱۲     | ۱۹۹۳  | ۲۹۹۳  |
| ۳۰-۳۴                   | ۱۷۰۷     | ۸۴۲   | ۸۶۵   | ۱۴۸۱     | ۷۰۰   | ۷۸۱   | ۱۷۸۰     | ۱۷۲۴  | ۲۷۲۴  |
| ۳۵-۳۹                   | ۱۶۲۷     | ۸۲۵   | ۸۰۱   | ۱۰۴۴     | ۵۰۰   | ۵۴۴   | ۱۴۶۲     | ۱۴۰۴  | ۲۴۰۴  |
| ۴۰-۴۴                   | ۱۶۶۸     | ۸۹۵   | ۷۷۳   | ۸۳۴      | ۴۰۰   | ۴۳۴   | ۱۰۲۷     | ۱۰۱۰  | ۱۰۱۰  |
| ۴۵-۴۹                   | ۱۳۸۹     | ۷۵۱   | ۶۳۸   | ۸۱۹      | ۳۰۰   | ۵۱۹   | ۷۹۸      | ۷۸۰   | ۷۸۰   |
| ۵۰-۵۴                   | ۱۳۲۹     | ۷۳۲   | ۵۹۷   | ۸۵۷      | ۳۰۰   | ۵۵۷   | ۸۲۲      | ۷۴۹   | ۷۴۹   |
| ۵۵-۵۹                   | ۷۰۴      | ۳۹۷   | ۳۰۷   | ۷۱۵      | ۳۰۰   | ۴۱۵   | ۷۹۳      | ۶۵۰   | ۶۵۰   |
| ۶۰-۶۴                   | ۵۸۴      | ۳۰۱   | ۲۸۳   | ۶۵۲      | ۲۰۰   | ۴۵۲   | ۷۲۳      | ۵۸۰   | ۵۸۰   |
| ۶۵ و بیشتر              | ۱۱۸۶     | ۶۲۵   | ۵۶۳   | ۷۶۷      | ۳۰۰   | ۴۶۷   | ۱۰۹۸     | ۸۵۰   | ۸۵۰   |
| کل                      | ۳۳۷۰۸    | ۱۷۳۵۶ | ۱۶۳۵۲ | ۲۵۲۸۱    | ۱۲۶۶۴ | ۱۲۶۱۷ | ۲۸۷۶۸    | ۲۷۰۶۹ | ۲۷۰۶۹ |
| جمع ۱۵-۲۴               | ۶۳۹۲     | ۳۱۶۰  | ۳۲۳۳  | ۴۷۶۴     | ۲۴۲۲  | ۲۳۴۲  | ۵۵۷۸     | ۵۲۷۸  | ۵۲۷۸  |
| نسبت ۱۵-۲۴ به کل (درصد) | ۱۸/۹۵    | ۱۸/۱۹ | ۱۹/۷۵ | ۱۸/۸۵    | ۱۸/۹۷ | ۱۹/۷۵ | ۱۹/۳۸    | ۱۹/۴۹ | ۱۹/۴۹ |

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

جدول ۱-۱-۳- جمعیت مناطق شهری ایران بر حسب گروه‌های سنی ۱۳۵۵-۱۳۷۰ (هزار نفر)

| گروه سنی                | سال ۱۳۵۵ |       |       | سال ۱۳۶۵ |       |       | سال ۱۳۷۰ |       |       |
|-------------------------|----------|-------|-------|----------|-------|-------|----------|-------|-------|
|                         | کل       | مرد   | زن    | کل       | مرد   | زن    | کل       | مرد   | زن    |
| ۰-۴                     | ۲۱۹۱     | ۱۱۲۴  | ۱۰۶۷  | ۲۴۱۰     | ۱۲۳۵  | ۱۱۷۵  | ۴۳۱۲     | ۲۱۹۸  | ۲۱۱۴  |
| ۵-۹                     | ۲۲۳۶     | ۱۱۵۰  | ۱۰۸۶  | ۱۹۴۸     | ۱۰۰۰  | ۹۴۸   | ۵۰۳۸     | ۲۵۷۱  | ۲۴۶۱  |
| ۱۰-۱۴                   | ۲۰۷۱     | ۱۰۹۸  | ۹۷۳   | ۱۵۱۹     | ۷۰۰   | ۸۱۹   | ۴۱۱۳     | ۲۱۲۳  | ۱۹۹۰  |
| ۱۵-۱۹                   | ۱۹۱۶     | ۱۰۲۶  | ۸۹۰   | ۱۴۳۸     | ۷۰۰   | ۷۳۸   | ۳۱۵۶     | ۱۶۲۵  | ۱۵۳۱  |
| ۲۰-۲۴                   | ۱۵۳۰     | ۷۸۹   | ۷۴۱   | ۱۲۳۱     | ۶۰۰   | ۶۳۱   | ۲۹۲۲     | ۱۴۵۱  | ۱۴۴۱  |
| ۲۵-۲۹                   | ۱۱۲۱     | ۵۷۰   | ۵۵۱   | ۱۱۴۲     | ۵۰۰   | ۶۴۲   | ۲۵۶۲     | ۱۲۹۰  | ۱۲۷۲  |
| ۳۰-۳۴                   | ۸۷۷      | ۴۵۷   | ۴۲۰   | ۹۳۸      | ۴۰۰   | ۵۳۸   | ۲۲۶۲     | ۱۱۶۳  | ۱۰۹۹  |
| ۳۵-۳۹                   | ۷۹۴      | ۴۱۷   | ۳۷۷   | ۶۵۳      | ۳۰۰   | ۳۵۳   | ۱۸۴۶     | ۹۶۹   | ۸۷۷   |
| ۴۰-۴۴                   | ۱۰۶۹     | ۴۱۹   | ۳۵۰   | ۵۰۳      | ۲۰۰   | ۳۰۳   | ۱۲۶۹     | ۶۶۸   | ۶۰۱   |
| ۴۵-۴۹                   | ۶۳۲      | ۳۳۸   | ۲۹۴   | ۴۶۳      | ۲۰۰   | ۲۶۳   | ۹۵۸      | ۵۰۳   | ۴۵۵   |
| ۵۰-۵۴                   | ۵۹۴      | ۳۲۳   | ۲۷۱   | ۴۵۰      | ۲۰۰   | ۲۵۰   | ۸۹۴      | ۴۷۹   | ۴۱۵   |
| ۵۵-۵۹                   | ۳۳۴      | ۱۸۴   | ۱۵۰   | ۳۶۴      | ۱۰۰   | ۲۶۴   | ۱۹۰      | ۴۳۶   | ۳۲۴   |
| ۶۰-۶۴                   | ۲۶۲      | ۱۳۳   | ۱۲۹   | ۳۲۱      | ۱۰۰   | ۲۲۱   | ۳۱۹      | ۲۷۰   | ۲۶۶   |
| ۶۵ و بیشتر              | ۵۲۹      | ۲۶۴   | ۲۶۵   | ۳۸۲      | ۱۰۰   | ۲۸۲   | ۵۸۶      | ۳۱۶   | ۲۷۰   |
| کل                      | ۱۵۸۷۰    | ۸۲۹۹  | ۷۵۷۱  | ۱۳۷۶۳    | ۶۸۳۳  | ۶۹۳۰  | ۳۱۸۵۶    | ۱۶۴۴۴ | ۱۵۴۱۲ |
| جمع ۱۵-۲۴               | ۳۴۴۶     | ۱۸۱۵  | ۱۶۳۱  | ۲۶۶۹     | ۱۲۶۵  | ۱۴۰۴  | ۶۰۵۸     | ۳۰۷۶  | ۲۹۸۲  |
| نسبت ۱۵-۲۴ به کل (درصد) | ۲۱/۷۲    | ۲۱/۸۷ | ۲۱/۵۴ | ۱۹/۳۹    | ۱۹/۶۲ | ۱۹/۵۴ | ۱۹/۰۷    | ۱۸/۷۰ | ۱۹/۳۴ |

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

جدول ۱-۱-۴ جمعیت مناطق روستایی ایران بر حسب گروه‌های سنی ۱۳۵۵-۱۳۷۰ (هزار نفر)

| گروه سنی     | سال ۱۳۵۵ |       |       | سال ۱۳۶۵ |       |       | سال ۱۳۷۰ |       |       |
|--------------|----------|-------|-------|----------|-------|-------|----------|-------|-------|
|              | کل       | مرد   | زن    | کل       | مرد   | زن    | کل       | مرد   | زن    |
| ۰-۴          | ۳۳۳۹     | ۱۷۰۱  | ۱۵۳۸  | ۴۲۵۰     | ۲۱۶۱  | ۲۰۸۹  | ۳۷۶۶     | ۱۹۲۶  | ۱۸۴۰  |
| ۵-۹          | ۳۰۴۰     | ۱۵۱۵  | ۱۴۵۵  | ۳۶۲۶     | ۱۸۷۳  | ۱۷۵۳  | ۳۹۳۵     | ۲۰۰۹  | ۱۹۲۶  |
| ۱۰-۱۴        | ۲۲۳۳     | ۱۱۶۱  | ۱۰۷۲  | ۲۹۳۸     | ۱۵۱۹  | ۱۴۱۹  | ۳۳۷۹     | ۱۷۵۰  | ۱۶۲۹  |
| ۱۵-۱۹        | ۱۶۱۵     | ۸۵۳   | ۷۶۲   | ۲۳۷۶     | ۱۲۱۰  | ۱۱۶۶  | ۲۷۱۱     | ۱۴۱۰  | ۱۳۰۱  |
| ۲۰-۲۴        | ۱۴۵۲     | ۷۲۲   | ۶۳۰   | ۱۷۰۶     | ۸۶۶   | ۸۴۰   | ۲۰۱۶     | ۱۰۵۴  | ۹۶۲   |
| ۲۵-۲۹        | ۹۵۱      | ۴۶۲   | ۴۸۹   | ۱۳۹۷     | ۶۹۱   | ۷۰۶   | ۱۴۲۵     | ۷۱۴   | ۷۱۱   |
| ۳۰-۳۴        | ۱۳۰      | ۶۲    | ۶۸    | ۱۱۱۷     | ۵۳۷   | ۵۸۰   | ۱۲۲۵     | ۶۰۹   | ۶۱۶   |
| ۳۵-۳۹        | ۱۳۳      | ۶۰    | ۷۳    | ۸۳۶      | ۳۸۵   | ۴۵۱   | ۱۰۰۵     | ۴۸۶   | ۵۱۹   |
| ۴۰-۴۴        | ۹۰       | ۴۱    | ۴۹    | ۶۸۴      | ۳۲۶   | ۳۵۸   | ۷۵۷      | ۳۵۴   | ۴۰۳   |
| ۴۵-۴۹        | ۱۰۱      | ۴۲    | ۵۹    | ۷۰۳      | ۳۵۲   | ۳۵۱   | ۶۱۱      | ۲۹۱   | ۳۲۰   |
| ۵۰-۵۴        | ۱۳۵      | ۶۰    | ۷۵    | ۷۴۹      | ۴۰۱   | ۳۴۸   | ۶۶۷      | ۳۳۷   | ۳۳۰   |
| ۵۵-۵۹        | ۳۱۰      | ۱۵۲   | ۱۵۸   | ۶۳۴      | ۳۴۸   | ۲۸۶   | ۶۴۴      | ۳۵۲   | ۲۹۲   |
| ۶۰-۶۴        | ۳۲۲      | ۱۵۵   | ۱۶۷   | ۵۸۳      | ۳۲۷   | ۲۵۶   | ۶۱۸      | ۳۴۶   | ۲۷۲   |
| ۶۵ و بیشتر   | ۶۵۱      | ۳۵۰   | ۳۰۱   | ۶۹۹      | ۳۷۹   | ۳۲۰   | ۸۵۲      | ۴۹۳   | ۳۵۹   |
| کل           | ۱۷۸۶۲    | ۹۰۱۵  | ۸۷۹۵  | ۲۲۳۳۷    | ۱۱۳۷۷ | ۱۰۹۶۰ | ۲۳۶۴۹    | ۱۲۱۵۰ | ۱۱۴۹۹ |
| جمع ۱۵-۲۴    | ۲۹۴۷     | ۱۳۴۵  | ۱۶۰۲  | ۴۰۸۲     | ۲۰۷۶  | ۲۰۰۶  | ۴۷۲۷     | ۲۴۶۴  | ۲۲۶۳  |
| نسبت ۱۵-۲۴   | ۱۶/۴۹    | ۱۴/۱۳ | ۱۸/۳۱ | ۱۸/۲۷    | ۱۸/۲۴ | ۱۸/۳۰ | ۱۹/۹۸    | ۲۰/۲۷ | ۱۹/۶۸ |
| به کل (درصد) |          |       |       |          |       |       |          |       |       |

منابع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن و سامانه‌های آماری.

جدول ۱-۱-۵ جمعیت ایران بر حسب گروه‌های سنی و جنس، شهری و روستایی ۱۳۵۵-۱۳۷۰ (هزار نفر)

| گروه سنی     | کل کشور |       |       | شهری  |       |       | روستایی |       |       |
|--------------|---------|-------|-------|-------|-------|-------|---------|-------|-------|
|              | کل      | مرد   | زن    | کل    | مرد   | زن    | کل      | مرد   | زن    |
| ۰-۴          | ۶۱۷۸    | ۳۱۱۱  | ۳۰۰۶  | ۳۴۳۶  | ۱۷۶۱  | ۱۶۷۵  | ۲۷۱۱    | ۱۳۹۴  | ۱۳۱۷  |
| ۵-۹          | ۸۴۹۵    | ۴۳۳۰  | ۴۱۶۵  | ۴۸۸۷  | ۲۴۸۷  | ۲۴۰۰  | ۳۵۷۶    | ۱۸۲۸  | ۱۷۴۸  |
| ۱۰-۱۴        | ۹۰۹۵    | ۴۶۳۹  | ۴۴۶۶  | ۵۵۲۶  | ۲۸۱۹  | ۲۷۰۷  | ۳۵۴۹    | ۱۷۹۷  | ۱۷۴۲  |
| ۱۵-۱۹        | ۷۱۳۰    | ۳۵۱۱  | ۳۵۴۳  | ۴۳۲۰  | ۲۱۹۶  | ۲۱۲۴  | ۲۷۸۱    | ۱۳۷۸  | ۱۴۰۳  |
| ۲۰-۲۴        | ۵۳۳۵    | ۲۵۱۳  | ۲۶۶۲  | ۳۱۶۵  | ۱۵۵۸  | ۱۶۰۷  | ۲۰۵۵    | ۱۰۰۸  | ۱۰۴۷  |
| ۲۵-۲۹        | ۴۷۳۲    | ۲۳۷۲  | ۲۳۵۰  | ۳۰۶۸  | ۱۵۴۸  | ۱۵۲۰  | ۱۶۴۳    | ۸۲۰   | ۸۲۳   |
| ۳۰-۳۴        | ۳۹۹۲    | ۲۰۱۹  | ۱۹۷۵  | ۲۷۱۸  | ۱۳۸۳  | ۱۳۳۵  | ۱۲۶۵    | ۶۳۱   | ۶۳۴   |
| ۳۵-۳۹        | ۳۵۱۶    | ۱۸۳۲  | ۱۷۶۲  | ۲۴۴۰  | ۱۲۵۷  | ۱۱۸۳  | ۱۱۳۵    | ۵۶۳   | ۵۷۲   |
| ۴۰-۴۴        | ۲۸۳۷    | ۱۴۳۸  | ۱۳۸۹  | ۱۹۱۵  | ۱۰۰۳  | ۹۱۲   | ۹۰۲     | ۴۳۰   | ۴۷۲   |
| ۴۵-۴۹        | ۲۰۲۷    | ۹۹۷   | ۱۰۳۰  | ۱۳۳۵  | ۶۸۴   | ۶۵۱   | ۶۸۶     | ۳۱۲   | ۳۷۴   |
| ۵۰-۵۴        | ۱۵۴۲    | ۷۱۴   | ۷۶۸   | ۹۹۰   | ۵۱۵   | ۴۷۵   | ۵۵۱     | ۲۶۰   | ۲۹۱   |
| ۵۵-۵۹        | ۱۳۸۰    | ۷۳۴   | ۶۵۶   | ۸۳۳   | ۴۴۳   | ۳۹۰   | ۵۳۷     | ۲۷۴   | ۲۶۳   |
| ۶۰-۶۴        | ۱۳۹۷    | ۷۵۹   | ۶۳۸   | ۷۹۴   | ۴۳۲   | ۳۶۲   | ۵۹۵     | ۳۲۳   | ۲۷۲   |
| ۶۵ و بیشتر   | ۲۴۴۱    | ۱۳۱۸  | ۱۱۳۰  | ۱۳۹۲  | ۷۱۹   | ۶۷۳   | ۱۰۵۰    | ۵۸۷   | ۴۶۳   |
| جمع          | ۶۰۰۵۵   | ۳۰۵۱۵ | ۲۹۵۴۰ | ۳۶۸۱۸ | ۱۸۸۰۵ | ۱۸۰۱۳ | ۲۳۰۲۶   | ۱۱۶۰۵ | ۱۱۴۲۱ |
| جمع ۱۵-۲۴    | ۱۲۳۶۵   | ۶۱۶۰  | ۶۲۰۵  | ۷۴۸۵  | ۳۷۵۴  | ۳۷۳۱  | ۴۸۳۶    | ۲۳۸۶  | ۲۴۵۰  |
| نسبت ۱۵-۲۴   | ۲۰/۵۸   | ۲۰/۱۸ | ۲۱    | ۲۰/۳۲ | ۱۹/۹۶ | ۲۰/۷۱ | ۲۱      | ۲۰/۵۶ | ۲۱/۴۵ |
| به کل (درصد) |         |       |       |       |       |       |         |       |       |

منابع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵.  
\* تفاوت میان کل جمعیت، مجموع جمعیت شهری و روستایی مربوط به جمعیت غیر ساکن می‌باشد.

جدول ۱-۱-۶- تحولات جمعیت فعال کشور ۱۳۳۵-۱۳۷۵

| سال  | کل جمعیت | جمعیت فعال<br>بالاتراز ۱۰ سال | جمعیت غیر فعال<br>بالاتراز ۱۰ سال | درصد فعالیت<br>در کل جمعیت |
|------|----------|-------------------------------|-----------------------------------|----------------------------|
| ۱۳۳۵ | ۱۸۹۵۵    | ۶۰۶۷                          | ۶۷۱۷                              | ۳۲/۰۱                      |
| ۱۳۴۵ | ۲۵۷۸۹    | ۷۸۴۲                          | ۹۱۵۸                              | ۳۰/۴۱                      |
| ۱۳۵۵ | ۳۳۷۰۹    | ۹۷۹۶                          | ۱۳۲۰۶                             | ۲۹/۰۶                      |
| ۱۳۶۵ | ۴۹۴۴۵    | ۱۲۸۲۰                         | ۱۹۸۶۴                             | ۲۶/۴۷                      |
| ۱۳۷۰ | ۵۵۸۳۷    | ۱۴۷۳۸                         | ۲۳۴۸۲                             | ۲۶/۳۹                      |
| ۱۳۷۵ | ۶۰۰۵۵    | ۱۶۰۲۷                         | ۲۸۸۲۲                             | ۲۶/۶۹                      |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

جدول ۱-۱-۷- رشد جمعیت، جمعیت فعال و جمعیت غیر فعال

کشور ۱۳۳۵-۱۳۷۵ (درصد)

| دوره زمانی | کل جمعیت | جمعیت فعال | جمعیت غیر فعال |
|------------|----------|------------|----------------|
| ۱۳۳۵-۱۳۴۵  | ۳/۱۳     | ۲/۶۰       | ۳/۱۰           |
| ۱۳۴۵-۱۳۵۵  | ۲/۷۱     | ۲/۲۵       | ۳/۱۷           |
| ۱۳۵۵-۱۳۶۵  | ۳/۹۱     | ۲/۷۳       | ۴/۳۶           |
| ۱۳۶۵-۱۳۷۰  | ۲/۴۶     | ۲/۸۳       | ۲/۳۳           |
| ۱۳۷۰-۱۳۷۵  | ۱/۵۱     | ۱/۷۵       | ۴/۵۵           |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۰  | ۳/۱۳     | ۲/۶۰       | ۳/۲۴           |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۵  | ۲/۷۴     | ۲/۴۳       | ۳/۵۰           |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

جدول ۱-۱-۸- بار تکفل در ایران ۱۳۳۵-۱۳۷۵

| سال  | بار تکفل |
|------|----------|
| ۱۳۳۵ | ۲/۱۲     |
| ۱۳۴۵ | ۲/۲۹     |
| ۱۳۵۵ | ۲/۴۴     |
| ۱۳۶۵ | ۲/۸۶     |
| ۱۳۷۰ | ۲/۷۹     |
| ۱۳۷۵ | ۲/۷۵     |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

#### ۱-۷- ترکیب جنسی جمعیت فعال

درصد بسیار بالایی از جمعیت فعال کشور مرد هستند. با آن که زنان در فعالیتهای کشاورزی سهم قابل توجهی دارند. احتمالاً نحوه پاسخ‌گویی به سؤالات آمارگیران سبب برآورد کمتر از واقع اشتغال زنان گردیده است. در حالی که شواهد موجود حضور فعال زنان در فعالیتهای کشاورزی و دامداری را مورد تأیید قرار می‌دهد.

در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۰، سهم زنان از کل جمعیت فعال، هیچ‌گاه از ۱۵/۸ درصد فراتر نرفته است. مشارکت زنان در بازار کار در طول سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۵۵ روندی صعودی داشته است. در سال ۱۳۵۵ زنان حدود ۱۵ درصد کل جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌داده‌اند. ولی طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به نحو فزاینده‌تری نسبت از زنان فعال به کل جمعیت فعال کاسته شده است. به نحوی که در سال ۱۳۶۵ سهم زنان از کل جمعیت فعال به حدود ۱۰/۲ درصد تنزل یافته است. دلیل اصلی این کاهش شدید، از میان رفتن فرصت‌های شغلی در بخش صنایع دستی مناطق روستایی بوده، که احتمالاً دوران جنگ تحمیلی امکان تداوم این فعالیت‌ها وجود نداشته است!! در حالی که شمار مردان فعال در طول این دوره به طور متوسط سالانه ۳/۲۷ درصد رشد یافته. جمعیت زنان فعال در همین فاصله سالانه ۱۳ درصد کاهش داشته است. این رقم بیانگر آن است که بخش بزرگی از فرصت‌های شغلی زنان در دوره‌های بحران به شدت آسیب‌پذیر می‌باشند. دلیل فقدان فرصت‌های شغلی، بخش قابل توجهی از زنان، از بازار کار خارج می‌گردند.

جدول شماره ۱-۱-۹

در حالی که نرخ فعالیت در میان مردان بالای ۱۰ سال همواره بالاتر از ۵۶ درصد بوده، نرخ واقعی فعالیت زنان بسیار پایین است به نحوی که در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۰ هیچ‌گاه به ۱۳ درصد نرسیده است. در سال ۱۳۷۰ کمتر از ۹ درصد زنان بالای ۱۰ سال در بازار کار مشارکت داشته‌اند.

همان‌طور که در جدول شماره ۱-۱-۱۱-۱ مشاهده می‌شود، سهم زنان در بازار کار ایران در مقایسه با برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی نازل می‌باشد.

با پایان گرفتن جنگ تحمیلی، سهم زنان در بازار کار با آهنگ آهسته‌ای مجدداً افزایش یافته و در سال ۱۳۷۰ به حدود ۱۱/۱ درصد رسیده است. هر چند هنوز بخش عمده زنان خارج از بازار کار قرار دارند ولی شمار فزاینده‌ای از دختران و زنان همه ساله وارد بازار کار می‌شوند. (شمار زنان فعال در فاصله سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۰ سالانه به‌طور متوسط حدود ۴/۹ درصد رشد یافته است که از رشد متوسط مردان فعال - سالانه حدود ۲/۸ درصد - بسیار سریع‌تر می‌باشد.) (جدول شماره ۱-۱-۱۰)

جدول ۱-۱-۹- جمعیت فعال کشور بر حسب جنس ۱۳۳۵-۱۳۷۵ (هزار نفر)

| سال  | جمعیت فعال | فعالین مرد | فعالین زن | درصد فعالان مرد |
|------|------------|------------|-----------|-----------------|
| ۱۳۳۵ | ۶۰۶۷       | ۵۴۹۱       | ۵۷۶       | ۹۰/۵۱           |
| ۱۳۴۵ | ۷۸۴۲       | ۶۸۰۸       | ۱۰۳۳      | ۸۶/۸۱           |
| ۱۳۵۵ | ۹۷۹۶       | ۸۳۴۷       | ۱۴۴۹      | ۸۵/۲۱           |
| ۱۳۶۵ | ۱۳۰۸۱      | ۱۱۵۱۲      | ۱۳۰۷      | ۸۹/۸۰           |
| ۱۳۷۰ | ۱۴۱۳۱      | ۱۳۱۰۷      | ۱۶۳۰      | ۸۸/۹۳           |
| ۱۳۷۵ | ۱۶۰۲۷      | ۱۳۹۹۰      | ۲۰۳۷      | ۸۷/۳۰           |

سازمان آمار ایران، آمارهای عمومی شغلی و مسکن و سالنامه‌های آماری.

جدول ۱-۱-۱۰- رشد متوسط سالانه جمعیت فعال بر حسب جنس ۱۳۳۵-۱۳۷۵ (درصد)

| دوره زمانی | رشد جمعیت فعال | رشد فعالان مرد | رشد فعالان زن |
|------------|----------------|----------------|---------------|
| ۱۳۳۵-۱۳۴۵  | ۲/۶۰           | ۲/۱۷           | ۶/۰۲          |
| ۱۳۴۵-۱۳۵۵  | ۲/۲۵           | ۲/۰۶           | ۳/۴۴          |
| ۱۳۵۵-۱۳۶۵  | ۲/۷۳           | ۳/۲۷           | -۱/۰۳         |
| ۱۳۶۵-۱۳۷۰  | ۲/۸۳           | ۲/۶۳           | ۴/۵۲          |
| ۱۳۷۰-۱۳۷۵  | ۱/۷۴           | ۱/۳۵           | ۴/۹۹          |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۰  | ۲/۵۷           | ۲/۵۲           | ۳/۰۲          |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۵  | ۲/۴۳           | ۲/۲۹           | ۳/۵۸          |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

جدول ۱-۱-۱۱- سهم زنان در بازار کار برخی

از کشورها

| نام کشور | درصد |
|----------|------|
| ایران    | ۸/۹  |
| کره      | ۳۶/۶ |
| مالزی    | ۴۲/۷ |
| اندونزی  | ۳۳/۱ |

مأخذ: ILO - ۱۹۹۱، کتاب سال آمار کار.

#### ۱-۸- توزیع منطقه‌ای جمعیت فعال

فرایند مهاجرت و وضعیت بازار کار در مناطق شهری را دستخوش تحولات شدیدی نموده است. از آنجا که بخش بزرگی از مهاجرین را، جمعیت واقع در سنین کار تشکیل می‌دهند، حدود ۸۸/۹ درصد از افزایش خالص نیروی کار کشور، طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵، در ارتباط با رشد تازه واردین به بازار کار در مناطق شهری بوده است. طی این دوره رشد نیروی کار شهری ۸ برابر مناطق روستایی بوده است. در کل از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ سال، جمعیت فعال در مناطق شهری به طور متوسط سالانه ۴/۳۸ درصد رشد کرده است. در حالی که این رقم برای مناطق روستایی حدود ۱/۱۱ درصد بوده است. (جداول شماره ۱-۱۲ و ۱-۱۳-۱)

در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۵۵ جمعیت فعال روستایی سهم عمده جمعیت فعال را به خود اختصاص می‌داده است. ولی به سبب رشد سریع جمعیت شهرها، این تصویر از سال ۱۳۶۵ به بعد تغییر کرده است. در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵، که سال‌های رشد سریع بخش صنعت در شهرهای بزرگ کشور می‌باشند، جمعیت فعال در مناطق شهری سالانه به طور متوسط ۴/۵۹ درصد افزایش یافته است. در حالی که این نرخ در مناطق روستایی حدود ۰/۷۴ درصد بوده است. این روند در سال‌های جنگ تحمینی نیز تداوم یافته است. ولی در طول سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۰، آهنگ رشد جمعیت فعال در مناطق شهری کند گردیده و به ۳/۸۶ درصد رسیده است. در همین مدت نرخ رشد جمعیت فعال روستایی به ۱/۴۴ درصد افزایش یافته است. با این وجود در سال ۱۳۷۰ کمتر از ۴۷ درصد جمعیت فعال کشور در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند. جمعیت فعال روستایی در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ سالانه ۱/۳۶ درصد رشد داشته است. نسبت فعالان روستایی نیز در ۱۳۷۵، ۳۹/۷ درصد بوده است. بهبود نرخ رشد بعد از انقلاب شروع شده و نشانه اثربخشی توجه به

روستاها است.

به دلیل بالا رفتن شمار دانش‌آموزان و دانشجویان، هم در مناطق شهری و هم در نقاط روستایی از نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت -لاتر از ده سال کاسته شده است. هر چند در کل آهنگ تنزل نرخ واقعی فعالیت در شهرها تندتر بوده ولی در طول سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۰ تفاوت میان نرخ فعالیت واقعی در مناطق شهری و روستایی کشور به سرعت کاهش یافته است. به نحوی که در سال ۱۳۷۰، این نرخ در شهرها معادل ۳۷/۷۶ و در روستاها حدود ۳۸/۵۷ درصد بوده است.

جدول ۱۲-۱-۱- جمعیت فعال در مناطق شهری و روستایی ۱۳۳۵-۱۳۷۵

| سال  | کل جمعیت فعال<br>(هزار نفر) | جمعیت فعال شهری<br>(هزار نفر) | جمعیت فعال روستایی<br>(هزار نفر) | نسبت جمعیت فعال شهری<br>به کل جمعیت فعال (درصد) |
|------|-----------------------------|-------------------------------|----------------------------------|---|
| ۱۳۳۵ | ۶۰۶۷                        | ۱۸۹۳                          | ۴۱۷۳                             | ۳۱/۲۰   |
| ۱۳۴۵ | ۷۸۴۲                        | ۲۷۶۸                          | ۵۰۷۳                             | ۳۵/۳۰   |
| ۱۳۵۵ | ۹۷۹۶                        | ۴۳۳۶                          | ۵۴۶۰                             | ۴۴/۲۶   |
| ۱۳۶۵ | ۱۲۸۲۰                       | ۷۰۲۶                          | ۵۷۲۷                             | ۵۴/۸۰   |
| ۱۳۷۰ | ۱۴۷۳۸                       | ۸۴۸۹                          | ۶۱۵۰                             | ۵۷/۶۰   |
| ۱۳۷۵ | ۱۶۰۲۷                       | ۹۶۵۵                          | ۶۳۰۶                             | ۶۰/۲۴   |

در حد مرکز، مراکز، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری  
تفاوت میان کل جمعیت فعال، بخش جمعیت فعال شهری و روستایی مربوط به جمعیت فعال غیرساکن می‌باشد.

جدول ۱۳-۱-۱- رشد جمعیت فعال در مناطق شهری و روستایی کشور

(درصد) ۱۳۳۵-۱۳۷۵

| دوره زمانی | کل کشور | مناطق شهری | مناطق روستایی |
|------------|---------|------------|---------------|
| ۱۳۳۵-۱۳۴۵  | ۲/۶۰    | ۳/۸۷       | ۱/۹۷          |
| ۱۳۴۵-۱۳۵۵  | ۲/۲۵    | ۴/۵۹       | ۰/۷۴          |
| ۱۳۵۵-۱۳۶۵  | ۲/۷۳    | ۴/۹۵       | ۰/۴۸          |
| ۱۳۶۵-۱۳۷۰  | ۲/۸۳    | ۳/۸۶       | ۱/۴۴          |
| ۱۳۷۰-۱۳۷۵  | ۱/۷۵    | ۲/۷۴       | ۰/۵۰          |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۰  | ۲/۵۷    | ۴/۳۸       | ۱/۱۱          |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۵  | ۲/۴۳    | ۴/۰۰       | ۱/۰۲          |

#### ۱-۹- جمعیت شاغل

وجود فرصت‌های شغلی تابع شرایط اقتصادی است. به عبارت دیگر بازار کار مستقل از شرایط سایر بازارها نیست. در دوره‌های رونق، کارفرمایان، که به چشم‌انداز اقتصاد کشور خوش بین هستند، فعالیت‌های نوینی را پی می‌ریزند و امکانات تولیدی را گسترش می‌دهند. بدین ترتیب فرصت‌های شغلی قابل توجهی خلق می‌گردد. بالعکس در دوره‌های رکود، موسسات اقتصادی فعالیت خود را محدود می‌سازند و به سبب



وجود عدم اطمینان نسبت به آینده. گرایش به آغاز فعالیت‌های اقتصادی جدید، وجود ندارد. در چنین شرایطی بیکاری رشد می‌یابد. این روند در اقتصاد ایران نیز به خوبی قابل مشاهده است.

در سال‌های دهه ۱۳۵۰ با رشد قیمت‌های جهانی نفت و افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی، بازار کار بسیار پر رونق بود به نحوی که حتی جاذبه‌هایی برای مهاجرت کارگران کره‌ای، فیلیپینی و... به وجود آورد. بالعکس در طول سال‌های دهه ۱۳۶۰، به سبب تحریم اقتصادی، جنگ تحمیلی، کاهش قیمت جهانی نفت و... اقتصاد کشور در وضعیت رکودی قرار گرفت و نرخ بیکاری روندی صعودی یافت.

رشد بطنی فرصت‌های شغلی به همراه افزایش سریع عرضه نیروی کار، سبب بروز بحران در بازار کار کشور گردید. در عین حال با توجه به رشد منفی تولید ناخالص ملی در طول سال‌های جنگ تحمیلی، بهره‌وری نیروی کار به شدت تنزل یافت. زیرا علی‌رغم کاهش شدید تولید در غالب مؤسسات دولتی، میزان اشتغال در آنها کاهش نیافته بود.<sup>۱</sup>

مجموعه این عوامل سبب گردید که در آستانه اجرای برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) الگوی بهره‌گیری از منابع انسانی ایران به شدت غیرکارا باشد.

در سال ۱۳۷۰ بیش از ۱۱ درصد از نیروی کار کشور به صورت آشکار بیکار و حدود ۲۷ درصد از جمعیت شاغل نیز فاقد نقش مؤثر اقتصادی بوده‌اند. بر این اساس ۳۸ درصد از کل نیروی کار کشور از مشارکت سالم و اصولی در فرایند تولید جامعه برکنار بوده یا در تولید درآمد و ثروت ملی نقش در خوری ایفا نمی‌کرده‌اند. بهره‌وری سرانه نیروی کار در کشور، به دلیل سطح نازل تکنولوژی و گستردگی بیکاری پنهان در بخش‌های اقتصادی، بسیار پایین بوده است. به نحوی که در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ بهره‌وری سرانه نیروی کار به قیمت ثابت، در کل اقتصاد ایران هر ساله به طور متوسط ۴/۷ درصد کاهش یافته است.

در مطالعه آمار مربوط به وضعیت اشتغال و بیکاری در مقاطع سرشماری‌ها باید در نظر داشت که تعاریف مرکز آمار ایران در مورد شاغلین و بیکاران همواره ثابت نبوده است. به طور مثال در سال ۱۳۵۵ بیکاران فصلی، جزء بیکاران محسوب شده‌اند. ولی در سال ۱۳۶۵، با این استدلال که بیکاران فصلی در جستجوی کار نمی‌باشند، شاغل معرفی گردیده‌اند. علی‌رغم این تغییر، نرخ بیکاران در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ از ۱۰ درصد به بیش از ۱۴ درصد افزایش یافته است. در عین حال افرادی که در حین انجام خدمت و وظیفه بوده‌اند، شاغل به حساب آمده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که در آمارگیری‌ها شاغل کاذب از فعالیت‌های مولد تفکیک نمی‌گردند. از این رو آمار شاغلین کشور، تصویر مشخصی از اشتغال ناقص و بیکاری پنهان به دست نمی‌دهد.

جدول شماره ۱۴-۱ و ۱۵-۱ و ۱۶-۱ روند تحولات اشتغال و بیکاری، در طول سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۳۵ را نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات منتشره از سوی مرکز آمار ایران، جمعیت فعال کشور در این دوره سالانه به طور متوسط ۵۷ درصد رشد یافته است در حالی که فرصت‌های شغلی سالانه، به طور متوسط، ۳۳ درصد افزایش داشته است. به همین جهت رشد نرخ بیکاری و بروز بحران در بازار کار ناگزیر بوده است. به

<sup>۱</sup> بررسی تحولات بهره‌وری در ادارات و مؤسسات بخش عمومی و بخش‌های مختلف اقتصادی به تحقیق وسیع‌تری نیازمند است. در اینجا صرفاً به مطالعه تغییرات بهره‌وری در سطح کلان پرداخته شده است.

بر اساس اطلاعات مربوط به درآمد ناخالص ملی و میزان شاغلین کشور، بهره‌وری نیروی کار پس محاسبه می‌باشد. زمانی که بهره‌وری نیروی کار شدیداً تنزل می‌یابد، نشان‌دهنده آن است که بخشی از شاغلین بیکار پنهان می‌باشند. در تصویر کلان برنامه اول توسعه، میزان بیکاری پنهان در سال ۱۳۶۷، حدود ۲۷ درصد برآورد گردیده است.

حرفی ده در طول این دوره هر سال به طور متوسط ۶/۸۹ درصد بر شمار بیکاران افزوده شده است. در سال ۱۳۳۵ فرصت‌های شغلی برای زنان بسیار محدود بوده است و در کل کشور تنها ۵۷۳ هزار زن مشغول به کار بوده‌اند که کمتر از ۱۰ درصد کل شاغلین را به خود اختصاص می‌داده‌اند. در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۵۵ شمار زنان شاغل به شدت افزایش یافت. در این دوره ۲۰ ساله تعداد شاغلین زن بیش از دو برابر گردید و به ۱۲ میلیون نفر بالغ گشت. همان‌گونه که اشاره شد، در دوران جنگ تحمیلی و رکود اقتصادی پس از انقلاب، شمار زنان شاغل کشور، به‌ویژه در صنایع دستی روستایی شدیداً کاهش یافت. پس از پایان جنگ محدود فرصت‌های شغلی برای زنان به سرعت افزایش پیدا کرد و شمار زنان شاغل در سال ۱۳۷۰ به حدود ۱۲ میلیون نفر رسید. (جدول شماره ۱۹-۱-۱)

رشد فرصت‌های شغلی برای زنان (به جز دوره بحرانی ۱۳۶۵-۱۳۵۵) سریع‌تر از رشد فرصت‌های شغلی برای مردان بوده است. ولی کاهش تعداد زنان شاغل در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، به حدی چشمگیر بوده است که سبب گردیده متوسط رشد شاغلین زن در دوره ۱۳۳۵-۱۳۷۰ کمتر از رشد شاغلین مرد گردد. در طول سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۰ فرصت‌های شغلی زنان به طور متوسط سالانه ۴/۷۷ درصد افزایش یافته است. (جدول شماره ۱۷-۱-۱)

جدول ۱۴-۱-۱- تحولات اشتغال و بیکاری در ایران ۱۳۳۵-۱۳۷۵ (مزار)

| سال  | جمعیت فعال | جمعیت شاغل | جمعیت بیکار | نرخ بیکاری (درصد) |
|------|------------|------------|-------------|-------------------|
| ۱۳۳۵ | ۶۰۶۷       | ۵۹۰۸       | ۱۵۹         | ۱۲/۶              |
| ۱۳۴۵ | ۷۸۴۲       | ۷۱۱۶       | ۷۲۶         | ۹/۳               |
| ۱۳۵۵ | ۹۷۹۶       | ۸۷۹۹       | ۹۹۷         | ۱۰/۲              |
| ۱۳۶۵ | ۱۳۰۸۸      | ۱۱۲۱۱      | ۱۸۷۷        | ۱۴/۲              |
| ۱۳۷۰ | ۱۴۷۳۸      | ۱۳۰۹۷      | ۱۶۴۰        | ۱۱/۱              |
| ۱۳۷۵ | ۱۶۰۲۷      | ۱۴۵۷۲      | ۱۴۵۵        | ۹/۰۸              |

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

جدول ۱۵-۱-۱- رشد اشتغال و بیکاری در ایران

(درصد)

۱۳۳۵-۱۳۷۵

| دوره زمانی | جمعیت فعال | جمعیت شاغل | جمعیت بیکار |
|------------|------------|------------|-------------|
| ۱۳۳۵-۱۳۴۵  | ۲/۶۰       | ۱/۵۰       | ۱۶/۴        |
| ۱۳۴۵-۱۳۵۵  | ۲/۲۵       | ۲/۵۲       | ۳/۲۲        |
| ۱۳۵۵-۱۳۶۵  | ۲/۷۳       | ۲/۲۶       | ۶/۲۰        |
| ۱۳۶۵-۱۳۷۰  | ۲/۸۳       | ۳/۵۵       | -۲/۰۵       |
| ۱۳۷۰-۱۳۷۵  | ۱/۷۵       | ۲/۲۵       | -۲/۲۵       |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۰  | ۲/۵۷       | ۲/۳۰       | ۶/۸۹        |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۵  | ۲/۴۳       | ۲/۴۱       | ۴/۳۰        |

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

جدول ۱۶-۱-۱- کل جمعیت شاغل ایران برحسب جنس ۱۳۳۵-۱۳۷۵ (هزار نفر)

| سال  | جمعیت شاغل | شاغلین مرد | شاغلین زن | سهم مردان در کل شاغلین (درصد) |
|------|------------|------------|-----------|-------------------------------|
| ۱۳۳۵ | ۵۹۰۸       | ۵۳۳۴       | ۵۷۴       | ۹۰/۲۸                         |
| ۱۳۴۵ | ۷۱۱۶       | ۶۱۷۲       | ۹۴۴       | ۸۶/۷۳                         |
| ۱۳۵۵ | ۸۷۹۹       | ۷۵۸۷       | ۱۲۱۲      | ۸۶/۲۳                         |
| ۱۳۶۵ | ۱۱۲۱۱      | ۱۰۲۳۶      | ۹۷۵       | ۹۱/۱۳                         |
| ۱۳۷۰ | ۱۳۰۹       | ۱۱۸۶۵      | ۱۲۳۱      | ۹۰/۵۹                         |
| ۱۳۷۵ | ۱۴۵۷۱      | ۱۲۸۰۶      | ۱۷۶۵      | ۸۷/۸۹                         |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

جدول ۱۷-۱-۱- رشد متوسط سالانه اشتغال کل کشور برحسب جنس ۱۳۳۵-۱۳۷۵

(درصد)

| دوره زمانی | کل جمعیت شاغل | شاغلین مرد | شاغلین زن |
|------------|---------------|------------|-----------|
| ۱۳۳۵-۱۳۴۵  | ۱/۸۸          | ۱/۴۷       | ۵/۱۲      |
| ۱۳۴۵-۱۳۵۵  | ۲/۱۵          | ۲/۰۹       | ۲/۵۳      |
| ۱۳۵۵-۱۳۶۵  | ۲/۲۶          | ۲/۸۳       | -۲/۱۵     |
| ۱۳۶۵-۱۳۷۰  | ۳/۵۵          | ۳/۴۳       | ۴/۷۷      |
| ۱۳۷۰-۱۳۷۵  | ۲/۲۵          | ۱/۵۸       | ۸/۶۷      |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۰  | ۲/۳۰          | ۲/۳۱       | ۲/۲۱      |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۵  | ۲/۴۱          | ۲/۲۸       | ۳/۷۸      |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری.

انتظار می‌رود که با تداوم چنین رشدی، مشارکت زنان در بازار کار کشور به نحو فزاینده‌ای افزایش یابد. چنانچه فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان رشد قابل توجهی داشته باشد. بسیاری از زنان که در حال حاضر خارج از بازار کار قرار دارند، به جمعیت فعال کشور خواهند پیوست. با توجه به شمار فزاینده زنان در مقاطع مختلف تحصیلات متوسطه و عالی، قطعاً در آینده زنان نقش بزرگی در بازار کار ایران خواهند داشت.

#### ۱-۱۰- تحریک اشتغال در مناطق شهری و روستایی

در طول سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۰ کلاً ۴/۳ میلیون فرصت شغلی در کشور خلق شده است که از این تعداد ۸۱/۴ درصد در مناطق شهری و تنها ۱۸/۶ درصد در مناطق روستایی بوده است. در مجموع طی ۳۵ سال (۱۳۳۵-۱۳۷۰) حدود ۷/۱ میلیون شغل در کشور ایجاد شده که از این تعداد ۵۸ میلیون فرصت شغلی در مناطق شهری و فقط ۱/۳ میلیون شغل در نقاط روستایی به وجود آمده است. یعنی به ازای هر ۱ فرصت

تبعی جدید در روستا، بیش از ۴ شغل در شهر ایجاد شده است (جدول شماره ۱۸-۱-۱). به عبارت دیگر در طول این دوره جمعیت شاغل شهری به طور متوسط سالانه ۴٫۱۹ درصد رشد کرده است، در حالی که این رقم برای روستاها در حدود ۰٫۸ درصد بوده است. (جدول شماره ۱۹-۱-۱)

با توجه به احتمال بالاتر یافتن شغل در شهر و شکاف درآمدی فاحش میان شهر و روستا، مهاجرت از روستا به شهر امری بدیهی است. هر فرصت شغلی که در شهر ایجاد می شود، چندین روستایی را به شهر جذب می نماید. به همین سبب نرخ بیکاری در مناطق شهری بالاتر از روستاها است.

جدول ۱۸-۱-۱- جمعیت شاغل مناطق شهری و روستایی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ (هزار نفر)

| سال  | کل کشور | مناطق شهری | مناطق روستایی | نسبت شاغلین شهری<br>به کل شاغلین (درصد) |
|------|---------|------------|---------------|---|
| ۱۳۳۵ | ۵۹۰۸    | ۱۸۰۸       | ۴۱۰۰          | ۳۰/۵۹                                   |
| ۱۳۴۵ | ۷۱۱۶    | ۲۶۱۰       | ۴۵۰۶          | ۳۶/۶۸                                   |
| ۱۳۵۵ | ۸۷۹۹    | ۴۱۱۳       | ۴۶۸۶          | ۴۶/۷۴                                   |
| ۱۳۶۵ | ۱۱۲۱۱   | ۵۹۵۳       | ۴۹۵۸          | ۵۴/۱۱                                   |
| ۱۳۷۰ | ۱۳۰۹۷   | ۷۶۰۹       | ۵۴۰۵          | ۵۸/۱۰                                   |
| ۱۳۷۵ | ۱۴۵۷۱   | ۸۷۹۹       | ۵۷۱۱          | ۶۰/۳۸                                   |

منابع: مرکز آمار ایران، سرشماری های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه های آماری  
 \* تفاوت میان کل جمعیت شاغل با مجموع جمعیت شاغل شهری و روستایی مربوط به جمعیت شاغل غیر ساکن می باشد.

جدول ۱۹-۱-۱- رشد متوسط سالانه اشتغال در مناطق شهری و روستایی

(درصد)

۱۳۳۵-۱۳۷۵

| دوره زمانی | کل کشور | مناطق شهری | مناطق روستایی |
|------------|---------|------------|---------------|
| ۱۳۳۵-۱۳۴۵  | ۱/۸۸    | ۳/۷۵       | ۰/۹۵          |
| ۱۳۴۵-۱۳۵۵  | ۲/۱۵    | ۴/۶۵       | ۰/۴۰          |
| ۱۳۵۵-۱۳۶۵  | ۲/۲۶    | ۳/۷۷       | ۰/۶۲          |
| ۱۳۶۵-۱۳۷۰  | ۳/۵۵    | ۵/۰۳       | ۱/۶۲          |
| ۱۳۷۰-۱۳۷۵  | ۲/۲۵    | ۳/۱۲       | ۱/۱۳          |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۰  | ۲/۳۰    | ۴/۱۹       | ۰/۷۹          |
| ۱۳۳۵-۱۳۷۵  | ۲/۴۱    | ۴/۰۶       | ۰/۹۴          |

منابع: مرکز آمار ایران، سرشماری های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه های آماری.

### ۱-۱۱- بیکاری

در طول سال های ۱۳۳۵-۱۳۶۵ علی رغم آن که فرصت های شغلی<sup>۱</sup> به طور متوسط سالانه حدود ۲/۸ درصد

<sup>۱</sup> فرصت شغلی به معنای شغل است که شخص جوانی کار به آن جذب می گردد. بر این معنا شمار فرصت های شغلی برابر است با شمار شاغلین و ←

رشد یافته است، ولی به سبب رشد سریع جمعیت فعال (سالانه بیش از ۳/۷ درصد)، نرخ بیکاری در طول این دوره روندی افزایشی داشته و در سال ۱۳۶۵ به بالاترین میزان خود (حدود ۱۴/۱۸ درصد) رسیده است. ولی نسبت زنان در کل جمعیت بیکار، در طول این ۳۰ سال به شدت رشد یافته است. با آن که شمار زنان در بازار کار بسیار محدود بوده، ولی نرخ بیکاری در میان آنها به نحو چشمگیری بالا است. در سال ۱۳۶۵، از حدود ۱۳۰۷۰۰۰ زن که در بازار کار کشور مشارکت داشته‌اند، ۲۵/۴ درصد (حدود ۳۳۲۰۰۰ نفر) بیکار بوده‌اند. در حالی که نرخ بیکاری میان مردان کمتر از ۱۱ درصد بوده است.

در فاصله سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۰ فرصت‌های شغلی سالانه ۳/۸ درصد رشد یافته که از رشد عرضه نیروی کار (حدود ۳ درصد)، پیشی گرفته است. به همین جهت نرخ بیکاری روندی نزولی پیدا کرده و از ۱۴/۱۸ درصد به ۱۱/۱۳ درصد کاهش یافته است. آهنگ کاهش بیکاری در میان زنان بسیار بطنی بوده است و نرخ بیکاری در میان زنان همچنان بسیار بالا است.

در سال ۱۳۷۰ از کل ۱۳/۱۰۷ میلیون مرد که در بازار کار مشارکت داشته‌اند، حدود ۹/۴۱ درصد (حدود ۱۰۲۳۳ میلیون نفر) بیکار بوده‌اند. در حالی که از کل ۱/۶۳ میلیون نفر زن فعال، حدود ۲۴/۴۸ درصد (حدود ۴۰۰ هزار نفر) بیکار بوده‌اند. بیکاری به ویژه در میان زنان و دختران جوان بسیار شدید است.

طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۰ فرصت‌های شغلی برای مردان رشد سریع‌تری نسبت به مشاغل زنان داشته است. به نحوی که در طول این دوره اشتغال مردان سالانه حدود ۲/۳۱ درصد و اشتغال زنان ۲/۲۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. (جدول شماره ۲۰-۱-۱)

علی‌رغم آن که در طول سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۰ مزاد جمعیت روستایی مداوماً به شهرها مهاجرت کرده است، ولی مناطق روستایی همچنان با معضل بیکاری دست به‌گریبان می‌باشند. در سال ۱۳۳۵ نرخ بیکاری در مناطق شهری و روستایی بسیار پایین بوده است. ولی با افزایش سریع جمعیت فعال، رشد فرصت‌های خلق شده در بیان‌های اقتصادی، برای تأمین شغل جهت تازه‌واردین به بازار کار تکافو نمی‌کرده است. ولی همین‌طور که اشاره شد، کمبود فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی کشور غالباً بسیار شدیدتر از مناطق شهری بوده است. در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ که سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در کشور به سرعت رشد می‌یافت، نرخ بیکاری در مناطق شهری در حول و حوش ۵ درصد قرار داشته است. ولی در همین دوره مناطق روستایی با نرخ‌های بیکاری بالاتر از ۱۰ درصد مواجه بوده‌اند. (جدول شماره ۲۱-۱-۱)

در سال‌های جنگ تحمیلی و دوران رکود اقتصادی، نرخ بیکاری در مناطق شهری به شدت افزایش یافت ولی با پایان یافتن جنگ و بالا رفتن درآمدهای ارزی کشور، روند نزولی به خود گرفت. در سال ۱۳۷۰ نرخ بیکاری در مناطق شهری معادل ۱۰/۳۷ درصد و در مناطق روستایی در حدود ۱۲/۱ درصد بوده است ولی با توجه به شمار بالای جمعیت فعال در شهرها، تعداد مطلق بیکاران در مناطق شهری بیشتر از روستاها شده است. به نحوی که در این سال از حدود ۱۶۲۵ هزار نفر بیکار، بیش از ۵۴ درصد (۸۸۰ هزار نفر) در مناطق شهری و حدود ۴۶ درصد (۷۴۵ هزار نفر) در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند.

جدول ۲۰-۱-۱- بیکاری جمعیت فعال بر حسب جنس ۱۳۳۵-۱۳۷۵ (درصد)

| سال  | نرخ بیکاری (کل) | نرخ بیکاری مردان | نرخ بیکاری زنان |
|------|-----------------|------------------|-----------------|
| ۱۳۳۵ | ۲/۶۲            | ۲/۸۶             | ۰/۵۲            |
| ۱۳۴۵ | ۹/۲۶            | ۹/۳۴             | ۸/۶۲            |
| ۱۳۵۵ | ۹/۱۸            | ۹/۱۱             | ۱۶/۳۶           |
| ۱۳۶۵ | ۱۴/۱۸           | ۱۲/۹۱            | ۲۴/۴۰           |
| ۱۳۷۰ | ۱۱/۱۳           | ۹/۴۸             | ۲۳/۴۸           |
| ۱۳۷۵ | ۹/۵۷            | ۸/۴۶             | ۱۳/۳۵           |

ماخذ: سرشماری های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه های آماری.

جدول ۲۱-۱-۱- نرخ بیکاری جمعیت فعال در مناطق شهری و روستایی

۱۳۳۵-۱۳۷۵ (درصد)

| سال  | کل کشور | مناطق شهری | مناطق روستایی |
|------|---------|------------|---------------|
| ۱۳۳۵ | ۲/۶۲    | ۴/۵۴       | ۱/۷۵          |
| ۱۳۴۵ | ۹/۲۶    | ۵/۷۲       | ۱۱/۲۰         |
| ۱۳۵۵ | ۹/۱۸    | ۵/۱۴       | ۱۴/۱۶         |
| ۱۳۶۵ | ۱۴/۱۸   | ۱۵/۲۷      | ۱۲/۹۰         |
| ۱۳۷۰ | ۱۱/۱۳   | ۱۰/۳۷      | ۱۲/۱۱         |
| ۱۳۷۵ | ۹/۰۸    |            |               |

ماخذ: سرشماری های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه های آماری.

#### ۱-۱۲- تحولات اشتغال در استانها

در طول دهه های اخیر در استان های پر جمعیت، فرصت های شغلی بسیاری خلق شده است. یا به عبارت دیگر، رونق اقتصادی و به وجود آمدن زمینه های اشتغال بهتر و کسب درآمد بیشتر، سبب تراکم جمعیت در برخی از استان های کشور گردیده است.

در فاصله سال های ۱۳۵۵-۱۳۷۰ استان های پر جمعیت کشور، تهران، خراسان، آذربایجان شرقی، مازندران، اصفهان و فارس، بخش بزرگی از فرصت های شغلی جدید را به خود اختصاص داده اند. در سال ۱۳۷۰ حدود ۶۴ درصد کل مشاغل کشور در این استانها متمرکز بوده است و ۳۶ درصد کل شاغلین در ۱۸ استان دیگر کشور زندگی می کرده اند. استان تهران به تنهایی ۲۰ درصد کل افراد شاغل را در خود جای داده است.

استان های یزد، گیلان، تهران، مازندران و سمنان از نظر نسبت شاغلین به کل جمعیت استان، در بهترین وضعیت قرار دارند. در مقابل استان های ایلام که کیلویه و بویراحمد، خوزستان، لرستان و بوشهر دارای پایین ترین درصد شاغلین می باشند. در سال ۱۳۷۰ استان یزد با ۲۸/۵۱ درصد جمعیت شاغل و استان ایلام، با حدود ۱۷/۹۱ درصد شاغل به ترتیب بالاترین و پایین ترین درصد اشتغال کشور را دارا بوده اند. به عبارت

دیگر در استان یلام یک نفر شاغل باید زندگی ۵/۵ نفر را تأمین نماید. در حالی که این نسبت برای استان یزد ۳/۵ نفر می باشد.

بنابراین توزیع فرصت های شغلی در مناطق مختلف کشور بسیار نامتعادل می باشد. همین امر سبب گردیده که گروه های وسیعی از مردم، به استان های برخوردار مهاجرت نمایند. از این رو در استان های پرجمعیت کشور، علی رغم شمار بالای شاغلین، تعداد بیکاران نیز چشمگیر است.

### ۱۳-۱- سهم بخش های مختلف اقتصادی در اشتغال کشور

در طول سال های ۱۳۳۵-۱۳۷۵، میزان اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی، تحولات چشمگیری داشته است. در سال ۱۳۳۵، بخش کشاورزی بیش از ۵۶ درصد کل اشتغال کشور را به خود اختصاص می داده است. این نسبت در سال ۱۳۷۰ به کمتر از ۲۵ درصد و در سال ۱۳۷۵ به حدود ۲۳ درصد تنزل یافته است.

شمار شاغلین بخش کشاورزی در طول ۲۵ سال از ۱۳۳۵-۱۳۷۰ به طور مطلق کاهش داشته است ولی در سال ۱۳۷۵ این رقم از ۳ ۳۲۶ میلیون نفر به ۳/۳۵۸ میلیون نفر رسیده است. با توجه به سهم بخش کشاورزی در سال های اخیر می توان دریافت این بخش نه تنها قادر به جذب نیروی کار ساکن در روستاها نبوده است، بلکه می توان گفت در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۳۵، ۱۲۰ هزار فرصت شغلی را هم از دست داده است. چنین تصویری از وضعیت اشتغال بخش کشاورزی، وجود جریان مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها را توجیه می نماید. (جدول شماره ۲۲-۱-۱)

در سال ۱۳۳۵ بخش صنعت با ۸۱۶۰۰۰ نفر شاغل، در بین ۹ گروه عمده فعالیت پس از کشاورزی دارای بیشترین سهم از اشتغال کشور بوده است و خدمات عمومی با ۶۵۵۰۰۰ نفر شاغل، پس از بخش صنعت قرار داشته است. از سال ۱۳۶۵ این وضعیت تغییر کرده است. در این سال بیش از ۲۷ درصد شاغلین در بخش خدمات عمومی به کار اشتغال داشته اند. در حالی که سهم بخش صنعت از کل اشتغال کشور حدود ۱۲/۹ درصد بوده است.

هر چند اشتغال در بخش عمومی در طول سال های ۱۳۳۵-۱۳۷۵ از رشد پرشتابی برخوردار بوده است ولی افزایش شمار درکنان این بخش در سال های پس از پیروزی انقلاب آهنگ بسیار سریعی یافته، به نحوی که در فاصله سال های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ تنها شمار کارکنان خدمات عمومی بیش از دو برابر شده است و از ۱/۵۲ میلیون نفر به ۳/۰۵ میلیون نفر افزایش یافته است. می توان این رشد را در فاصله سال های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ نیز مشاهده کرد که این رقم به ۴۶۴ و ۳ میلیون نفر رسیده است. با توجه به رشد بی رویه شاغلین بخش عمومی هزینه های پرسنلی بار سنگینی را بر بودجه دولت تحمیل کرده است. در عین حال با توجه به تنگنای مالی در بسیاری از عرصه ها، بهره وری نیروی کار بخش عمومی کاهش یافته است. با توجه به این روند نامطلوب در سال های اول و دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اعمال سیاست تعدیل نیروی سالی در بخش عمومی مورد تأکید قرار گرفت.

در سال ۱۳۷۰ بخش خدمات عمومی با حدود ۲۷ درصد از کل شاغلین کشور (۳/۵۱۸ میلیون نفر شاغل) همچنان بالاترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. هر چند در فاصله سال های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ حدود ۴۰۰ هزار نفر به شاغلین بخش خدمات عمومی افزوده شده است ولی شتاب رشد کارکنان بخش عمومی کاهش یافته است. نرخ رشد کارکنان بخش عمومی در طول سال های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به طور متوسط

سالانه بیش از ۱۰ درصد بوده است. این نرخ برای سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به حدود ۱/۴ درصد تنزل یافته است.

همان‌گونه که در جدول شماره ۲۲ و ۲۳ ملاحظه می‌شود سهم بخش عمومی در کل اشتغال کشور از سال ۱۳۵۵ به بعد به نحو قابل توجهی افزایش یافته است به نحوی که سهم مزد و حقوق بگیران بخش عمومی از کل اشتغال از ۱۱ درصد در سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۷۵ حدود ۳ برابر شده و به ۳۰ درصد رسیده است. در مقابل نسبت شاغلین بخش خصوصی در کل اشتغال از حدود ۹۰ درصد به ۶۷ درصد تنزل یافته است. با انتقال برخی از واحدهای صنعتی به بخش خصوصی محدود کردن استخدام و اجرای طرح‌های بازخرید و بازنشستگی زودتر از موعد در مؤسسات بخش عمومی انتظار می‌رود که طرح سال‌های آینده سهم اشتغال بخش خصوصی در کل شاغلین کشور افزایش یابد.

جدول ۲۲-۱-۱- شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر به تفکیک گروه‌های عمده فعالیت

(هزار نفر) ۱۳۷۵-۱۳۳۵

| نوع فعالیت     | ۱۳۳۵ | ۱۳۴۵ | ۱۳۵۵ | ۱۳۶۵  | ۱۳۷۰  | ۱۳۷۵  |
|----------------|------|------|------|-------|-------|-------|
| کشاورزی        | ۳۳۲۶ | ۳۳۸۰ | ۲۹۹۲ | ۳۱۹۱  | ۳۲۰۵  | ۳۳۵۸  |
| معادن          | ۲۵   | ۲۶   | ۹۰   | ۳۲    | ۱۰۱   | ۱۲۰   |
| صنعت           | ۸۱۶  | ۱۲۹۸ | ۱۶۷۲ | ۱۴۵۱  | ۲۰۱۴  | ۲۵۵۲  |
| آب و برق و گاز | ۱۲   | ۵۳   | ۶۲   | ۹۱    | ۱۲۹   | ۱۵۱   |
| ساخت‌مان       | ۳۳۶  | ۵۱۰  | ۱۱۸۹ | ۱۲۰۶  | ۱۳۷۲  | ۱۶۵۰  |
| بازرگانی       | ۳۵۵  | ۵۵۳  | ۶۶۸  | ۸۷۵   | ۱۲۳۸  | ۱۹۲۷  |
| حمل و نقل      | ۲۰۸  | ۲۲۴  | ۴۳۱  | ۶۳۱   | ۷۶۲   | ۹۷۳   |
| خدمات مالی     | *    | *    | ۱۰۰  | ۱۱۴   | ۱۹۵   | ۱۵۳   |
| خدمات عمومی    | ۶۵۵  | ۹۳۴  | ۱۵۲۰ | ۳۰۵۰  | ۳۵۱۸  | ۳۴۶۴  |
| سایر           | ۱۷۶  | ۱۳۹  | ۷۵   | ۳۶۰   | ۵۶۲   | ۲۲۴   |
| جمع            | ۵۹۰۸ | ۷۱۱۶ | ۸۷۹۹ | ۱۱۰۰۲ | ۱۳۰۹۷ | ۱۴۵۷۲ |

ماخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ و سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵  
\* آمار تفکیکی در دست نبوده است.

جدول ۲۳-۱-۱- شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب گروه‌های اصلی شغلی ۱۳۷۰-۱۳۵۵

| ۱۳۷۰    |      | ۱۳۵۵     |      | *۱۳۶۵    |      | ۱۳۷۰     |      |
|---------|------|----------|------|----------|------|----------|------|
| تعداد   | درصد | تعداد    | درصد | تعداد    | درصد | تعداد    | درصد |
| ۶۷۷۸۲۰۰ | ۸۸.۸ | ۷۱۱۷۰۰۰  | ۶۴.۵ | ۸۵۳۳۷۳۰  | ۶۵.۲ | ۹۷۹۴۰۰۰  | ۶۷   |
| ۸۴۹۰۰۰  | ۱۱.۱ | ۳۴۵۴۰۰۰  | ۳۱.۳ | ۴۳۴۵۵۸۸  | ۳۳.۲ | ۴۳۱۵۰۰۰  | ۳۰   |
| ۸۴۰۰    | ۰.۱  | ۴۶۴۰۰۰   | ۴.۲  | ۲۱۷۲۹۷   | ۱/۶  | ۴۶۳۰۰۰   | ۳    |
| ۷۶۳۵۶۰۰ | ۱۰۰  | ۱۱۰۳۶۰۰۰ | ۱۰۰  | ۱۳۰۹۶۶۱۵ | ۱۰۰  | ۱۴۵۷۲۰۰۰ | ۱۰۰  |

ماخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ و سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵  
\* در مورد سال ۱۳۶۵، تعداد شاغلان بالای ۶ سال ذکر شده است.



جدول ۲۴-۱-۱- شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب گروه‌های اصلی شغلی ۱۳۵۵-۱۳۷۰

| ۱۳۷۵ |          | ۱۳۷۰  |          | ۱۳۶۵ |          | ۱۳۵۵  |         |                             |
|------|----------|-------|----------|------|----------|-------|---------|-----------------------------|
| درصد | تعداد    | درصد  | تعداد    | درصد | تعداد    | درصد  | تعداد   |                             |
| ۴    | ۵۲۸۰۰۰   | ۳/۰۲  | ۳۹۵۸۴۱   | ۳/۱  | ۳۴۱۰۰۰   | ۲/۰۴  | ۱۵۵۸۰۰  | کارفرمایان                  |
| ۳۶   | ۵۱۹۹۰۰۰  | ۴۱/۶۴ | ۵۴۵۳۰۵۲  | ۳۹/۸ | ۴۳۹۸۰۰۰  | ۴۴/۰۶ | ۳۳۶۴۶۰۰ | کارکنان مستقل               |
| ۲۲   | ۳۲۷۰۰۰۰  | ۱۷/۹۳ | ۲۳۴۷۸۰۴  | ۱۷/۱ | ۱۸۸۲۰۰۰  | ۲۷    | ۲۰۵۴۵۰۰ | مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی   |
| ۵    | ۷۹۷۰۰۰   | ۲/۶۱  | ۳۳۷۰۳۳   | ۴/۵  | ۴۹۷۰۰۰   | ۱۵/۷  | ۱۲۰۳۳۰۰ | کارکن فامیلی بدون مزد       |
| ۳۰   | ۴۳۱۵۰۰۰  | ۳۳/۲  | ۴۳۴۵۵۸۸  | ۳۱/۳ | ۳۴۵۴۰۰۰  | ۱۱/۱  | ۸۴۹۰۰۰  | مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی |
| ۳    | ۴۶۳۰۰۰   | ۱/۶   | ۲۱۷۲۹۷   | ۴/۲  | ۴۶۴۰۰۰   | ۰/۱   | ۸۴۰۰    | اظهار نشده                  |
| ۱۰۰  | ۱۴۵۷۲۰۰۰ | ۱۰۰   | ۱۳۰۹۶۶۱۵ | ۱۰۰  | ۱۱۰۳۶۰۰۰ | ۱۰۰   | ۷۶۳۵۶۰۰ | جمع                         |

مأخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ و سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵.  
\* آمار مربوط به سال ۱۳۶۵، مربوط به شاغلین بالای ۶ سال می‌باشد.

## فصل دوم - عشایر (جمعیت فعال، اشتغال و سواد)

جامعه عشایری کشور دارای سابقه‌ای طولانی در تاریخ و فرهنگ ایران است. در حال حاضر هر چند که به تدریج و جبر مراحل رشد و توسعه این جامعه نسبت به کل جمعیت کشور در حال کاهش است، ولی هنوز نقش و اهمیت عمده آن در تولیدات دام و تأمین مواد پروتئینی برای جامعه ایران اساسی تلقی می‌شود. اگر بررسی و مطالعه شرایط تولیدی جامعه عشایری از نظر برنامه‌ریزی منابع پروتئینی اهمیت دارد، ولی شرایط زندگی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانوارهای عشایری نیز قطعاً کم اهمیت‌تر نیست. متأسفانه آمار و اطلاعات کافی و مناسب از شرایط اقتصادی و مصرفی این جامعه در دست نیست و ما به بررسی آماری دو سرشماری اکتفا می‌کنیم که در مورد این بخش از جامعه اجرا شده است. این دو سرشماری به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۶ به اجرا درآمده‌اند.

در آغاز قبل از ورود به بررسی آمار به دست آمده از این دو سرشماری به تعریف عشایر و جامعه‌ای که به این نام خوانده می‌شود می‌پردازیم:

### عشایر کوچنده:

شامل مردمی می‌شود که از دیرباز به علت استفاده از منابع طبیعی برای فعالیت دامداری سنتی که عمده‌ترین تولیدات آنها را تشکیل می‌دهد، طرز زندگی کوچ‌نشینی را برگزیده‌اند. به طور کلی عشایر به مردمی گفته می‌شود که دارای سه ویژگی زیر باشند:

۱- ساخت اجتماعی قبیله‌ای؛

۲- امرار معاش از طریق دامداری؛

۳- شیوه زندگی شبانی یا کوچ.

تولید دام به روش سنتی و غیر مدرن نیازمند جستجوی دام و دامدار برای مرتع است و به علت تغییرات در

۱- تعریف آمار و اطلاعات سرشماری سال ۱۳۶۰ عشایر عمدتاً شامل عشایر کوچنده است.

اب و هوا این مجموعه به دنبال غذای دام به حرکت و کوچ وادار می‌شوند. از آنجا که این جستجو دائمی مسیر طولانی را در پیش دارد، حرکت به صورت کوچ همراه با خانواده و کلیه اموال صورت می‌گیرد. معمولاً در کوچ یک ایل حرکت به صورت طایفه‌ای صورت می‌گیرد. به این عبارت که هر طایفه، که از چندین خانواده مرتبط تشکیل شده است، به طور منسجم کوچ می‌نماید. این مهم ایجاد یک همبستگی و نزدیکی قابل توجه بین خانوارهای طایفه نموده و پی‌آمد آن یک نوع سیستم حمایتی طایفه‌ای می‌باشد. در سرشماری سال ۱۳۶۶ حدود ۱۹۶ ایل و ۵۴۷ طایفه و ۱۸۰۲۲۳ خانوار برآورد شده است.

حتی در سرشماری جمعیت شهرنشین امکان خطا در سرشماری وجود دارد. این خطا در سرشماری روستا افزایش می‌یابد و به صورت آشکار در مورد ایل‌ها و جامعه عشایر احتمال خطا بیشتر می‌شود. به هر حال در سرشماری دو مرحله‌ای سال ۱۳۶۶ که مرحله نخست آن در سال ۱۳۶۴ صورت گرفته سعی در اجرای یک سرشماری که خطا صورت گرفته است.

اطلاعات و آمار منتشر شده از سرشماری ۱۳۶۶ نشان می‌دهد که جمعیت عشایر در کل ۱۱۵۲۰۹۹ نفر بوده که از این عده ۵۵۴۳۲۵ نفر زن و ۵۹۷۷۷۴ نفر مرد برآورد شده‌اند. هرم سنی این جامعه به خوبی جواز کرایبی را نشان می‌دهد. ۵۱.۳ درصد جمعیت عشایر در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، ۴۵.۸ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و بالاخره ۲/۸ درصد در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار داشتند. در زیر نخست به مطالعه سرشماری سال ۱۳۶۶ با توجه به سرمایه انسانی سواد، دارایی و تسهیلات غیردایمی و بالاخره دارایی‌های دایمی می‌پردازیم.

#### وضعیت سواد عشایر

اگر کل جمعیت عشایر را به دو گروه با سواد و بی‌سواد و برحسب جنسیت تفکیک نماییم، جدول شماره ۱-۲-۱ آمار مورد نظر را منعکس می‌کند. ردیف‌های اول تا سوم جدول زن و مرد و نیز به بقیه زنان و مردان را به تفکیک نشان می‌دهد و ردیف‌های چهارم و پنجم درصد مردان و زنان با سواد و بی‌سواد را از کل جامعه مورد نظر محاسبه نموده است.

جدول ۱-۲-۱- آمار سواد عشایر، سرشماری ۱۳۶۶ عشایر (نفر)

| جمع    | باسواد | بی‌سواد | باسواد (درصد) |            |
|--------|--------|---------|---------------|------------|
| ۸۸۵۶۳۶ | ۲۳۹۱۸۵ | ۶۴۲۱۷۳  | ۲۷            | مردوزن     |
| ۴۶۴۸۴۲ | ۱۸۰۴۳۳ | ۲۸۲۵۹۳  | ۳۹            | مرد        |
| ۴۲۰۷۹۴ | ۵۸۷۵۲  | ۳۵۹۵۸۰  | ۱۴            | زن         |
| ۵۲     | ۷۵     | ۴۴      |               | مرد (درصد) |
| ۴۸     | ۲۵     | ۵۶      |               | زن (درصد)  |

مأخذ: سرشماری عشایر<sup>۱</sup>

جدول شماره ۱-۲-۱ به روشنی سطح بسیار پایین سواد در بین عشایر نسبت به دیگر جوامع جامعه

۱. مأخذ کتبه جدول این فصل سرشماری عشایر در سال ۱۳۶۶ است.

نشان می‌دهد و علاوه بر آن جامعه بسیار زیادی بین درصد باسوادان زن و مرد وجود داشته است. وجود فقط ۲۷ درصد باسواد در بین عشایر نشانه‌ای از عدم دسترسی این جامعه به این ثروت انسانی بسیار مهم می‌باشد. اگر نرخ باسوادی را بین زنان و مردان نیز که در ستون آخر جدول ۱ آمده مقایسه کنیم، شدت تبعیض بین زنان و مردان آشکار می‌شود، از جامعه مردان عشایری حدود ۳۹ درصد باسواد هستند. در حالی که بین زنان عشایر فقط ۱۴ درصد باسواد یافت می‌شود. این نکته به صورتی دیگر در ردیف‌های آخر جدول شماره ۱-۲-۱ منعکس شده است. قابل مشاهده است که از باسوادهای عشایری ۷۵ درصد مرد هستند و فقط ۲۵ درصد زن می‌باشند.

هر چند که مطالعه زیر جامعه عشایری در حال تحصیل نوید بهتری برای آینده ثروت انسانی عشایری می‌دهد، ولی در کل درصد کودکان و نوجوانان مشغول به تحصیل در سطح پایینی قرار دارد.

جدول ۱-۲-۱- درصد جمعیت در حال تحصیل بر حسب سن، سرشماری

۱۳۶۶ عشایر (درصد)

|          | جمعیت ۶-۲۴ ساله | (۶-۱۰) ساله | ۱۱ تا ۱۴ ساله |
|----------|-----------------|-------------|---------------|
| مرد و زن | ۲۸/۳            | ۳۴/۴        | ۴۱/۳          |
| مرد      | ۴۰              | ۴۶/۲        | ۵۶/۷          |
| زن       | ۱۵/۴            | ۲۲          | ۲۲/۵          |

جدول شماره ۱-۲-۲ درصد زیر جامعه، کودکان و نوجوانان مشغول به تحصیل را بر حسب جنسیت نمایش می‌دهد. اشتغال به تحصیل فقط ۲۸/۳ درصد از گروه سنی ۶ تا ۲۴ سال به هیچ وجه تصویر مطلوبی از آینده ثروت انسانی عشایر نمی‌دهد. بالاترین نرخ اشتغال به تحصیل برای جنسی مذکر گروه سنی ۱۱ تا ۱۴ ساله است که حدود ۵۶/۷ درصد ثبت شده، در غیر این مورد هیچ یک از آمارهای اشتغال به تحصیل گروه‌های سنی به ۵۰ درصد نیز نمی‌رسد.

جدول شماره ۱-۲-۳ تفکیک جامعه در حال تحصیل را بر حسب مقطع تحصیلی نشان می‌دهد. مقایسه تعداد دانش‌آموزان سطوح ابتدایی و راهنمایی برای زنان و مردان به خوبی کاهش فاصله آموزشی این دو گروه را آشکار می‌کند، در حالی که این فاصله برای کسانی که در دبیرستان و تا سطح فوق دیپلم تحصیل می‌کنند به حدود ۸۰۳ برابر (به نفع مردان) و برای تحصیلات عالی حدود ۱۱/۵ برابر (باز هم به نفع مردان) می‌رسد. هر چند که فاصله زنان در حال تحصیل در مقاطع بالای تحصیلی نسبت به مردان بسیار زیاد است، ولی این اختلاف در سطوح پایین آموزشی به کمتر از نصف می‌رسد.

جدول ۱-۲-۳- جامعه در حال تحصیل عشایری بر حسب سطح تحصیل، سرشماری ۱۳۶۶ عشایر

|          | کم سواد               |                    |                    | سواد متوسط |           | سواد بالا |
|----------|-----------------------|--------------------|--------------------|------------|-----------|-----------|
|          | کل جامعه در حال تحصیل | ابتدایی و راهنمایی | متوسطه و فوق دیپلم | دانشگاه    | سوادآموزی |           |
| مرد و زن | ۱۴۵۰۳۶                | ۱۳۰۷۰۳             | ۱۰۲۳۲              | ۱۴۷۱       | ۲۶۳۰      |           |
| مرد      | ۸۷۶۶۹                 | ۷۶۰۵۲              | ۹۱۲۹               | ۱۳۵۳       | ۱۱۳۵      |           |
| زن       | ۳۷۳۶۷                 | ۳۴۶۵۱              | ۱۱۰۳               | ۱۱۸        | ۱۴۹۵      |           |

به هر حال در مجموع نمی‌توان شرایط تحصیل و ثروت انسانی در جامعه عشایر را حتی مناسب تلقی نموده و به‌خصوص وضعیت زنان از نظر تحصیلات بسیار نامطلوب است با توجه به نقش جامعه زنان در تعمیم و تربیت بچه‌ها این مهم، نقش اساسی در زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه عشایر باقی می‌گذارد.

#### دارایی‌های غیر دامی

هر چند دارایی اصلی خانوارهای عشایری را دام تشکیل می‌دهد، ولی انواع دارایی‌های غیر دامی نیز می‌توانند به عنوان ثروت این جامعه محسوب شوند. بدیهی است که نه عست حدیکت دائم خانوارها و همچنین عده دسترسی به انرژی الکتریسیته، کمتر از کالاهای برقی خانگی بین دارایی آنها یافت می‌شود. یکی از عمده‌ترین دارایی‌های غیر دامی عشایر وسایل نقلیه موتوری است. آمار سرشماری ۱۳۶۶ نشان می‌دهد که از ۱۸۰۲۲۳ خانوار عشایری ۱۱۸۶۰ خانوار دارای موتور سیکلت بوده‌اند، یعنی ۶/۶ درصد از خانوارها مالک موتور سیکلت هستند. تعداد خانوارهایی که مالک وسایل نقلیه باری و سایر وسایل نقلیه هستند کمتر از تعداد موتور سیکلت بوده و به ترتیب ۵۸۶۰ و ۶۷۳۸ خانوار هستند که از نظر درصد به همان ترتیب ۳/۳ و ۳/۸ درصد از خانوارهای عشایر را تشکیل می‌دهند.

در بین خانوارهای عشایری ۱۵۶۸۲۰ خانوار یعنی حدود ۸۷ درصد فاقد هرگونه وسیله نقلیه می‌باشند. در مقابل بعضی از خانوارها تعداد بیشتری وسیله نقلیه دارند که نشانه شرایط بهتر نسبی رفاهی آنها است. جدول شماره ۳-۲-۱ اطلاعات و آمار مربوط به استفاده از وسایل نقلیه برای خانوارهای عشایری را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات این جدول ۲ درصد از جامعه عشایری دو وسیله نقلیه شامل: موتور سیکلت و وسیله نقلیه باری، ۱۸ درصد دو وسیله نقلیه شامل موتور سیکلت و یک وسیله نقلیه موتوری غیر باری و بالاخره ۰/۲ درصد دو وسیله نقلیه دارند که موتور سیکلت از جمله آنها نمی‌باشد.

جدول ۳-۲-۱- چگونگی استفاده از وسایل نقلیه موتوری سرشماری ۱۳۶۶ عشایر

| وسایل نقلیه         | موتور سیکلت ۱ | باری ۲ | سایر ۳ | ۲و۱ | ۳و۱  | ۳و۲ | ۳و۱و۲ |
|---------------------|---------------|--------|--------|-----|------|-----|-------|
| تعداد               | ۱۱۱۲۳         | ۵۰۸۱   | ۶۰۵۲   | ۴۱۵ | ۳۲۲  | ۳۶۴ | ۴۶    |
| درصد از کل خانوارها | ۶/۶           | ۳/۳    | ۳/۸    | ۰/۲ | ۰/۱۸ | ۰/۲ | ۰/۰۲  |

به هر حال ۴۶ خانوار یا ۰/۰۲ درصد خانوارهای عشایری موتور سیکلت، وسیله نقلیه باری و یک وسیله نقلیه دیگر را مورد استفاده قرار می‌دهند. به هر حال در صد های فوق می‌تواند یک نوع طبقه‌بندی از شرایط رفاه و توزیعی را بین خانوارهای عشایری نشان دهد. ارقام ستون‌های ۱ الی ۳ تعداد خانوارهایی را نشان می‌دهد که فقط موتور سیکلت یا وسیله نقلیه باری یا یکی از سایر وسایل نقلیه را مورد استفاده قرار می‌دهند.

از انواع دارایی‌های دیگری که در دسترس و مالکیت عشایر قرار دارد، رادیو، چراغ توری و چرخ خیاطی هستند که هر چند از نظر ارزش دارایی در سطح پایین قرار دارند، ولی به هر حال از ۱۸۰۲۲۳ خانوار عشایری حدود ۸۲۱۸۲ خانوار، یعنی ۴۵/۶ درصد فاقد حتی یکی از این کالاهای با دوام می‌باشند. در مجموع بین خانوارهای عشایری ۳۶/۱ درصد از رادیو، ۳۸/۴ درصد از چراغ توری و ۱۵/۶ درصد از چرخ

خیاطی بهره‌مند شده‌اند.

جدول ۵-۲-۱- چگونگی استفاده از وسایل با دوام خانگی به وسیله عشایر سرشماری ۱۳۶۶ عشایر

| ۳ و ۲ و ۱ | ۳ و ۱ | ۲ و ۱ | چرخ خیاطی ۳ | چراغ توری ۲ | راديو ۱ |                     |
|-----------|-------|-------|-------------|-------------|---------|---------------------|
| ۱۴۷۸۱     | ۵۵۷۷  | ۲۵۲۸۶ | ۳۸۹۳        | ۲۳۴۶۳       | ۲۱۱۰۴   | تعداد               |
| ۸۰۲       | ۳۰۱   | ۱۴    | ۲/۲         | ۱۳          | ۱۱۷     | درصد از کل خانوارها |

اما تعداد کسانی که فقط یکی از این وسایل را دارا می‌باشند همراه با درصد مربوطه در ستون‌های ۱ الی ۳ جدول شماره ۵-۲-۱ آمده است. همچنین آمار خانوارهایی که دو مورد از کالاهای با دوام فوق یا هر سه را دارا می‌باشند در ردیف‌های بعد آمده‌اند.

گروه دیگر از کالاهای با دوام شامل اجاق گاز، چراغ خوراکی‌زی و بخاری است که در سرشماری ۱۳۶۶ به ترتیب ۱۱/۷، ۲۹/۸ و ۲۳/۴ درصد از عشایر کالاهای با دوام فوق را در اختیار داشته‌اند. در جدول شماره ۶-۲-۱، تعداد خانوارهایی را تصویر نموده‌ایم که یک، دو یا سه کالای با دوام بالا را مورد استفاده قرار می‌دهند. ردیف آخر درصد این خانوارها را نشان می‌دهد.

جدول ۶-۲-۱- چگونگی استفاده از وسایل با دوام خانگی سرشماری عشایری ۱۳۶۶

| ۳ و ۲ و ۱ | ۳ و ۲ | ۳ و ۱ | ۲ و ۱ | بخاری ۳ | چراغ خوراکی‌زی ۲ | اجاق گاز |
|-----------|-------|-------|-------|---------|------------------|----------|
| ۸۱۸۵      | ۱۸۳۸۶ | ۱۴۴۴  | ۶۹۰۶  | ۱۴۱۴۱   | ۲۰۱۷۶            | ۴۵۰۷     |
| ۴/۵       | ۱۰/۲  | ۰/۸   | ۳/۸   | ۷/۸     | ۱۱/۲             | ۲/۵      |

هر چند این کالاهای نیز به نظر خیلی ضروری می‌رسند ولی ۱۰۶۴۷۸ خانوار یعنی حدود ۵۹ درصد جامعه فاقد این کالاهای هستند. درصد کسانی که فقط اجاق گاز دارند ۲۰۵ و کسانی که چراغ خوراکی‌زی دارند ۱۱/۲ درصد است یا عده‌ای دو وسیله آشپزخانه را همزمان و عده‌ای همراه با بخاری دارند. در مجموع کسانی که حداقل یکی از این دو وسیله را مورد استفاده قرار می‌دهند ۳۳/۱ درصد می‌باشند.

در مجموع اگر مالکیت یا در اختیار داشتن وسایل موتوری و کالاهای با دوام خانگی را علامتی برای رفاه در نظر بگیریم، درصد بسیار کمی از عشایر از مالکیت دارایی‌های عمده برخوردار هستند.

#### دارایی‌های دامی

دارایی اصلی و عمده عشایر دام است. به عبارت دیگر اصولاً فعالیت اقتصادی تولیدی عشایر را دامداری سنتی تشکیل می‌دهد که به روش سنتی یعنی دام در جستجوی علوفه و خوراک صورت می‌گیرد. امروزه تولید گوشت به روش نگاه‌داری و پرورش و اصلاح نژاد دام‌ها و تغذیه آنها در دامداری‌ها صورت می‌گیرد. تقریباً روش سنتی دامداری در دنیا در حال انقراض است و حیوانات وحشی و وحشی‌گری در این جامعه نیز مسیر توسعه‌ای خود را طی خواهد کرد. به هر صورت وضعیت دام و تعداد آنها بر حسب انواع مختلف چارپایان خوراکی یا باری در جدول شماره ۷-۲-۱ منعکس می‌باشد.

جدول ۷-۲-۱- مجموعه ثروت دامی عشایر در سرشماری ۱۳۶۶

| احشام               | گوسفند و بره | بز و بزغاله | گاو و گوساله | گاو میش و بچه | شتر و بچه | اسب و بچه | قاطر و استر | الاغ و بچه |
|---------------------|--------------|-------------|--------------|---------------|-----------|-----------|-------------|------------|
| تعداد               | ۹۲۸۲۸۴۶      | ۷۶۷۸۱۵۵     | ۱۸۵۸۰۰       | ۶۵۰۸          | ۲۹۶۹۰     | ۲۰۶۰۸     | ۶۶۰۱۶       | ۱۸۵۷۰۵     |
| نسبت به جمعیت عشایر | ۵۱.۵         | ۴۲.۶        | ۱.۰۳         | ۰.۰۴          | ۰.۱۶      | ۰.۱۱      | ۰.۳۷        | ۱.۰۳       |

ردیف آخر جدول شماره ۷-۲-۱- سرانه حشاه جانور را برای جامعه عشایری نشان می‌دهد. بیشترین سرانه به گوسفند و بره و سپس بز و بزغاله مربوط می‌شود پس از این دو دام با فاصله بسیار زیادی گاو و گوساله و الاغ و بچه آن قرار دارند. در مجموع به هر خانواده عشایری به طور متوسط ۱۰۷ رأس از حیوانات باری تعقی می‌گیرد که برای یک جامعه در حال حرکت کافی به نظر نمی‌رسد. در مورد نحوه توزیع دارایی اصلی عشایر که دام است اطلاعات کافی از سرشماری سال ۱۳۶۶ به دست نمی‌آید. در مورد چگونگی توزیع دام‌های کوچک که شامل گوسفند، بره، بز و بزغاله است در جدول ۸-۲-۱- اطلاعاتی قابل مشاهده می‌باشد. ردیف آخر جدول درصد خانوارها را با توجه به مالکیت تعداد رأس دام‌های کوچک نشان می‌دهد.

جدول ۸-۲-۱- توزیع دام‌های کوچک (گوسفند، بره، بز، بزغاله) بین عشایر سرشماری ۱۳۶۶

| تعداد رأس دام | بدون دام | کمتر از ۵۰ رأس | ۵۰ تا ۹۹ رأس | ۱۰۰ تا ۱۴۹ رأس | ۱۵۰ تا ۱۹۹ رأس | ۲۰۰ تا ۲۹۹ رأس | ۳۰۰ تا ۴۹۹ رأس | ۵۰۰ تا ۹۹۹ رأس | ۱۰۰۰ تا بیشتر از رأس |
|---------------|----------|----------------|--------------|----------------|----------------|----------------|----------------|----------------|----------------------|
| رأس           | ۷۰۳۶     | ۶۹۱۳۶          | ۴۴۱۳۶        | ۲۳۵۹۳          | ۱۳۳۸۱          | ۱۳۲۸۶          | ۷۴۵۸           | ۱۸۰۵           | ۲۷۵                  |
| درصد          | ۳.۹      | ۳۸.۴           | ۲۴.۵         | ۱۳.۱           | ۷.۴            | ۷.۴            | ۴.۱            | ۱              | ۰.۱۵                 |

بیشترین درصد خانوارها در عشایر مانک کمتر از ۵۰ رأس دام کوچک هستند و ۳/۹ درصد خانوارهای عشایری در سال ۱۳۶۶ اصولاً مانک هیچ نوع دام کوچکی نبودند. ثروتمندان عشایری را اگر مالکین ۱۰۰۰ دام و بیشتر در نظر بگیریم حدود ۰.۲۱ درصد هستند یعنی حدود ۳۹۱ خانوار. این تعداد خانوار حدود تعداد خانوارهایی هستند که از نظر مالکیت و سینه نقلیه صاحب حداقل، یک وسیله نقلیه باری و یک وسیله نقلیه موتوری دیگر می‌باشند.

#### اشتغال

اصولاً مسئله اشتغال در بین عشایر و روستاییان نسبت به شهر دارای تفاوت‌هایی است. علاوه بر اشتغال ناقصی که در سطح عشایر و روستاها زیادتر از اشتغال شهری است، معمولاً درصد اشتغال زنان در عشایر و روستاها به مقدار قابل توجهی بیشتر از شهر است. در واقع زنان عشایر و روستاها علاوه بر فعالیت تولید خانوار مشابه زنان شهر در فعالیت‌های تولیدی عشیره‌ای (که دامداری است) و روستایی (که کشاورزی است) مشارکت دارند. مشارکت یا فعالیت زنان عشایر در امر دامداری معمولاً در کنار فعالیت‌های معمول آنان صورت می‌گیرد.

جدول شماره ۹-۲-۱ وضعیت گروه ۶ ساله و بالاتر جامعه عشایر را با توجه به وضعیت اشتغال نشان می‌دهد. ستون آخر جدول درصد شاغلین را در جامعه عشایری نشان می‌دهد.

جدول ۹-۲-۱- اشتغال در عشایر سرشماری ۱۳۶۶

| درصد شاغلین | بیکار (جویای کار) | شاغل    | جمع    |          |
|-------------|-------------------|---------|--------|----------|
| ۵۵.۸        | ۷۸۷۷              | ۴۹۴۶۳۷  | ۸۸۵۶۳۶ | مرد و زن |
| ۶۹/۹        | ۷۰۴۶              | ۳۲۵۱۲۹  | ۴۶۴۸۴۲ | مرد      |
| ۴۰.۳        | ۸۲۰               | ۱۶۹۵۰.۸ | ۴۲۰۷۹۴ | زن       |

بین جمعیت ۶ سال به بالای مردان حدود ۷۰ درصد اشتغال دارند، در مورد زنان عشایری درصد اشتغال حدود ۴۰ درصد است که نسبت به شهرنشینان درصد بالایی را تشکیل می‌دهد. در بین مردان عشایری کمتر از درصد جویای کار هستند و این رقم برای زنان عشایری به مراتب کمتر و کمتر از ۰/۲ درصد است. در بین کل شاغلین عشایری ۶۵/۷ درصد را مردان و ۳۴/۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. باید توجه نمود که به هر حال بخشی از گروه ۶ سال بالاتر جامعه عشایری را افراد مسن و از کار افتاده و بخشی را نیز محصلین تشکیل می‌دهند.

### سرشماری سال ۱۳۷۶

در سرشماری سال ۱۳۷۶ جمعیت جامعه عشایری حدود ۱۳۰۴۰۸۹ نفر شمارش شده‌اند که ۶۷۴۲۳۸ نفر مرد و ۶۲۹۸۵۱ نفر زن هستند. از نظر وضعیت سواد، مجموع شرایط عشایر از دیدگاه با سواد، بی سواد و طبقه بندی نوع سواد آنها را در جدول‌های شماره ۱۰-۲-۱ و ۱۱-۲-۱ نمایش می‌دهیم. جدول شماره ۱۰ تعداد با سوادها و بی سوادها را با درصد مربوطه نشان داده است. از کل جامعه عشایری ۶ سال و بالاتر حدود ۵۰ درصد با سواد، ۴۹ درصد بی سواد و حدود ۱ درصد اظهار نشده هستند.

جدول ۱۰-۲-۱- آمار سواد عشایر سرشماری ۱۳۷۶ عشایر

| جمع     | باسواد | بی سواد | درصد باسواد |            |
|---------|--------|---------|-------------|------------|
| ۱۱۱۲۶۶۱ | ۵۵۵۵۱۸ | ۵۵۰۰۱۳  | ۵۰          | مرد و زن   |
| ۵۷۴۸۹۴  | ۳۴۳۵۴۸ | ۲۲۷۹۸۲  | ۵۹/۷        | مرد        |
| ۵۳۷۷۶۶  | ۲۱۱۹۷۰ | ۳۲۳۰۳۱  | ۳۹.۴        | زن         |
| ۵۱/۷    | ۶۱.۸   | ۴۱.۴    |             | مرد (درصد) |
| ۴۸/۳    | ۳۸.۱   | ۵۸/۵    |             | زن (درصد)  |

آمار جدول شماره ۱۰-۲-۱ آشکار است که کمی کمتر از ۶۰ درصد مردان و همچنین کمی کمتر از ۴۰ درصد زنان جامعه عشایر در سال ۱۳۷۶ با سواد بوده‌اند. از کل جامعه با سوادها ۶۱.۸ درصد را مردان و

## جدول ۱۱-۲-۱- وضعیت سواد گروه در حال تحصیل عشایری با توجه به سطح سواد

آنها سرشماری ۱۳۷۶ عشایر

| جمع    | کم سواد | سواد متوسط | سواد بالا | سواد آموز |
|--------|---------|------------|-----------|-----------|
| ۳۶۹۳۰۷ | ۲۲۷۲۹۷  | ۳۷۳۶۴      | ۲۶۴۴      | ۱۹۰۲      |
| ۱۶۵۱۸۶ | ۱۳۶۰۳۶  | ۲۶۵۳۳      | ۲۲۱۰      | ۴۰۷       |
| ۱۰۴۱۳۱ | ۹۱۲۶۱   | ۱۰۸۳۱      | ۴۳۴       | ۱۴۹۵      |

طبقه‌بندی سواد گروه در حال تحصیل عشایری را در جدول شماره ۱۱-۲-۱ آورده‌ایم. این طبقه‌بندی‌ها که به کم سواد، سواد متوسط، سواد بالا و سواد آموزی تقسیم شده‌اند تعاریفی مشابه آنچه که برای سرشماری سال ۱۳۶۶ برای جدول شماره ۳-۲-۱ آورده‌ایم را دارند. بیشترین درصد به ترتیب برای مرد و زن ۸۲.۳ و ۸۷.۶ بوده و به گروه کم سواد مربوط می‌شده، با افزایش یا ارتقای سطح تحصیلات مطابق انتظار درصد افراد کاهش می‌یابد. به طوری که برای مردان و زنان مشغول به تحصیل در سطح دانشگاه به ترتیب به ۱.۳ و ۰.۴ درصد می‌رسد.

از کل کسانی که در سطح سواد کم مشغول به تحصیل دارند ۵۹/۸ درصد مرد و ۴۱.۲ درصد زن هستند. با حرکت به سطوح بالای تحصیلی سهم مردان به سرعت افزایش می‌یابد به طوری که در سطح سواد متوسط ۷۱ درصد مردان و ۲۹ درصد زنان هستند و بالاخره در سطوح دانشگاهی مردان ۸۳/۶ درصد صندلی‌ها را اشغال می‌کنند و برای زنان سهمی حدود ۱۶.۴ درصد بیشتر باقی نمی‌ماند.

## دارایی‌های دامی

از آنجا که متأسفانه سرشماری سال ۱۳۷۶ فاقد اطلاعات مربوط به دارایی‌های غیردامی خانوارهای عشایری است ما به مطالعه دارایی‌های دامی عشایر می‌پردازیم. مجدداً به علت ناتوانی در یافتن آمار نحوه توزیع دام‌ها در سرشماری سال ۱۳۷۶ مایوس شده و یک اطلاعات گرانبها را از مقایسه چگونگی توزیع در فاصله این دو سرشماری از دست دادیم. به هر حال آمار مربوط به تعداد دام‌ها را در جدول شماره ۱۲-۲-۱ آورده‌ایم.

## جدول ۱۲-۲-۱- مجموعه ثروت دامی عشایر و سرانه خانوار سرشماری ۱۳۷۶

| احشام               | گوسفند و بره | بز و بزغاله | گاو و گوساله | گاو میش و بچه | شتر و بچه | اسب و بچه | قاطر و بچه | الاغ و بچه |
|---------------------|--------------|-------------|--------------|---------------|-----------|-----------|------------|------------|
| تعداد               | ۱۳۱۷۰۹۴۴     | ۹۱۰۶۴۶۹     | ۲۲۹۳۹۷       | ۹۲۲۳          | ۴۵۳۵۵     | ۱۷۵۳۰     | ۳۲۰۴۱      | ۱۹۳۹۱۵     |
| نسبت به جمعیت عشایر | ۶۴/۵         | ۴۴/۲        | ۱/۱۲         | ۰/۰۴          | ۰/۲۲      | ۰/۰۸      | ۰/۱۶       | ۰/۹۵       |

برای محاسبه نسبت دام‌ها و احشام به خانوار برای قابلیت مقایسه با سرشماری ۱۳۶۶، بعد خانوار را مشابه سال ۱۳۶۶ حدود ۶.۳۹ نفر در نظر گرفته و سپس براساس تعداد ۲۰۴۰۱۰ خانوار برای سال ۱۳۷۶



سرانه خانوار چارپایان جدول شماره ۱۲-۲-۱ را محاسبه و در ردیف آخر قرار داده به و بیشترین سرانه خانوار برای عشایر ۶۴/۵ رأس گوسفند و بره است و پس از آن ۴۴/۲ رأس بز و برغانه است. در مورد بقیه احشام غیر از گاو و گوساله که حدوداً به هر خانوار کمی بیشتر از ۱ رأس می رسد. بقیه چارپایان سرانه خانوار خیلی کمی دارند.

#### اشتغال

برای تصویر نمودن شرایط اشتغال جامعه عشایری جدول شماره ۱۳-۲-۱ را تشکیل می دهیم. در این جدول از بین جمعیت ۶ سال به بالا برحسب جنس تعداد شاغلین و افراد جویای کار را نشان داده ایم. مجدداً یادآور می شویم که از کار افتادگان و افراد مسن جامعه عشایری قاعدتاً جویای کار نیستند.

جدول ۱۳-۲-۱- اشتغال در عشایر سرشماری ۱۳۷۶ عشایر

|          | جمع     | شاغل   | بیکار جویای کار | درصد شاغلین |
|----------|---------|--------|-----------------|-------------|
| مرد و زن | ۱۱۱۲۶۶۱ | ۶۴۱۸۰۹ | ۲۵۷۳۴           | ۵۷/۷        |
| مرد      | ۵۷۴۸۹۴  | ۳۸۱۱۵۱ | ۲۱۲۴۷           | ۶۶/۳        |
| زن       | ۵۳۷۷۶۶  | ۲۶۰۶۵۸ | ۴۴۸۶            | ۴۸/۵        |

ستون آخر جدول درصد شاغلین را نشان می دهد. درصد شاغلین جامعه عشایری از جمعیت بالای ۶ سال ۵۷/۷ درصد است، در حالی که درصد شاغلین مرد بیشتر از زنان بوده و حدود ۶۶/۳ درصد برآورد می شود. در سال ۱۳۷۶ از جامعه زنان عشایری بالای ۶ سال حدود ۴۸/۵ درصد مشغول کار بوده اند.

#### تحولات عشایری طی فاصله ۱۳۶۶-۱۳۷۶

از آنجا که مطابقت آماری سال های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۶ سرشماری جمعیت و دام است، اطلاعات مناسب و کافی برای بررسی و مقایسه شرایط زندگی، رفاهی و فقر خانوارها ایجاد نشده است. حتی سرشماری ۱۳۷۶ یک پوشش از سرشماری ۱۳۶۶ نیست. به عبارت دیگر کلیه اطلاعات و آماری که در سرشماری سال ۱۳۶۶ جمع آوری شده اند، در سرشماری سال ۱۳۷۶ موجود نیستند. به هر صورت حداقل امکان مقایسه جمعیتی. سطح سواد، تعداد احشام و اشتغال وجود دارد.

مقایسه کل جمعیت عشایر نشان می دهد که طی ۱۱ سال فاصله دو سرشماری جمعیت عشایر حدود ۱۳ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۶۶ داشته است. حدود رشد جمعیت زنان و مردان نزدیک است. ولی مقداری جزئی افزایش بیشتر در رشد زنان نسبت به مردان وجود دارد. مقایسه وضعیت سواد عشایر طی فاصله دو سرشماری تغییرات قابل ملاحظه ای را نشان می دهد جدول شماره ۱۴-۲-۱ درصد با سوادهای جامعه عشایری را به تفکیک زن و مرد برای دو سرشماری نشان می دهد. افزایش قابل ملاحظه در تعداد و درصد سوادهای عشایری طی ۱۱ سال یک تحول قابل ملاحظه را نشان می دهد.

جدول ۱۴-۲-۱- مقایسه وضعیت سواد

#### خانوارهای عشایری (درصد)

|         | مرد و زن | مرد  | زن   |
|---------|----------|------|------|
| ۱۳۶۶    | ۲۷       | ۳۹   | ۱۴   |
| ۱۳۷۶    | ۵۰       | ۵۹/۷ | ۳۹/۴ |
| تغییرات | ۲۳       | ۲۰/۷ | ۲۵/۴ |

به طور کلی حدود ۲۳ درصد در درصد با سوادهای عشایری افزایش پیدا شده، ولی افزایش در درصد باسوادهای زن بیشتر از این مقدار و حدود ۲۵/۴ درصد است. به روشنی بهبود در وضعیت سواد عشایر بیشتر به نفع زنان بوده است. این تغییر را به خوبی از مقایسه سهم با سوادهای زن نیز به دست می آوریم، در سال ۱۳۶۶ از کل باسوادها فقط ۲۵ درصد زن بودند. در حالی که در سال ۱۳۷۶ حدوداً ۳۸/۱ درصد باسوادان عشایری را زنان تشکیل داده اند.

به طور کلی تغییرات در سطح سواد عشایر چه در کل و چه در سطوح مختلف بسیار چشمگیر بوده است.

جدول ۱۵-۲-۱- تغییر در تعداد افراد مشغول تحصیل (درصد)

در سال ۱۳۷۷ نسبت به ۱۳۶۶

| جمع   | کم سواد | سواد متوسط | سواد بالا | سواد آموزی |
|-------|---------|------------|-----------|------------|
| ۱۸۵۶  | ۱۷۳/۹   | ۳۶۵        | ۱۷۹/۷     | -۲۷/۳      |
| ۱۸۸   | ۱۷۸/۹   | ۲۹۰/۶      | ۱۶۳/۳     | -۶۴/۲      |
| ۲۷۸/۶ | ۲۶۳/۴   | ۹۸۱/۹      | ۱۲۶۷/۷    | -          |

جدول شماره ۱۵-۲-۱ را برای مقایسه درصد تغییرات عشایر در حال تحصیل در سطوح مختلف در سال ۱۳۷۷ نسبت به ۱۳۶۶ تنظیم شده است. شاخص فوق براساس این که سال ۱۳۶۶ برابر ۱۰۰ در نظر گرفته شده به دست آمده است. به عبارت دیگر اگر کل تعداد افراد در حال تحصیل کم سواد در سال ۱۳۶۶ را ۱۰۰ داشته باشیم در سال ۱۳۷۷ این رقم به ۱۷۳/۴ یا حدود ۱۷۴ می رسد یعنی حدود ۷۴ درصد تعداد محصلین کم سواد افزایش یافته است. بهترین تغییرات به دوره متوسطه یا گروه محصل در سطح سواد متوسط می رسد که به صورت جهشی از سرشماری قبلی افزایش پیدا نموده است. به خصوص در مورد زنان شاخص ۹۸۱/۹ نشان می دهد که در مقابل هر ۱۰۰ نفر دانش آموز متوسط زن در سال ۱۳۶۶، در سال ۱۳۷۶ حدود ۹۸۲ نفر زن مشغول به تحصیل بوده اند. در مقابل تمام افزایش ها تعداد سوادآموزان که عمدتاً شامل افراد مسن می شده کاهش یافته است. این اتفاق کاملاً بدیهی و قابل انتظار است.

#### تغییرات در دارایی های دامی عشایر

در بحث مربوط به سرشماری سال ۱۳۷۶ اظهار کردیم که بعضی از آمار سرشماری سال ۱۳۶۶ در سال ۱۳۷۶ تکرار نشده است. در نتیجه ما در مقایسه محدودیت داریم. در این قسمت به مقایسه دارایی های دامی عشایر می پردازیم. جدول شماره ۱۶-۲-۱ سرانه احشام نه خانوار مورد نظر را برای دو سرشماری مورد نظر منعکس می نماید. تغییرات را در ردیف آخر جدول آورده ایم. عمده ترین تغییرات به گوسفند و بره و بز و بزغاله مربوط می شود. براساس این اطلاعات و آمار سرانه گوسفند و بزغاله در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۶۶ افزایش داشته به طوری که در سال ۱۳۷۶ خانوارهای عشایری به ترتیب مالک ۱۳ و ۱/۶ رأس بیشتر.

جدول ۱۶-۲-۱- مقایسه سرانه خانوار تعداد احشام در سال ۱۳۷۶ نسبت به ۱۳۶۶

| احشام     | گوسفند و بره | بز و بزغاله | گاو و گوساله | گاو میش و بچه | شتر و بچه | اسب و بچه | قاطر و بچه | الاغ و بچه |
|-----------|--------------|-------------|--------------|---------------|-----------|-----------|------------|------------|
| ۱۳۶۶      | ۵۱/۵         | ۴۲/۶        | ۱/۰۳         | ۰/۰۴          | ۰/۱۶      | ۰/۱۱      | ۰/۳۷       | ۱/۰۳       |
| ۱۳۷۶      | ۶۴/۵         | ۴۴/۲        | ۱/۱۲         | ۰/۰۴          | ۰/۲۲      | ۰/۰۸      | ۰/۱۶       | ۰/۹۵       |
| ۱۳۶۶-۱۳۷۶ | ۱۳           | ۱/۶         | ۰/۰۹         | ۰             | ۰/۰۴      | -۰/۰۳     | -۰/۲۱      | -۰/۰۸      |

(رأس)

گوسفند و بره و بز و بزغانه بوده اند. سرانه گاو و گوساله و شتر و بچه شتر نیز افزایش حریصی داشته. در حالی که سرانه خانوار گاو میش تغییری ننموده است. در مورد چارپایان باری اسب و کره آن، قاطر و بچه آن و الاغ و کره الاغ شاهد یک کاهش جزئی هستیم، که احتمالاً به تغییر نوع وسیله جابه جایی و حمل خانوارهای عشایری مربوط می شود.

#### مقایسه وضعیت اشتغال

در مجموع وضعیت اشتغال در بین عشایر طی ۱۰ سال فاصله دو سرشماری بهبود نسبی یافته است. تصویر کلی این مهم را ما در جدول شماره ۱۷-۲-۱ نشان داده ایم.

جدول ۱۷-۲-۱- مقایسه وضعیت اشتغال عشایر

| درصد اشتغال | مرد وزن | مرد  | زن   |
|-------------|---------|------|------|
| ۱۳۶۶        | ۵۵/۸    | ۶۹/۹ | ۴۰/۳ |
| ۱۳۷۶        | ۵۷/۷    | ۶۶/۳ | ۴۸/۵ |
| تفاوت       | ۱/۹     | -۳/۶ | ۸/۲  |

کل اشتغال زنان و مردان از ۵۵/۸ درصد برای جامعه ۶ سال بالاتر عشایری در سال ۱۳۶۶ به ۵۷/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده که افزایش حدود ۱/۹ درصد را نشان می دهد. درصد اشتغال مردان حدود ۳/۳ درصد کاهش یافته اما برای زنان یک افزایش چشمگیر ۸/۲ درصد را شاهد هستیم. می توان به طور کلی نتیجه گرفت که فعالیت زنان طی ۱۰ سال مورد نظر افزایش نسبی بیشتری نسبت به مردان داشته است.

#### مقایسه بین عشایر و روستاییان

با توجه به این که سرشماری عشایر در هر دو دهه ۶۰ و ۷۰ یک سال دیرتر از سرشماری شهر و روستا انجام گرفته است اجباراً سرشماری سال ۱۳۶۵ روستا را با ۱۳۶۶ عشایر و ۱۳۷۵ روستا را با ۱۳۷۶ عشایر مقایسه می کنیم. درصد باسوادان روستاییان و عشایر برای دو سرشماری نزدیک ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ در جدول شماره ۱۸-۲-۱ ملاحظه می کنیم. اختلاف فاحشی در درصد باسوادان روستایی و عشایری مشاهده می شود، به عبارت دیگر درصد باسوادان روستایی به تعداد زیادی بیشتر از عشایر در دهه ۶۰ بوده است.

جدول ۱۸-۲-۱- مقایسه سواد روستا و عشایر دهه ۶۰

سرشماری روستا ۱۳۶۵ و عشایر ۱۳۶۶ (درصد)

|            | مرد وزن | مرد | زن   |
|------------|---------|-----|------|
| روستا ۱۳۶۵ | ۴۷/۴    | ۶۰  | ۳۶/۳ |
| عشایر ۱۳۶۶ | ۲۷      | ۳۹  | ۱۴   |
| تفاوت      | ۲۰/۴    | ۲۱  | ۲۲/۳ |

چگونگی توزیع افراد در حال تحصیل در سطح روستا و عشایر نیز می تواند درک تفاوت های آموزشی این دو جامعه کمک باشد جدول شماره ۱۹-۲-۱ درصد جمعیت مرد و زن برای سطح که سواد

ند. بی بر دسبایی، سواد متوسط / متوسطه و فوق دیپلم) و سواد بالا (دانشگاه) را در روستا و عشایر نشان می دهد. مقایسه نحوه توزیع نشان می دهد که به طور کلی بین این دو جامعه در صدهای اشتغال به تحصیل در سطوح مختلف نزدیک بوده و اختلاف فاحش وجود ندارد. به هر حال در مورد سواد بالا ظاهراً درصد نسبی بیشتری از جامعه عشایر اشتغال به تحصیل دارند.

جدول ۱۹-۲-۱- مقایسه افراد در حال تحصیل در روستا و عشایر

سرشماری های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶

| سواد آموزشی | سواد بالا | سواد متوسط | کم سواد |     |               |
|-------------|-----------|------------|---------|-----|---------------|
| ۰/۴۲        | ۰/۴       | ۶/۷        | ۹۲/۵    | مرد | روستا         |
| ۴/۵         | ۰/۰۸      | ۳/۶        | ۹۱/۸    | زن  |               |
| ۱/۳         | ۱/۵       | ۱۰/۴       | ۸۶/۷    | مرد | عشایر         |
| ۴/۰         | ۰/۳       | ۲/۹        | ۹۲/۷    | زن  |               |
| -۰/۸۸       | -۱/۱      | -۳/۷       | ۵/۸     | مرد | تفاوت         |
| ۰/۵         | -۰/۲۲     | ۰/۷        | -۱/۱    | زن  | روستا - عشایر |

در چند مسئله اشتغال در روستاها و عشایر تا حدودی متفاوت از اشتغال در شهر است، ولی مقایسه وضعیت اشتغال روستاییان و عشایر تصویری کلی ایجاد خواهد کرد. جدول شماره ۲۰-۲-۱- درصد اشتغال را برای این دو جامعه نشان می دهد. در همه موارد اشتغال در سطح عشایر بالاتر از روستا مشاهده می شود.

جدول ۲۰-۲-۱- مقایسه اشتغال بین روستا و عشایر سرشماری

سال ۱۳۶۵ روستا و ۱۳۶۶ عشایر (درصد)

| زن   | مرد  | مرد وزن |       |
|------|------|---------|-------|
| ۶/۳  | ۶۱/۸ | ۳۴/۵    | روستا |
| ۴۰/۳ | ۶۹/۹ | ۵۵/۸    | عشایر |
| ۳۴/- | ۸/۱  | ۲۱/۳    | تفاوت |

به خصوص تفاوت فاحش اشتغال زنان در جامعه عشایر نسبت به اشتغال زنان در روستاها کاملاً چشمگیر است. در روستاها فقط ۶/۳ درصد زنان اشتغال به کار (غیر کار منزل) دارند، در حالی که ۴۰/۳ درصد زنان عشایری به کار اشتغال دارند. به هر حال درصد اشتغال مردان عشایری نیز حدود ۸۱ درصد بیشتر از مردان روستایی است. در نتیجه این دو فزونی اشتغال در مجموع ۲۱/۳ درصد سطح اشتغال در عشایر بیشتر از روستاها می باشد.

با وجود تحول قابل ملاحظه در سطح سواد عشایر از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۷۶ هنوز سطح سواد روستاها بالاتر از عشایر است. با توجه به نوع زندگی عشایر که دائماً در حال حرکت هستند این نتیجه کاملاً قابل انتظار

به نظر می‌رسد. جدول شماره ۲۱-۲-۱ مقایسه سطح سواد عشایر و روستاییان را برای سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ برای روستا و ۱۳۷۶ برای عشایر تصویر می‌کند.

#### جدول ۲۱-۲-۱- مقایسه سطح سواد روستا و عشایر -

سرشماری ۱۳۷۵ روستا و ۱۳۷۶ عشایر (درصد)

|       | مردوزن | مرد  | زن   |
|-------|--------|------|------|
| روستا | ۶۹/۶   | ۷۶/۷ | ۶۲/۴ |
| عشایر | ۵۷/۷   | ۶۶/۳ | ۴۸/۵ |
| تفاوت | ۱۱/۹   | ۱۰/۴ | ۱۳/۹ |

مقایسه دو جدول شماره ۱۸-۲-۱ و ۲۱-۲-۱ نشان می‌دهد که در همه موارد به لحاظ سطح سواد، مردان و زنان، فاصله عشایر از روستاییان کمتر شده است. به عبارت دیگر حدود ۱۰ درصد از فاصله درصد سواد روستاییان و عشایر کاهش یافته است.

تکمیل مطالعه سواد عشایر و روستاییان را با مقایسه درصد افراد در حال تحصیل در سطوح مختلف سواد به انجام می‌رسانیم. جدول شماره ۲۲-۲-۱ تخصیص به این مهم دارد. در این جدول درصد افراد در حال تحصیل در هر سطح سواد را نسبت به کل افراد در حال تحصیل برای دو جامعه عشایر و روستاها براساس سرشماری‌های ۱۳۷۵ برای روستا و ۱۳۷۶ برای عشایر محاسبه نموده‌ایم.

#### جدول ۲۲-۲-۱- مقایسه سواد روستا و عشایر سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ (درصد)

|       | کم سواد | سواد متوسط | سواد بالا | سواد آموزی |
|-------|---------|------------|-----------|------------|
| روستا | ۸۳/۷    | ۱۳/۹       | ۲/۱       | ۰/۲۹       |
| زن    | ۸۴/۲    | ۱۱/۸       | ۰/۹۵      | ۳/۱        |
| عشایر | ۸۲/۳    | ۱۶         | ۱/۳       | ۰/۲۵       |
| زن    | ۸۷/۶    | ۱۰/۴       | ۰/۴       | ۱/۴        |
| تفاوت | ۱/۴     | -۲/۱       | ۰/۸       | ۰/۰۴       |
| R-A   | -۳/۴    | ۱/۴        | ۰/۵۵      | ۱/۷        |

ارقام مربوط به افراد در حال تحصیل در مقاطع مختلف بین شهر و روستا تفاوت فاحش ندارد. در مجموع درصد روستاییانی که در سطح سواد بالا (دانشگاهی) به تحصیل اشتغال دارند بیشتر از عشایر است و این نتیجه نسبت به آنچه که ده سال قبل به دست آمد متفاوت جلوه می‌کند.

مقایسه وضعیت اشتغال روستاییان و عشایر در دهه ۷۰ یعنی، سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ حدوداً مشابه یک دهه قبل بالاتر بودن سطح اشتغال بین عشایر نسبت به روستاییان را نشان می‌دهد. جدول شماره ۲۳-۲-۱ به مقایسه درصد اشتغال برحسب کل جامعه، مرد و زن پرداخته است. روستاییان از جمعیت ۱۰ سال بالاتر حدود ۳۴ درصد شاغل دارند در حالی که برای عشایر جمعیت ۶ سال بالاتر این رقم حدود

## جدول ۲۳-۲-۱- مقایسه درصد اشتغال روستا و عشایر

سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ درصد

|           | مرد وزن | مرد  | زن   |
|-----------|---------|------|------|
| روستا     | ۳۴      | ۵۸/۹ | ۹/۱  |
| عشایر     | ۵۷/۷    | ۶۶/۳ | ۴۸/۵ |
| تفاوت A-R | ۲۳/۷    | ۷/۴  | ۳۹/۴ |

مجدداً در این دوره بر اختلاف فاحش سطح اشتغال زنان عشایری نسبت به زنان روستایی چشمگیر است. بیش از ۴۸ درصد زنان عشایری مشغول کار هستند در حالی که برای روستاییان کمی بیشتر از ۹ درصد اشتغال زنان ثبت شده است.

اصولاً جامعه عشایری تحت یک نظام حمایتی و بیمه‌ای منسجم قرار نداشته و به‌طور کلی سازمان امور عشایر سعی در رفع نیازهای کلان این جامعه می‌نماید. این حمایت به‌صورت یک بیمه گسترده بیکاری، از کارافتادگی، یا بیمه درمان نیست. عمده‌تاً تحت اختیارات ملی و استانی این سازمان مبادرت به انجام امور زیر می‌نماید:

۱- تهیه طرح‌های آماده‌سازی در مناطق عشایری؛

۲- ارائه خدمات پشتیبانی به کوچندگان؛

۳- سوخت فسیلی؛

۴- عملیات اجرای اسکان؛

۵- تسهیلات بانکی.

جزئیات بیشتر در جدول شماره ۲۴-۲-۱ آمده است که از سال ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۵ مبلغ اعتبارات را منعکس می‌کند.

جامعه عشایری مشابه روستاییان از سیستم حمایتی یارانه کالاهای اساسی بهره‌مند است. کوپن عشایری و روستایی اصولاً مشابه بوده و در یک‌زمان و به یک مقدار اعلان می‌شوند. با توجه به نبود سیستم حمایتی و بیمه‌ای برای عشایر چیزی تحت عنوان نسبت جمعیت آنها به جمعیت تحت پوشش حمایتی بیمه مورد ندارد.

جدول ۲۴-۲-۱- وضعیت اعتبارات مصوب ملی و استانی سازمان امور عشایر ایران

| سال  | تهیه طرح های آماده سازی در مناطق عشایری |      | ارائه خدمات پشتیبانی به کوچندگان |     | سوخت فسیلی |     | عملیات اجرائی اسکان |      | مطالعات |       | جمع تخصیصی نهایی | تسهیلات بانکی تبصره ۵۱ |       |
|------|---|------|----------------------------------|-----|------------|-----|---------------------|------|---------|-------|------------------|------------------------|-------|
|      | استانی                                  | ملی  | استانی                           | ملی | استانی     | ملی | استانی              | ملی  | استانی  | ملی   |                  | مصوب                   | جذب   |
| ۱۳۶۹ | -                                       | ۳۰۰  | -                                | -   | -          | -   | -                   | -    | -       | -     | ۵۳۰۰             | -                      | -     |
| ۱۳۷۰ | -                                       | ۷۲۰  | -                                | -   | -          | -   | -                   | -    | -       | -     | ۱۰۶۲۰            | -                      | -     |
| ۱۳۷۱ | -                                       | ۵۱۰۰ | -                                | -   | -          | -   | -                   | -    | -       | -     | ۱۱۷۸۷            | -                      | -     |
| ۱۳۷۲ | -                                       | ۵۰۰  | -                                | -   | -          | -   | -                   | ۵۰۰  | -       | ۲۹۰۰  | ۲۳۲۰۰            | ۲۰۰۰۰                  | ۹۵۸   |
| ۱۳۷۳ | -                                       | ۵۰۰  | -                                | -   | -          | -   | -                   | ۵۰۰  | -       | ۱۳۰۰  | ۲۳۷۰۰            | ۲۰۰۰۰                  | ۱۲۱۳۲ |
| ۱۳۷۴ | -                                       | -    | -                                | -   | -          | -   | -                   | ۲۱۳۳ | -       | ۱۷۵۸۶ | ۳۳۰۰۰            | ۲۰۰۰۰                  | ۱۷۱۹۲ |
| ۱۳۷۵ | -                                       | -    | -                                | -   | -          | -   | -                   | ۵۵۰۰ | -       | ۲۰۰۰  | ۷۲۵۰۰            | ۶۰۰۰۰                  | -     |
| جمع  | -                                       | ۷۱۲۰ | -                                | -   | -          | -   | -                   | ۷۳۲۳ | ۱۰۰۰    | ۹۲۸۸۶ | ۱۸۰۱۰۷           | -                      | -     |